

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی تخصصی مطالعات مهدوی

سال یازدهم، شماره ۵۰، زمستان ۱۳۹۹

<p>اعضاء هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا): توسلی خواه، سعید (دکتری مدرسی معارف اسلامی و پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت) حیدری چراتی، حجت (فاضل حوزوی و مدرس مرکز تخصصی مهدویت) جباری، حسینعلی (فاضل حوزوی و دانش آموخته سطح ۴ گرایش سیاسی و اجتماعی مهدویت) کامیاب، مسلم (فاضل حوزوی و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا) مصلحی، علی (فاضل حوزوی و مدرس مرکز تخصصی مهدویت) معنوی، سید مجتبی (فاضل حوزوی و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا) ملایی، حسن (فاضل حوزوی و مدیر گروه اخلاق تربیت مرکز تخصصی مهدویت) همکاران این شماره: حجت الاسلام و المسلمین سید علی کاظمی شیخ شبانی</p>	<p>صاحب امتیاز پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا؛ مدیر مسئول: حجت الاسلام و المسلمین مهدی یوسفیان سر دبیر: سعید توسلی خواه مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: حجت الاسلام و المسلمین حسینعلی جباری ویراستار: محمد رضا مجیری مترجم: زینب فرجام فرد</p>
--	---



پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی
انتظار پویا



حوزه تخصصی مهدویت
مرکز تخصصی مهدویت

آدرس نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیه) کوی ۲۲ (آمار) بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴،
تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۴۱۰؛ دورنگار: ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰؛ صندوق پستی: ۳۷۱۳۵۱۱۹
پست الکترونیکی: nahdavi.nag@mail.com
وب سایت نشریه: www.nahdi.nag.ir
کانال مجازی: [@nahdavi at nag](https://t.me/nahdavi_at_nag)
شماره شاپا: ۶۱۰۸-۲۶۷۶
قیمت: ۷۵۰۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و نگارش مقالات

مقاله‌های دریافتی پس از گذراندن مراحل ارزیابی منتشر و در اختیار علاقمندان مباحث مهدویت و موعود گرایی قرار می‌گیرد.

الف) شرایط عمومی

۱. مقاله با مباحث مهدویت ارتباط مستقیم داشته باشد.
۲. حجم کل کلمات مقاله بین ۳۶۰۰ تا ۷۰۰۰ هزار هر صفحه ۳۰۰ کلمه باشد.
۳. فونت متن مقاله B Nazanin با شماره ۱۴ و پاورقی ۱۰ باشد.
۴. فونت آیات پررنگ باشد.
۵. ترجمه آیات و روایات ذکر شود.
۶. ترجمه کلمات عربی و انگلیسی و مفاهیم مهم در پاورقی ذکر شود.
۷. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام، نام خانوادگی، مرتبه و جایگاه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی و نیز پست الکترونیکی به همراه شماره تماس، همراه مقاله ارسال شود.

ب) نحوه تنظیم مقاله

نظم و ترتیب منطقی مباحث رعایت شود.

۱. **چکیده:** چکیده مقاله حداکثر ۱۵۰ کلمه که شامل مسئله مقاله و تبیین آن باشد
۲. **واژگان کلیدی:** شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی پر تکرار، مرتبط با محتوا، که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.

۳. **مقدمه:** مقدمه مقاله معمولاً به تعریف مسئله، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، جنبه نوآوری، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله می‌پردازد.

۴. **بدنه اصلی:** بدنه اصلی، محتوای تخصصی بوده و می‌بایست موارد ذیل مد نظر قرار گیرد:

۱-۴. تبیین مباحث پیرامون مهدویت؛

۲-۴. افزایش سطح دانش و آگاهی و گسترش مباحث مهدویت؛

۳-۴. نقد و نظر پیرامون مباحث مهدویت؛

۴-۴. آشنا سازی مخاطبان با مفاهیم حوزه مهدویت.

۵. جمع بندی یا نتیجه گیری:

- جمع بندی بیانگر کلیات مباحث مطرح شده در متن مقاله می‌باشد. به گونه‌ای که مسئله و ادله و جواب‌ها به

صورت کلی و خلاصه ذکر می‌شود.

- نتیجه مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است و به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌شود و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود، لذا می‌بایست از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.

۶. ارجاعات: ارجاع به صورت پاورقی و به صورت ذیل آورده شود.

۱-۶. کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد و شماره صفحه. به عنوان نمونه: صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲. ذکر شود.

۲-۶. مجله: نام خانوادگی نویسنده، عنوان مقاله، شماره صفحه.

۳-۶. صفحه اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، آدرس کامل صفحه.

۷. ارجاع پایانی (فهرست منابع): شناسنامه کامل منابع و مأخذ تحقیق در انتهای مقاله بر اساس شیوه‌های

ذیل آورده شود:

۱-۷. کتاب: نام خانوادگی، نام، عنوان کتاب (پر رنگ)، مترجم / محقق / مصحح، ناشر، تعداد جلد، نوبت چاپ، مکان چاپ، سال چاپ.

۲-۷. مجله: نام خانوادگی، نام، عنوان مقاله (پر رنگ)، نام نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر.

۳-۷. صفحه اینترنتی: نام خانوادگی و نام، عنوان مطلب، نام سایت، آدرس صفحه به صورت کامل.

۴-۷. نرم افزار: نام نرم افزار، شماره نسخه، مرکز تولید و پشتیبانی.

ج) تذکرات

۱. فصلنامه با تلخیص و تقطیع مطالب (با حفظ مفهوم) آزاد است.

۲. مقاله همزمان به جای دیگر ارسال نشده و به چاپ نرسیده باشد.

۳. نتیجه ارزیابی مقالات حداکثر تا ۳ ماه به نویسنده اعلام خواهد شد.

مطالب مندرج در فصلنامه صرفاً دیدگاه نویسنده بوده و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست.

د) شیوه‌های ارسال مقاله

۱. **حضور:** مراجعه به دفتر مجلات واقع در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

۲. **غیر حضوری** (ارسال لوح فشرده و فایل الکترونیکی)

۱-۲. از طریق صندوق پستی به شماره: ۳۷۱۳۵/۱۱۹

۲-۲. از طریق سایت به آدرس: www.mahdimag.ir

۳-۲. از طریق رایانامه به آدرس: mahdavimag@gmail.com

۴-۲. از طریق فضای مجازی به آدرس: @mahdaviatmag

فهرست مطالب

۶.....	مقالات
۷.....	روایت پژوهی حدیث أبان (الْبَطْشَةُ بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ) ناظر به حوادث دوران غیبت
	علی ربانی
۳۵.....	تبیین مفهوم تشکیلات جامعه زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
	نسترن هدایت نسب
۶۵.....	تکنیک شناسی رسانه‌ای سینمای هالیوود در راستای ایجاد حس نیاز و اضطرار به منجی
	مسعود زائری
۸۵.....	رابطه آینده پژوهی و مهدویت‌پژوهی و کاربرست روش پانل در مهدویت
	حسینعلی جباری
۹۷.....	پیوست ها
۹۸.....	معرفی موضوعات پژوهشی
۹۹.....	معرفی پایان نامه‌های مهدوی
۱۰۹.....	معرفی کتاب‌های مهدوی
۱۱۳.....	ترجمه انگلیسی

مقالات

روایت پژوهی حدیث أبان (البَطْشَةُ بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ) ناظر به حوادث دوران غیبت

علی ربانی^۱

چکیده

حدیث أبان بن تغلب، از آن دست روایاتی است که فهم آن دشوار است. عبارات دوپهلوی آن، محملی برای برداشت‌های متفاوت شده است. پنج حادثه وجود دارد که در زمان و مکان تحقق آن‌ها بین شارحان روایت اختلاف است. اگر زمان تحقق این حوادث، سال‌های آغازین غیبت کبرا باشد، حوادث به گونه‌ای معنا می‌شوند که با زمان تحقق حوادث در سال‌های منتهی به ظهور تفاوت دارد. در این نوشتار، تلاش شده است با بهره‌گیری از روایات مشابه، این حوادث بررسی گردند. با توجه به ترجیح متن کتاب کافی بر نقل نعمانی، برداشت دوم قوت می‌یابد و از مجموع قرائن استفاده می‌شود که زمان تحقق حوادث، نزدیک ظهور است. دو تحلیل از روایت به سبب پیش‌دآوری و تطبیق ناروای حوادث بر شرایط حاکم بر زمان حال کشور عربستان و عراق، مورد نقد قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: بین‌المسجدین، حادثه‌ای سخت، اختفای علم، اختلاف شیعیان.

^۱. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا Rabbanyali@chmail.ir

حدیث‌پژوهی به معنای تحلیل محتوا و صدور روایت مراحل‌ی دارد که انجام آنها محققان را به درک صحیحی از روایت می‌رساند. اولین مرحله مأخذشناسی است. از نشانه‌های اعتبار حدیث، وجود آن در منابع قدیمی است؛ از این رو یافتن حدیث در منابع پنج قرن اول جایگاه خاصی دارد. همان گونه که تکرار حدیث در این منابع نشان‌دهنده اصالت روایت است، در اعتبار آن نقش مهمی دارد.

مرحله دوم بررسی اختلافات متنی حدیث است. ابتدا اختلاف نسخ حدیث از کتاب اصلی بررسی و سپس به اختلاف نقل‌های حدیث در منابع پرداخته می‌شود. در صورتی که متن حدیث به جهاتی چون تصحیف، تحریف و نقل به معنا در مصادر و منابع متفاوت گزارش شده باشد، محقق بررسی‌های خود را برای یافتن متن اصلی ادامه می‌دهد و تلاش می‌کند متنی که با بررسی‌های او بر سایر متون ترجیح دارد را ارائه کند.

مرحله سوم اعتبار سنجی است. در این مرحله میزان اعتبار روایت از دیدگاه‌های مختلف و زوایای گوناگون بررسی می‌شود. بر اساس نظریه حجیت تعددی خبر واحد، به تحلیل سندی حدیث پرداخته شده، همه سلسله‌سند‌های روایت استخراج و تمام راویان واقع در هر سند بررسی رجالی می‌شود. مرحله پایانی بررسی محتوایی حدیث است. در این مرحله تلاش می‌شود با معناشناسی واژگان معنای ظاهری عبارات روشن شده و با تحلیل روایی و تطبیق فرازهای حدیث با روایات مشابه، مقصود جدی معصوم از روایت کشف شود. تمامی این مراحل روی روایت ابان انجام شده تا با فهم صحیح از آن، جلو برخی برداشت‌های ناصواب گرفته شود.

متن حدیث

ابان بن تغلب گوید که امام صادق علیه السلام فرمود:

كَيْفَ أَنْتَ إِذَا وَقَعَتِ الْبَطْشَةُ بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ فَيَأْرِزُ الْعِلْمُ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَةُ فِي جُحْرِهَا وَ اخْتَلَفَتِ الشَّيْعَةُ وَ سَمَّى بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَذَّابِينَ وَ ثَقَلَ بَعْضُهُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ؟ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا عِنْدَ ذَلِكَ مِنْ خَيْرٍ فَقَالَ لِي الْخَيْرُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ ثَلَاثًا؛^۱

«چگونه هستی زمانی که حمله سختی میان دو مسجد واقع شود، پس علم و دانش مانند ماری که به سوراخ خود می‌رود، برچیده شود و میان شیعیان اختلاف افتد و یکدیگر را دروغ‌گو خوانند و به صورت هم آب دهان اندازند؟» عرض کردم: «قربانت شوم، در چنان وضعی خیری نیست». حضرت سه بار به من فرمود: «تمام خیر در آن زمان است».

مأخذ شناسی

منابع متقدم و متأخر، این حدیث را نقل کرده‌اند. اولین منبع، کتاب کافی^۲ است و بعد از آن نعمانی رحمته الله در الغیبة این حدیث را به همراه دو روایت دیگر ذکر کرده است که شباهت زیادی به این حدیث دارند.^۳ از میان متأخران، علامه مجلسی رحمته الله در بحار الانوار حدیث را به نقل از الغیبة نعمانی رحمته الله یادآور شده است.^۴ این روایت در معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام مأخذشناسی شده است.^۵

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۷.

۲. همان.

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۱۵۹، ح ۷.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۴، ذیل ح ۳۸.

۵. موسسه معارف، معجم احادیث الامام المهدي، ج ۵، ص ۱۶۰، ح ۱۰۰۱.

نعمانی رحمته الله دو روایت دیگر از ابان بن تغلب نقل کرده که صدرشان شبیه حدیث مورد بحث بوده، اما ذیل آنان متفاوت است.^۱ شیخ صدوق رحمته الله در کمال الدین به ذکر یکی از این دو روایت اکتفا کرده است.^۲ راوی منتهی به امام معصوم در این روایات یکی است؛ اما تفاوت محتوایی باعث شده است این روایات را با حدیث مورد بحث یکی ندانیم.

بررسی اختلافات متنی

در نقل نعمانی رحمته الله از روایت، به جای واژه «البُطْشَةُ» واژه «السَّبْطَةُ» آمده است. نعمانی رحمته الله به این تفاوت نقل توجه داشته و تصریح می‌کند که نقل کلینی رحمته الله «البُطْشَةُ» است.^۳ تفاوت‌های دیگری در نسخه‌ها و نقل‌ها وجود دارد؛ اما چون تفاوت معنایی ایجاد نمی‌کند از بیان آن‌ها صرف نظر می‌کنیم. عبارت پایانی در نقل نعمانی رحمته الله اضافاتی دارد. به نظر می‌رسد جمله «يُرِيدُ قُرْبَ الْفَرَجِ» در نقل

۱. حدیث اول: مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي ابَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُصِيبُهُمْ فِيهَا سَبْطَةٌ يَأْرُرُ الْعُلَمَاءُ فِيهَا كَمَا تَأْرُرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا فَيَبِينَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ طَلَعَ عَلَيْهِمْ نَجْمٌ قُلْتُ فَمَا السَّبْطَةُ قَالَ الْفِتْرَةُ قُلْتُ فَكَيْفَ نَصْنَعُ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ فَقَالَ كُونُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يُطْلِعَ اللَّهُ لَكُمْ نَجْمَكُمْ (نعمانی، الغيبة، ص ۱۵۹، ح ۶).

حدیث دوم: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هُوْدَةَ الْبَاهِلِيُّ أَبُو سَلِيمَانَ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ التَّهَوَنْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَمَادٍ الْأَنْصَارِيُّ عَنْ أَبِي ابَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: يَا أَبَانَ يُصِيبُ الْعَالَمَ سَبْطَةٌ يَأْرُرُ الْعُلَمَاءُ بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ كَمَا تَأْرُرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا قُلْتُ فَمَا السَّبْطَةُ قَالَ دُونَ الْفِتْرَةِ فَيَبِينَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ طَلَعَ لَهُمْ نَجْمُهُمْ فَقُلْتُ جَعَلْتَ فِدَاكَ فَكَيْفَ نَصْنَعُ وَ كَيْفَ يَكُونُ مَا بَيْنَ ذَلِكَ فَقَالَ لِي مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَأْتِيَكُمْ اللَّهُ بِصَاحِبِهَا (همان، ص ۱۶۰، ح ۸).

۲. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرِ الْقَصْبَائِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِي الْكَلْبِيِّ عَنِ ابَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُصِيبُهُمْ فِيهِ سَبْطَةٌ يَأْرُرُ الْعُلَمَاءُ فِيهَا بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ كَمَا تَأْرُرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا يَعْنِي بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ فَيَبِينَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أُطْلِعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ نَجْمُهُمْ قَالَ قُلْتُ وَ مَا السَّبْطَةُ قَالَ الْفِتْرَةُ وَالْمُنِيَّةُ لِأَمَامِكُمْ قَالَ قُلْتُ فَكَيْفَ نَصْنَعُ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ فَقَالَ كُونُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يُطْلِعَ اللَّهُ لَكُمْ نَجْمَكُمْ (صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۴۱).

۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكُلَيْبِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ رِجَالِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ ابَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَيْفَ أَنْتَ إِذَا وَقَعَتِ الْبُطْشَةُ وَ ذَكَرَ مِنْهُ بِلَفْظِهِ (نعمانی، الغيبة، صص ۱۵۹-۱۶۰ ذیل حدیث ۷).

نعمانی که در نقل کلینی رحمته الله وجود ندارد، کلام راوی باشد که مقصود امام را توضیح می دهد. علامه مجلسی رحمته الله این جمله را «وَقَدَقَرَّبَ الْفَرْجَ» نقل کرده است. به دلیل اضبط بودن کلینی رحمته الله نقل وی را ترجیح می دهیم.

اعتبارسنجی

این حدیث با دو سند مختلف نقل شده است که آن دو را ارزیابی می کنیم:

الف. سند کلینی رحمته الله: «وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام»^۱.

نوع سندی که کلینی رحمته الله ارائه می کند «اشاره» است. عبارت «وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ» به جمله «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدٍ» در روایت قبلی اشاره دارد.^۲ منظور از «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» راویان مشخصی است که جملگی از «احمد بن محمد» روایت نقل می کنند. دو احتمال در مورد «أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ» است. اگر منظور، «احمد بن محمد بن عیسی» باشد، پنج راوی به صورت مشترک واسطه هستند^۳ و اگر «احمد بن محمد بن خالد البرقی» منظور باشد، چهار راوی به صورت مشترک واسطه اند.^۴

کلینی رحمته الله «أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ» در عبارت «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ» را گاهی به «ابن عیسی» و گاهی به «ابن خالد» مقید کرده است؛ اما در موارد زیادی به صورت مطلق می آورد. چون

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۷.

۲. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام (همان، ح ۱۶).

۳. عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن محمد بن عیسی فهم محمد بن یحیی و علی بن موسی الکمیدانی و داود بن کورة و أحمد بن إدريس و علی بن إبراهيم بن هاشم (نجاشی، الرجال، ص ۳۷۸).

۴. عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد البرقی فهم علی بن إبراهيم و علی بن محمد بن عبد الله بن أذينة و أحمد بن عبد الله بن أمية و علی بن الحسن (حلی، الخلاصة، ص ۲۷۱).

این دو راوی در یک طبقه هستند، در موارد اطلاق، تمیز آن دو از یکدیگر مشکل است؛ به ویژه در مواردی که راوی بعدی کسی است که هر دو بزرگوار از وی روایت نقل کرده‌اند. اگر راوی بعدی حماد بن عیسی یا علی بن حکم یا الحسن بن محبوب یا محمد بن سنان یا الحسن بن فضال یا الحسن بن علی الوشاء یا عثمان بن عیسی و علی بن یوسف باشند، تمیز امکان‌پذیر نیست.^۱ در این روایت، راوی بعدی «الحسن بن علی الوشاء» است که هر دو راوی از وی روایت نقل کرده‌اند؛ بنابراین ناگزیر هستیم بنا بر هر دو احتمال، روایت را بررسی کنیم.

اگر «احمد بن محمد بن عیسی» منظور باشد، در صدر عده‌ای که از وی روایت نقل می‌کنند، «محمد بن یحیی العطار» است که وثاقتش^۲ برای اتصال سند با یک راوی ثقة به راویان بعدی کافی است؛ همان طوری که خود «احمد بن محمد بن عیسی» فقیهی سرشناس و شیخ قمیین است که وثاقت و جلالتش بر کسی پوشیده نیست.^۳ اگر «احمد بن محمد بن خالد» منظور باشد، «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» در صدرش «علی بن ابراهیم» است که وثاقتش در میان این عده برای اتصال با یک راوی ثقة کفایت می‌کند.^۴ خود «ابن خالد» به سبب نقل از ضعفا مورد طعن واقع شده است؛ اما در وثاقتش اختلافی نیست.^۵

۱. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۷، ص ۲۹۳.

۲. شیخ أصحابنا فی زمانه، ثقة، عین، کثیر الحدیث (نجاشی، الرجال، ص ۳۵۳).

۳. شیخ قمیین، ووجههم، و فقیههم، غیر مدافع. و کان أيضا الرئيس الذي يلقي السلطان بها... (همان، صص ۸۲-۸۳)؛ ثقة له كتب (طوسی، الرجال، ص ۳۵۱).

۴. ثقة فی الحدیث، ثبت، معتمد، صحیح المذهب، (نجاشی، الرجال، ص ۲۶۰).

۵. کان ثقة فی نفسه، یروی عن الضعفاء و اعتمد المراسیل (همان، ص ۷۷)؛ کان ثقة فی نفسه غیر أنه أكثر الروایة عن الضعفاء، (طوسی، فهرست، ص ۵۱).

شکی در وثاقت «الحسن بن علی الوشاء» وجود ندارد؛^۱ همان طور که «أبان بن تغلب» جلیل القدر و ثقة است.^۲ تنها راوی که در سند مشکل ایجاد می کند «عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ» است که مهمل می باشد. علامه مجلسی رحمته الله قائل است که او «عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ الطاطري» است که ثقة بوده و از نظر ایشان سند کلینی رحمته الله صحیح است.^۳

ب. سند نعمانی رحمته الله: «وَبِهِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام»^۴

مرحوم نعمانی سند کلینی رحمته الله را ذیل این سند ارائه کرده است. منظور از ضمیر «به» در این سند «محمد بن همام» در عبارت «مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ بِإِسْنَادِهِ يُرْفَعُهُ إِلَى أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ» از سند روایت قبلی است.^۵ چون طریق «مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ» به «أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ» مشخص نیست و از نظر اتصال مرفوع است، این سند ضعیف ارزیابی می شود.

در مجموع با توجه به سند کلینی رحمته الله و کلام علامه مجلسی رحمته الله در ارزیابی این سند، به صدور روایت از امام صادق عليه السلام اطمینان حاصل می شود.

۱. من أصحاب الرضا عليه السلام و كان من وجوه هذه الطائفة (نجاشی، الرجال، ص ۳۹)؛ فلا ينبغي الريب في جلاله الرجل و وثاقته. (خوئی، معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۳۶).

۲. عظیم المنزلة في أصحابنا... و كانت له عندهم (امام سجاد و امام باقر و امام صادق عليهم السلام) منزلة... (نجاشی، الرجال، ص ۱۰-۱۳)؛ ثقة جلیل القدر عظیم المنزلة في أصحابنا (طوسی، فهرست، ص ۴۴-۴۵).

۳. الحديث السابع عشر: صحيح إذا لظاهر أن علي بن الحسن هو الطاطري، و في بعض النسخ علي بن الحسين فيكون مجهولا (مجلسی، مرآة العقول، ج ۴، ص ۵۱).

۴. نعمانی، الغيبة، ص ۱۵۹، ح ۷.

۵. همان، ح ۶.

بررسی دلالتی روایت

این روایت از جمله روایاتی است که فهم و تبیین حوادث مطرح در آن دقت زیادی لازم دارد. برای این منظور، ابتدا واژگان مشکل، معناشناسی می‌شود، سپس به تحلیل روایی حوادث می‌پردازیم.

۱. معناشناسی واژگان

معنای ریشه‌ای واژه «الْبَطْشَةُ»، گرفتن چیزی با قهر و غلبه و شدت است.^۱ معنای دیگر، چیزی را با حمله و به زور به دست آوردن است.^۲ گرفتن شدید در هر چیزی را «بطش» گویند.^۳ برخی قید «سرعت» را به معنای «گرفتن» اضافه کرده‌اند.^۴ برخی دیگر خود این واژه یعنی «الْبَطْشَةُ» را متذکر شده و آن را به «حمله شدید و گرفتن بدون رفق و مدارا» معنا کرده است.^۵ در این حدیث «الْبَطْشَةُ» به معنای ریشه‌ای خود نزدیک بوده، به حادثه‌ای سخت و شدید اشاره دارد که بین دو مسجد اتفاق می‌افتد.

«السَّبْطَةُ» از ریشه «سبط» است که از نظر معنا با ریشه «بسط» نزدیک بوده به معنای «امتداد شیء» است.^۶ در روایات این واژه به «الْفَتْرَةُ» تفسیر شده^۷ که به معنای «فاصله زمانی بین دو پیامبر»^۸

۱. الباء و الطاء و الشین أصل واحد، و هو أخذ الشيء بَقَهْرٍ و غَلْبَةٍ و قُوَّةٍ. قال الله تعالى: إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ. و يَدٌ باطشة (ابن فارس، معجم المقاييس اللغة، ج ۱، ص ۲۶۲)؛ و البَطْشُ: الأخذ القويّ الشديد (ابن اثير، النهاية في غريب الحديث و الأثر، ج ۱، ص ۱۳۵).

۲. البَطْشُ: تناول الشيء بصولة (راغب، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۱۲۹).

۳. البَطْشُ: تناول بشدة عند الصّولة و الأخذ الشديد في كل شيء بطش (ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۲۶۷).

۴. البَطْشُ: الأخذ بسرعة و الأخذ بعنف و سطوة (طريحي، مجمع البحرين، ج ۴، ص ۱۳۰).

۵. البَطْشَةُ: السَّطْوَةُ و الأخذ بالعُنف (ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۲۶۷).

۶. السین و الباء و الطاء أصل يدلّ على امتداد شيء، و كأنه مقاربٌ لباب الباء و السین و الطاء (ابن فارس، معجم مقاييس اللغة، ج ۳، ص ۱۲۸).

۷. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ زَمَانٌ يُصِيبُهُمْ فِيهَا سَبْطَةٌ... قُلْتُ فَمَا السَّبْطَةُ قَالَ الْفَتْرَةُ (نعماني، الغيبة، ص ۱۵۹ ح ۶) يَا أَبَانَ يُصِيبُ الْعَالَمَ سَبْطَةٌ... قُلْتُ فَمَا السَّبْطَةُ قَالَ دُونَ الْفَتْرَةِ (همان، ح ۸).

۸. الْفَتْرَةُ: ما بين كل رسول إلى رسول (فراهیدی، العين، ج ۸، ص ۱۱۵).

است. در نقل شیخ صدوق رحمته الله، «الْفِتْرَةُ» به غیبت امام مهدی رحمته الله تفسیر شده است.^۱ بنابراین «السَّبْطَةُ» به رخداد غیبت امام عصر رحمته الله اشاره دارد.

«يَأْرِزُ» معنای مصدری آن تجمع و انباشته شدن است^۲ که به تناسب مورد، معنایش تغییر می‌کند. اگر فاعل این فعل «الْحَيَّة» باشد به این معنا است که مار [به هنگام خطر] خودش را جمع می‌کند.^۳ خزیدن در سوراخ و پناه بردن به لانه‌اش معنای دیگری است که از قرار گرفتن در کنار عبارت «فِي جُحْرِهَا» برداشت می‌شود؛ چون «الْمَأْرُزُ» به معنای ملجأ و پناهگاه آمده است.^۴ اگر این فعل به فردی نسبت داده شود، به این معنا است که او بخیل است و در اثر بخل، خود را گرفته است^۵ و اگر به «علم» نسبت داده شود، به معنای برچیده شدن و جمع شدن بساط علم است.^۶ توضیح بیشتر در مورد آن در شناخت ترکیبات خواهد آمد. به مکانی که حیوانات در زمین حفر می‌کنند^۷ و در هنگام خطر به آن پناه می‌برند و لانه آن‌ها است، «جُحْر» گفته می‌شود.^۸

۲. تحلیل روایی حوادث مطرح در روایت

حادثه اول: زمانی که حمله سختی میان دو مسجد واقع شود «إِذَا وَقَعَتِ الْبُطْشَةُ بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ»

۱. قَالَ قُلْتُ وَمَا السَّبْطَةُ قَالَ الْفِتْرَةُ وَالْعَيْبَةُ لِأَمَامِكُمْ (صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۴۱).
۲. الهمزة والراء أصل واحد لا يُخلف قياسه بته، وهو التجمُّع والتضام (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۷۸).
۳. الْحَيَّةُ تَأْرِزُ: أَي تَقْبِضُ (صاحب بن عباد، المحيط في اللغة، ج ۹، ص ۸۶).
۴. الْمَأْرُزُ: الْمَلْجَأُ (طريحي، مجمع البحرين، ج ۴، ص ۵)؛ أَرَزَتِ الْحَيَّةُ تَأْرِزُ أَرْزًا لِأَذَتْ بِجُحْرِهَا وَرَجَعَتْ إِلَيْهِ (زبيدي، تاج العروس، ج ۸، ص ۴).
۵. أَرَزَ فُلَانٌ يَأْرِزُ أَرْزًا وَأَرْوًا إِذَا تَضَامَ وَتَقَبَّضَ مِنْ بَخْلِهِ، فَهُوَ أَرْوٌّ. وَسئل حَاجَةٌ فَأَرَزَ أَي تَقَبَّضَ وَاجْتَمَعَ... وَيُقَالُ لِلْبَخِيلِ: أَرْوٌّ وَرَجُلٌ أَرْوٌّ الْبَخْلُ أَي شَدِيدُ الْبَخْلِ (ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۳۰۵).
۶. فِي الْحَدِيثِ " الْعِلْمُ يَأْرِزُ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا" أَي يَنْضَمُ وَيَجْتَمِعُ بَعْضُهُ إِلَى بَعْضٍ (طريحي، مجمع البحرين، ج ۴، ص ۵).
۷. الْجُحْرُ: كُلُّ شَيْءٍ تَحْفَرُهُ الْهُوَامُ وَالسَّبَاعُ (أزدي، كتاب الماء، ج ۱، ص ۲۳۶).
۸. الْجِيمُ وَالْحَاءُ وَالرَّاءُ أَصْلٌ يَدُلُّ عَلَى ضَيْقِ الشَّيْءِ وَالشَّدَّةِ. فَالْجِحْرَةُ جَمْعُ جُحْرٍ. [وَأَجْحَرَ] فَلَانًا الْفَرَعُ وَالْخَوْفُ، إِذَا الْجَاهُ (ابن فارس، معجم المقاییس اللغة، ج ۱، ص ۴۲۶).

دو احتمال در مورد «المسجدین» مطرح شده است. احتمال اول اینکه مسجد مکه و مدینه یعنی مسجدالحرام و مسجد النبی منظور است. احتمال دوم مسجد کوفه و مسجد سهله در کشور عراق است. علامه مجلسی رحمته الله این دو احتمال را مطرح و مورد اول یعنی مکه و مدینه را ترجیح داده است.^۱ از ظاهر کلام مرحوم استرآبادی استفاده می‌شود که المسجدین در کشور عراق را ترجیح داده است، آنجا که می‌گوید: «گویا اشاره به حادثه لشکر سفیانی میان دو مسجد است و اشاره به فتنه‌ای است که از لشکر سفیانی در عراق عرب ظاهر می‌شود و مردی نقاب‌زده از شیعه در عراق، لشکر سفیانی را برای تسلط بر شیعه راهنمایی می‌کند».^۲ مولی صالح مازندرانی رحمته الله به ضرس قاطع حادثه را مربوط به مکه و مدینه می‌داند.^۳

در برخی روایات از تعبیر «بین الحرمین» استفاده شده که احتمال مسجدالحرام و مسجد النبی را تقویت می‌کند. بزنی از امام رضا علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

إِنَّ مِنْ عَلَامَاتِ الْفَرَجِ حَدَثًا يَكُونُ بَيْنَ الْحَرَمَيْنِ. قُلْتُ: وَآيَ شَيْءٍ الْحَدِيثُ؟ فَقَالَ: عَصَبِيَّةٌ تَكُونُ بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ وَيَقْتُلُ فُلَانٌ مِنْ وُلْدِ فُلَانٍ خَمْسَةَ عَشَرَ كَبْشًا مِنَ الْعَرَبِ؛^۴

«یکی از نشانه‌های فرج و ظهور، حادثه‌ای است که در بین حرمین روی می‌دهد». عرض کردم: «آن حادثه چیست؟» فرمود: «تعصّبی در بین مسجدالحرام و مسجد النبی به وقوع می‌پیوندد و فلانی از اولاد فلان، پانزده نفر از بزرگان عرب را می‌کشد».

۱. المسجدان مسجد مكة و مسجد المدينة، أو مسجد الكوفة و مسجد السهلة، و الأول أظهر (مجلسی، مرآة العقول، ج ۴، ص ۵۱).
 ۲. استرآبادی، الحاشیه علی اصول الكافی، ص ۱۶۱.
 ۳. مازندرانی، شرح الكافی، ج ۶، ص ۲۴۴.
 ۴. راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۹-۱۱۷۰؛ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۷۶. در نقل مفید، تعبیر «بین المسجدين» آمده است.

در روایات فقهی با توجه به احکام خاص و فروع فقهی مسجد الحرام و مسجد النبی، الف و لام در «السمجدین» عهد بوده و منظور مسجد الاحرام و مسجد النبی است؛ اما در این گونه روایات چنین عهدی وجود ندارد. برای رسیدن به جمع بندی نیاز است زمان وقوع حادثه بررسی شود.

برخی شارحان، زمان وقوع «البطشه» را نزدیک به زمان ظهور می دانند. علامه مجلسی رحمته الله علیه در باره زمان وقوع حادثه می نویسد: «اشاره به حادثه ای بزرگ است که نزدیک ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه اتفاق می افتد و منظور جنگ یا فرورفتن در زمین و یا بلا است»^۱.

فیض کاشانی رحمته الله علیه احتمال تحقق حادثه قبل از ظهور را نفی نکرده؛ اما احتمال دیگری را مطرح نموده است و آن اینکه این حادثه مربوط به پیش از غیبت کبرا بوده و قبلا اتفاق افتاده است.^۲ علامه مجلسی رحمته الله علیه نیز این احتمال را به عنوان قول ضعیفی مطرح کرده، می گوید: «گفته شده منظور، حادثه ای است که در زمان خلافت متوکل در سویقه اتفاق افتاده و سویقه، روستایی از توابع مدینه بوده که کنار رוחاء قرار داشته است».^۳ وی پس از آنکه بر اساس کلام صاحب قاموس، این منطقه را شیعه نشین معرفی می کند، در مورد حادثه ای که در سویقه اتفاق افتاده، بنا بر قول سمهودی می گوید: سویقه نام چشمه ای گوارا و پرآب بود که آل علی مالک آن بودند. وقتی محمد بن صالح بر متوکل خروج کرد، متوکل لشکری خشن به سوی او گسیل کرد که بر او و جماعتی از اهل او پیروز شدند. لشکریان برخی از آنان را کشتند و سویقه را خراب کردند و نخل های زیادی را سربریدند و بعد از آن دیگر سویقه آباد نشد. کل سویقه از صدقات حضرت علی عجل الله تعالی فرجه بود که مالک آن آل علی و شیعیان بودند.^۴

۱. مجلسی، مرآة العقول، ج ۴، ص ۵۱.

۲. فیض کاشانی، الوافی، ج ۲، ص ۴۱۶.

۳. مجلسی، مرآة العقول، ج ۴، ص ۵۱.

۴. همان.

علامه رحمته الله پس از آن می‌گوید: «این حادثه منجر به غیبت امام مهدی علیه السلام شد... مشهور بین شیعیان در مورد این اماکن، این است که سویقه، منزل امام عصر علیه السلام است»^۱.

از فحوای کلام نعمانی رحمته الله نیز استفاده می‌شود که این روایت و دیگر روایات هم مضمون با آن، مربوط به آغاز غیبت کبرا هستند. وی ادعای تواتر معنوی این روایات را دارد و می‌فرماید: «این روایات که به طور متواتر رسیده است گواهند بر درستی غیبت و پنهان شدن دانش، و مراد از دانش همان حجت عالم است و این روایات مشتمل است بر بیان وظیفه شیعه درباره امامان که باید بر همان عقیده‌ای که بوده‌اند، باشند و متزلزل نشوند و جابه‌جا نگردند؛ بلکه پابرجا باشند و حالشان دگرگون نشود و چشم انتظار باشند تا آنچه بر آنان وعده داده شده برسد. آنان در اینکه حجتشان و امام زمانشان را در دوران غیبت نمی‌بینند، معذورند»^۲.

در مورد حقیقت این رخداد اتفاق نظر وجود ندارد. آنان که روایت را ناظر به حوادث قبل از ظهور می‌دانند، «البطشه» را جنگ یا خسف بیداء و یا بلایی دیگر دانسته که در زمان خروج سفیانی، یمانی و حسنی واقع خواهد شد و آنان که روایت را ناظر به غیبت امام می‌دانند، در مورد شرح حادثه یا سکوت کرده و یا آن را بر حادثه «سویقه» در زمان متوکل تطبیق داده‌اند. برای هر دو دیدگاه مؤیدی وجود دارد. روایاتی که کشتارهای بین الحرمین را از علامات فرج معرفی می‌کنند، با دیدگاه اول مناسبت دارند و روایاتی که از حادثه به «السبطه» تعبیر کرده و آن را به «الفترة» و غیبت امام تفسیر می‌کند، با دیدگاه دوم همراه هستند. «البطشه» بر اساس استعمالات قرآنی به معنای انتقام سخت، با حادثه «خسف بیداء» یعنی فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین، مناسبت بیشتری دارد.

حادثه دوم: علم و دانش، مانند ماری که به سوراخ خود می‌رود، برچیده شود «فَيَأْرِزُ الْعِلْمُ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا».

۵. همان، ص ۵۲.

۲. هذه الروايات التي قد جاءت متواترة تشهد بصحة الغيبة و باختفاء العلم و المراد بالعلم الحجة للعالم و هي مشتملة على أمر الأئمة عليهم السلام للشيعة بأن يكونوا فيها على ما كانوا عليه لا يزولون و لا ينتقلون بل يشتون و لا يتحولون و يكونون متوقعين لما وعدوا به و هم معذورون في أن لا يروا حجتهم و إمام زمانهم في أيام الغيبة و... (نعمانی، الغيبة، ص ۱۶۰).

در توضیح این عبارت ابتدا باید منظور از واژه «العلم» مشخص شود. برخی از شارحان این واژه را به فتح «لام» قرائت کرده اند که به معنای عِلْم و پرچم است.^۱ عبارت نعمانی رحمته الله در شرح حدیث دو پهلو بوده و از کلمات ایشان هر دو تعبیر «عِلْم» و «عَلَم» قابل برداشت است.^۲ کلینی رحمته الله روایت دیگری را نقل کرده است که عبارت «يَأْرِزُ الْعِلْمُ» در آن استعمال شده و قطعاً مراد از آن عِلْم و دانش است، نه عَلَم؛ چون به شنیدن عِلْم از علما و تصدیق آن تصریح شده است:

وَلِهَذَا يَأْرِزُ الْعِلْمُ إِذَا لَمْ يَوْجَدْ لَهُ حَمَلَةٌ يَحْفَظُونَهُ وَيُرْوُونَهُ كَمَا سَمِعُوهُ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَيَصْدُقُونَ عَلَيْهِمْ فِيهِ اللَّهُمَّ فَإِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لَا يَأْرِزُ كُلَّهُ وَلَا يَنْقَطِعُ مَوَادُّهُ؛^۳

و به این دلیل است که بساط علم برچیده شود، زمانی که دانشمندی که دانش را نگهداری می‌کنند و آن را چنان که از علما شنیده، روایت می‌نمایند و ایشان را در آن باره تصدیق می‌کنند، یافت نشوند. بار خدایا، من می‌دانم که بساط علم به کلی برچیده نمی‌شود و مایه‌هایش از میان نمی‌رود.

این عبارات خطبه امیرالمؤمنین عليه السلام در مسجد کوفه است؛ اما چون موضوع هر دو روایت یکی بوده و در مورد امام عصر عليه السلام است، می‌توان استفاده کرد تعبیر مشترکی به کار برده شده و فاعل فعل «يَأْرِزُ» یک چیز بوده و مقصود از آن «عِلْم» است.

در روایت «يَأْرِزُ الْعِلْمُ» به «تَأْرِزُ الْحَيَّةُ» تشبیه شده است. با توجه به معانی لغوی بیان شده باید دید وجه شبه چیست؟ نظیر این تشبیه در روایتی نبوی صلى الله عليه وآله صورت گرفته که اهل لغت به آن توجه کرده، این چنین آورده‌اند: «إِنَّ الْإِسْلَامَ لِيَأْرِزُ إِلَى الْمَدِينَةِ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ إِلَى جُحْرهَا».^۴ علامه مجلسی رحمته الله با تکیه بر کلام اهل لغت در توضیحش می‌گوید: «یعنی اسلام به مدینه می‌پیوندد و بعض

۱. و العلم بالتحريك الراية (مازندرانی، شرح الکافی، ج ۶، ص ۲۴۴).

۲. هذه الروايات التي قد جاءت متواترة تشهد بصحة الغيبة و باختفاء العلم و المراد بالعلم الحجة للعالم (نعمانی، الغيبة، ص ۱۶۰).

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۹، ح ۱۳.

۴. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۷۸؛ زمخشری، الفایق فی غریب الحدیث، ج ۱، ص ۲۹؛ طریحی، مجمع

البحرین، ج ۴، ص ۵؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۸، ص ۴-۵.

اسلام با بعض دیگرش در مدینه اجتماع می‌کند.^۱ وی با توجه به همین تشبیه، «یَأْرِزُ الْعِلْمُ» را در روایت دیگری معنا کرده و می‌گوید: «معنای روایت این است که علم، به سبب غایب شدن حمل کننده آن، از بین مردم گرفته شده و جمع شده و خارج شده است.»^۲ علامه رحمته الله با توجه به استعمال این تعبیر در روایت اصلی آن را به مخفی شدن علم معنا کرده است؛^۳ همان طور که در جای دیگر «لا یأرز» را با استناد به روایت نبوی به «مخفی نشدن» و «خارج نشدن از بین مردم» ترجمه کرده است.^۴

بنابراین مخفی شدن و در دسترس نبودن، وجه شبهه است؛ یعنی همان طوری که مار با خزیدن در لانه مخفی می‌شود و دیگر در دسترس نیست، علم نیز از دسترس مردم خارج شده و مخفی می‌شود؛ ولی به این معنا نیست که بساط علم به کلی برچیده می‌شود. قدر متیقن از علم، علوم اهل بیت علیهم السلام و آن علمی است که با هدایت انسان به سعادت ارتباط مستقیم دارند؛ اما در مورد سایر علوم، روایت در مقام بیان آن‌ها نیست، تا اشکال شود که پیشرفت فناوری چگونه با روایت سازگار است؟ علاوه بر اینکه اگر هم مطلق علم و دانش منظور باشد، روایت ناظر به برهه‌ای از زمان است و درصدد بیان انسداد باب علوم نیست.

حادثه سوم: میان شیعیان اختلاف افتد «وَ اِخْتَلَفَتِ الشَّيْعَةُ».

اتفاق سومی که در روایت به آن اشاره شده، بروز اختلاف میان شیعیان است. برای روشن شدن نوع اختلاف و عاملی که باعث بروز آن گردیده و کسانی که گرفتار اختلاف می‌شوند، نیازمند توضیحات سایر روایات هستیم. برخی روایات از اصل اختلاف خبر داده‌اند. امیرالمؤمنین علیه السلام این

۱. و قال الجوهري: في الحديث: انّ الإسلام ليأرز إلى المدينة كما تأرز الحية إلى حجرها، اي ينضم إليها و يجتمع بعضه إلى بعض فيها (مجلسی، مرآة العقول، ج ۱، ص ۱۶)؛ و قال الجزري فيه إن الإسلام ليأرز إلى المدينة كما تأرز الحية إلى حجرها أي ينضم إليه و يجتمع بعضه إلى بعض فيها (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۴-۱۳۵).

۲. همان، ج ۲۳، ص ۵۵.

۳. لعل المعنى يأرز العلم بسبب ما يحدث بين المسجدين أو يكون خفاء العلم في هذا الموضع أكثر بسبب استيلاء أهل الجور فيه (همان، ج ۵۲، ص ۱۳۴-۱۳۵).

۴. لا یأرز أي لا يخفی و لا يخرج من بین الناس، قال في النهاية: فيه أن الإسلام ليأرز إلى المدينة كما تأرز الحية إلى حجرها أي ينضم إليها، و يجتمع بعضه إلى بعض فيها (مجلسی، مرآة العقول، ج ۴، ص ۲۵).

اختلاف را با زبان بدن بیان کرده، خطاب به مَالِكِ بْنِ صَمْرَةَ می‌فرماید: «يا مَالِكُ بَنَ صَمْرَةَ كَيْفَ أَنْتَ إِذَا اخْتَلَفْتَ الشَّيْعَةَ هَكَذَا وَشَبَّكَ أَصَابِعَهُ وَادْخَلَ بَعْضَهَا فِي بَعْضٍ؛ ای مالک بن صمره، چگونه خواهی بود هنگامی که شیعه، این چنین با هم اختلاف کنند؟ و انگشت‌هایشان را در میان یکدیگر کردند». وقتی مالک از نبودن خیر در آن زمان می‌پرسد، حضرت همان جوابی را مطرح می‌کنند که امام صادق علیه السلام در زمان‌های بعدی به ابان فرمودند. امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ فرمودند: «الْخَيْرُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ يَا مَالِكُ عِنْدَ ذَلِكَ يَقُومُ قَائِمًا؛ ای مالک، همه خیر در آن هنگام است؛ زیرا قائم ما قیام می‌کند».^۱

برخی دیگر از روایات به موضوع اختلاف اشاره کرده‌اند. در نزد امام صادق علیه السلام از قائم علیه السلام صحبت شد، حضرت فرمودند: «أَنْتَى يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَمْ يَسْتَدِرِ الْفُلُكُ حَتَّى يَقَالَ مَاتَ أَوْ هَلَكَ فِي أَيِّ وَاذٍ سَلَكَ؛ چگونه چنین چیزی ممکن است؛ در حالی که زمانه هنوز چندان گردش نکرده است که گفته شود: او مرده یا هلاک شده است، در کدام وادی راه می‌پیماید؟» راوی از حضرت سؤال می‌کند: مقصود از «اسْتِدَارَةُ الْفُلُكِ» چیست؟ حضرت می‌فرماید: «اِخْتِلَافُ الشَّيْعَةِ بَيْنَهُمْ؛ اختلاف میان شیعیان».^۲ از این روایت و نقل نعمانی رحمته الله از روایت اصلی که کلمه «بَيْنَهُمْ» در آن وجود دارد، برداشت می‌شود این اختلافات، داخلی و اعتقادی است.

اظهار نظرها درباره زنده بودن و کشته شدن حضرت مهدی علیه السلام، منشأ اختلاف بوده و موضوع اختلاف، حیات و طول عمر امام عصر علیه السلام است. البته موضوعات دیگری می‌تواند منشأ اختلاف باشد. نعمانی رحمته الله معتقد است افرادی که به این اختلافات دامن می‌زنند افراد منتسب به گروه‌های شیعه هستند که در اثر سستی ایمان، گرفتار تزلزل اعتقادی شده‌اند.^۳ فحوای کلام وی این است که اختلاف میان شیعیان در همان سال‌های آغازین غیبت کبرا اتفاق افتاده است.

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۶، ح ۱۱.

۲. همان، ص ۱۵۷، ح ۲۰.

۳. و هذه الأحاديث دالة على ما قد آلت إليه أحوال الطوائف المنتسبة إلى التشيع ممن خالف الشريعة المستقيمة على إمامة الخلف بن الحسن بن علي علیه السلام لأن الجمهور منهم من يقول في الخلف أين هو و أنى يكون هذا و إلى متى يغيب و كم يعيش

بر خلاف نظر نعمانی رحمته الله تحلیل مرحوم مولی صالح مازندرانی از حوادث بیان شده در روایت اصلی این است که این اختلافات مربوط به زمان خروج یمانی، خراسانی و سفیانی است. وی معتقد است فردی شقی از شیعه که نقاب زده است، لشکر سفیانی را برای تسلط بر شیعیان و منازل آنان راهنمایی می‌کند. در این زمان است که شیعیان برای در امان ماندن از صدمات لشکر سفیانی به قله‌های کوه و غارها پناه می‌برند و در چنین شرایطی است که قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه را بعید شمرده، می‌گویند حضرت وفات کرده، هلاک شده و در کدام پرتگاه افتاده است. وقتی فتنه به این حد از سختی و شدت می‌رسد، خداوند متعال حضرت را در بین رکن و مقام ظاهر می‌کند، پس حضرت نابودشان می‌کند.^۱

حادثه چهارم و پنجم: یکدیگر را دروغ‌گو خوانند و به صورت هم آب دهان اندازند «سَمَّی بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَذَّابِينَ وَ تَقَلَ بَعْضُهُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ».

معنای «تَقَلَ» آب دهان انداختن است^۲ که نشان‌دهنده پستی چیزی و کراهت داشتن از چیزی است.^۳ این فراز، نشان‌دهنده آن است که دامنه این اختلافات به قدری بالا می‌رود که افراد منتسب به گروه‌های شیعه یکدیگر را دروغ‌گو خوانده و کار به جایی می‌رسد که به صورت یکدیگر آب دهان می‌اندازند. مقصود از این عبارت، بیان شدت اختلاف میان شیعیان است. نیازی نیست پرتاب کردن آب دهان به صورت یکدیگر، در عالم خارج محقق شود و فرد یا گروهی این عمل را انجام دهند، تا امام از آن خبر داده باشند؛ بلکه این یک تعبیر کنایی است که نشان‌دهنده شدت اختلاف است. همراه

هذا و له الآن نيف و ثمانون سنة فمنهم من يذهب إلى أنه ميت و منهم من ينكر ولادته و يجحد وجوده بواحدة و يستهزئ بالمصدق به و منهم من يستبعد المدة و يستطيل الأمد... (نعمانی، الغيبة، ص ۱۵۷).

۱. و لعل هذا إشارة إلى وقعة الحسنی و الیمانی و السفیانی بین المسجدين... و من الشيعة ابن بغی صاحب برقع و دلالة السفیانی و عساكره الملعونة علی الشيعة و منازلهم حتی يهربون من صدمتهم إلى قلال الجبال و المغارات و عند ذلك يقولون استبطاء لخروج المهدي عجل الله فرجه و استبعادا له مات هلك أي واد سلك فاذا بلغت الفتنة إلى هذه المراتب و عمت البلية و النوائب أظهره الله تعالى بین الركن و المقام فيقمع (مازندرانی، شرح الکافی، ج ۶، ص ۲۴۴).

۲. التَّقَلُ: رمیک بالبزاق، و التَّقَلُ: البزاق نفسه (فراهیدی، العين، ج ۸، ص ۱۲۳).

۳. التاء و الفاء و اللام أصل واحد، و هو خُبْتُ الشئ و كراهته... و من هذا الباب تَقَلْتُ بالشئ، إذا رميت به من فمك متكرهاً له (ابن فارس، معجم المقاييس اللغة، ج ۱، ص ۳۴۹).

این عمل در روایات موارد دیگری مثل تکذیب و تکفیر یکدیگر بیان شده است که همگی در صدد بیان یک مطلب هستند.

ابعاد بیشتری از این اختلاف در سایر روایات تبیین شده است. از امام حسین علیه السلام نقل شده که حضرت می فرماید:

لَا يَكُونُ الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَهُ حَتَّى يَبْرَأَ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ وَيَثْقُلَ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَيَشْهَدَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ بِالْكَفْرِ وَيَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا. فَقُلْتُ: لَهُ مَا فِي ذَلِكَ الزَّمانِ مِنْ خَيْرٍ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ علیه السلام: الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ذَلِكَ الزَّمانِ يَقُومُ قَائِمًا وَيُدْفَعُ ذَلِكَ كُلُّهُ؛^۱

«چیزی که در انتظارش هستید، نخواهد شد تا آنکه شما از یکدیگر بیزاری جوید و یکی به صورت دیگری آب دهن بیندازد و بعضی گواهی بر کفر دیگری دهند و یکی آن دیگر را لعن کند». عرض کردم: «در چنین دوران خیری وجود ندارد؟» حضرت فرمود: «همه خیر در آن روزگار است که قائم ما قیام می کند و همه این ها را از میان برمی دارد».

برخی دیگر از روایات به فلسفه این اختلافات اشاره می کنند. امتحان، غربالگری، خالص سازی و جدا شدن شیعیان واقعی از مدعیان آن چیزی است که امام صادق علیه السلام به آن اشاره کرده، فرموده اند: كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا بَقِيتُمْ بِإِمامِ هُدًى وَ لَا عَلمِ يَتَبَرَّأُ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَعِنْدَ ذَلِكَ تُمَيِّزُونَ وَ تَمَحَّصُونَ وَ تُعْرَبُلُونَ وَ عِنْدَ ذَلِكَ اخْتِلافُ السِّيفِينَ وَ إِمارةٌ مِنْ أَوَّلِ النَّهارِ وَ قَتْلٌ وَ خَلْعٌ مِنْ آخِرِ النَّهارِ؛^۲ چگونه خواهید بود آنگاه که بی امام و رهبر و وسیله دانش بمانید و از یکدیگر بیزاری جوید، آنگاه باشد که آزمایش شوید، ممتاز گردید و غربال شوید. آنگاه باشد که شمشیرهای مخالف در میان آید و اول روز، امارتی برپا شود و آخر روز، کشتار و خلع در کار آید.

کم بودن افرادی که از این امتحانات سر بلند بیرون می آیند در کلام امیر المؤمنین علیه السلام در این زمینه مشهود است. حضرت از قالب مثال برای بیان این حقیقت استفاده کرده، می فرماید: فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا تَرَوْنَ مَا تُحِبُّونَ حَتَّى يَثْقُلَ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَ حَتَّى يَسْمَى بَعْضُكُمْ بَعْضًا كَذَّابِينَ وَ حَتَّى

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۵-۲۰۶، ح ۹.

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۷، ح ۳۶ ش.

لَا يَبْقَى مِنْكُمْ أَوْ قَالَ مِنْ شِيعَتِي إِلَّا كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ وَ الْمِلْحِ فِي الطَّعَامِ؛^۱ قسم به آنکه جان من به دست اوست، آنچه را دوست می‌دارید نخواهید دید، تا اینکه پاره‌ای از شما در روی دیگری آب دهان اندازد و تا جایی که بعضی از شما عده دیگر را دروغ‌گویان بنامند و تا آنجا که از شما - یا شاید فرموده باشد از شیعه من - باقی نماند، مگر [عده‌ای اندک] به مقدار سرمه در چشم و نمک در غذا.

از آنجا که افرادی که گرفتار اختلاف شده و به یکدیگر جسارت می‌کنند، اکثریت را تشکیل می‌دهند، در روایت اصلی این اختلاف به کل شیعه نسبت داده شده است.

تحلیل عبارت پایانی: تمام خیر در آن زمان است «الْخَيْرُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ».

ظرف زمانی که تمام خیر در آن واقع می‌شود نزدیک ظهور و هنگام قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است. عبارت «يُرِيدُ قَرَبَ الْفَرَجِ» که در نقل نعمانی رحمته الله از روایت وجود دارد، در دیگر روایات تایید شده است. در کلام امیرالمؤمنین عليه السلام خطاب به مالک بن ضمره این مفهوم تایید می‌شود که حضرت فرمودند: «الْخَيْرُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ يَا مَالِكُ عِنْدَ ذَلِكَ يَقُومُ قَائِمُنَا؛ تمام خیر در آن زمان است. ای مالک و در آن زمان قائم ما قیام می‌کند».^۲ از این فراز استفاده می‌شود که همه ناملايمات و اختلافاتی که در روایت بیان شد، ختم به خیر می‌گردد. با قیام حضرت، ریشه اختلافات خشکانده و همه آنها برطرف می‌شود. این معنا از روایت سیدالشهداء عليه السلام که بیان گردید فهمیده می‌شود. امام حسین عليه السلام فرمودند: «الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَقُومُ قَائِمُنَا وَ يَدْفَعُ ذَلِكَ كُلَّهُ؛^۳ تمام خیر در آن زمان است که قائم ما قیام می‌کند و همه این اختلافات را از میان برمی‌دارد».

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۹-۲۱۰، ح ۱۷.

۲. نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۶، ح ۱۱.

۳. همان، ص ۲۰۵-۲۰۶، ح ۹.

برخی شارحان مقصود از «خیر» را ظهور حضرت و عبارت «الْخَيْرُ كُلُّهُ» را واقع شدن آن دانسته‌اند.^۱ علامه مجلسی رحمته الله علاوه بر این معنی دو احتمال دیگر را مطرح می‌کند: «خیر، ظهور حضرت یا نزدیک بودن به وجود حضرت و یا نزدیک بودن به غیبت کبرای ایشان است»^۲ چه بسا منظور وی از احتمال سوم، زندگی کردن و درک دوران غیبت در زمان منتهی به زمان ظهور است.

معنای دیگر این فراز این است که چون ارزش دین‌داری در زمان غیبت، زیاد است، تمام خیر در آن زمان به دست می‌آید. در شرایطی که برخی شیعیان یکدیگر را تکفیر و نفرین می‌کنند، شدت ابتلائات و سختی دین‌داری باعث شده، پایداری در دین ارزش دوچندان داشته باشد. علامه مجلسی رحمته الله به این معنا اذعان کرده، می‌گوید: «خیر به سبب زیادی پاداش و استحکام ایمان است».^۳ فیض کاشانی رحمته الله نیز به دوچندان شدن پاداش کارهای نیک در زمان غیبت امام اشاره کرده، معنای «الْخَيْرُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ» را «تضاعف حسنات» می‌داند.^۴

به نظر می‌رسد مبنای این برداشت روایاتی است که به اجر پایداری بر ایمان در زمان غیبت اشاره دارند. از امام سجاد علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

مَنْ ثَبَّتَ عَلَى مَوْلَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأُحُدٍ؛^۵

کسی که در غیبت قائم ما بر موالات ما پایدار باشد، خداوند تعالی اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد به وی عطا فرماید.

۱. والمراد من الخير كله ظهور المهدي عليه السلام، والله أعلم. قوله: (الخير كله) أي يوقع الظهور (استرآبادی، الحاشیه علی اصول الكافی، ص ۱۶۱).

۲. مجلسی، مرآة العقول، ج ۴، ص ۵۱.

۳. همان.

۴. و إنما يكون الخير كله في غيبة الإمام لتضاعف الحسنات فيها كما يأتي بيانه (فيض کاشانی، الوافی، ج ۲، ص ۴۱۶).

۵. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۳.

آن حضرت در روایتی دیگر به ارزش دین‌داری در زمان غیبت و علت آن اشاره کرده، خطاب به اباخالد می‌فرمایند:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالسَّيْفِ أَوْلِيَّكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشِيعَتُنَا صِدْقًا وَالدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سِرًّا وَجَهْرًا؛^۱

مردم زمان غیبت او که به امامت او معتقد و منتظر ظهورش می‌باشند، از مردم هر زمانی برترند؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی عقل و فهم و معرفتی به آن‌ها عطا کرده است که غیبت، نزد آن‌ها چون مشاهده است، و آن‌ها را در این زمان به مانند مجاهد در رکاب رسول خدا ﷺ با شمشیر قرار داده است. آنان به حق، مخلصان و به درستی شیعیان ما و داعیان به دین خداوند عز و جل در پنهان و آشکار می‌باشند.

جمع‌بندی مجموع حوادث

از مجموع کلام شارحان و روایات مشابه به دو برداشت از روایت می‌رسیم. آنچه باعث این دو برداشت شده، پیش‌بینی زمان تحقق حوادث بیان‌شده در روایت، از سوی شارحان است. در مجموع، پنج رخداد وجود داشت که هر یک از آن‌ها به صورت جداگانه بررسی شدند. وحدت سیاق اقتضا دارد که پنج حادثه با یکدیگر ارتباط داشته، در یک زمان محقق می‌شوند.

برداشت اول

نعمانی رحمته الله در کنار روایت مورد بحث، دو روایت مشابه دیگر ذکر کرد که در حادثه دوم یعنی «مخفی شدن علم» مشترک بودند. بنا بر نقل نعمانی رحمته الله که در هر سه روایت واژه «السبطة» به کار

۱. همان، ص ۳۲۰.

رفته، حادثه اول مشترک است؛ اما بنا بر نقل کلینی رحمته الله چون «البطشه» به کار رفته است، تفاوت معنایی زیادی داشته، مشترک نیستند. در هر صورت بر اساس ذیل این دو روایت، این وقایع مربوط به آغازین سال‌های غیبت کبرا است؛ چون صحبت از فترت و شرح وظیفه شیعه در زمان فترت و غیبت امام است.

اگر همانند نعمانی رحمته الله، روایت مورد بحث را به دور روایت دیگر ملحق کرده، در یک خانواده حدیثی قرار دهیم، زمان تحقق حوادث پنجگانه، سال‌های آغازین غیبت کبرا است. بر اساس این ظرف زمانی، مکان وقوع حوادث، کشور عراق بوده و منظور از «بین المسجدين» مسجد کوفه و مسجد سهله است.

بر اساس این برداشت، مقصود از حادثه دوم یعنی «مخفی شدن علم» غیبت صاحب علم و وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله فرجه است. سایر رخدادها مثل اختلاف شیعیان و اظهار نظر درباره زنده بودن یا وفات امام مهدی عجل الله فرجه در همان آغازین سال‌های غیبت اتفاق افتاده است و مقصود از «الْخَيْرُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ» دوچندان شدن ارزش دین‌داری و استقامت ایمانی در زمان غیبت کبرا است.

اگر سؤال شود که تمام این برداشت‌ها بر اساس نقل نعمانی رحمته الله از روایت یعنی واژه «السبطه» است؛ اما بر اساس نقل کلینی رحمته الله و واژه «البطشه» حادثه اول چگونه معنا می‌شود؟ در پاسخ می‌شود گفت: همان احتمالی که علامه مجلسی رحمته الله در مرآة العقول مطرح کرده و بر حوادث زمان متوکل در «سویقه» قبل از زمان غیبت تطبیق داده است، قوت می‌یابد. البته این در صورتی است که عبارت «بین المسجدين» به حادثه اول اختصاص داشته و مقصود از آن، مکه و مدینه باشد؛ اما اگر «بین المسجدين» را به حادثه دوم «يَأْرِزُ الْعِلْمُ» اختصاص دهیم - چنانکه در یکی از دو روایت دیگر مرحوم نعمانی آمده بود - مقصود از آن، کشور عراق است. علامه رحمته الله در پایان این احتمال، یکی از سه روایت

نعمانی را ذکر کرده که نشان‌دهنده این است که ایشان نیز با تطبیق سه روایت نعمانی بر آغازین سال‌های غیبت کبرا موافق است.^۱

برداشت دوم

ظرف زمانی وقوع حوادث در این برداشت، آستانه ظهور است. اگر در برداشت اول، نقل نعمانی رحمته الله از روایت محور بود، در این برداشت، نقل کلینی رحمته الله محور است. بر این اساس، اولین رخداد که همان حمله شدید است، ناظر به حمله سفیانی بوده و «البطشه» بر حوادث زمان ظهور و خروج سفیانی تطبیق داده می‌شود. «المسجدین» که مکان وقوع این حادثه است، مسجد النبی و مسجد الحرام در کشور عربستان هستند که مناسبت بیشتری با تحرکات سفیانی دارند. با این وجود، باز هم احتمال مسجد کوفه و مسجد سهله در کشور عراق منتفی نیست؛ چرا که دامنه جریان‌های منتهی به ظهور مثل خروج سفیانی، یمانی و خراسانی همه این مناطق را شامل می‌شود. فردی نقاب‌زده از شیعیان عراق که به لشکر سفیانی کمک می‌کند و باعث تسلط بر شیعیان می‌شود، نشانه دیگری است که شارحان آن را مطرح کرده و احتمال واقع شدن رخداد اول در کشور عراق را تقویت می‌کند.

بر اساس این برداشت، حادثه دوم که متأثر از رخداد اول است، به معنای مخفی شدن علم و عدم دسترسی به دانش در آن زمان است. این احتمال وجود دارد که مخفی شدن علم در این منطقه به دلیل تسلط اهل جور بر آن و یا به دلیل همان بطشه و حمله شدید باشد.^۲ کوچ کردن حاملان دانش و مخفی شدن عالمان، احتمال دیگری است که هیچ یک از شارحان آن را مطرح نکرده‌اند. چه بسا دلیل این بی‌اعتنایی این است که منطقه عربستان در هیچ زمانی مرکزیت علمی برای علوم اهل

۱. أقول: وفي غيبة النعماني: يأتي على الناس زمان يصيبهم فيها سبطة يأرز العلم فيها كما تأرز الحية في جحرها فيينا هم كذلك إذ طلع عليهم نجم، قلت: فما السبطة؟ قال: الفترة، إلى آخر الخبر (مجلسي، مرآة العقول، ج ۴، ص ۵۲).
۲. لعل المعنى يأرز العلم بسبب ما يحدث بين المسجدين أو يكون خفاء العلم في هذا الموضع أكثر بسبب استيلاء أهل الجور فيه (مجلسي، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۴-۱۳۵).

بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ پیدا نکرده است، حتی در زمان حکومت امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ، کوفه و کشور عراق مرکز علمی بوده است. اگر مقصود از مخفی شدن دانش، کوچ کردن عالمان به علوم اهل بیت از منطقه باشد، باید مکان وقوع این رخدادها، کشور عراق باشد؛ چون در عربستان هیچ زمان زمینه رشد علوم اهل بیت وجود نداشته است.

اختلافات شیعیان به عنوان حوادث بعدی که در روایت آمده و وجه تمایز روایت با دو روایت نعمانی است، منطبق بر رخداد‌های زمان ظهور است. این انطباق از روایات مشابهی نظیر کلام امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ به مالک بن ضمیره و کلام سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَامُ که در بررسی فرازاها به آنان اشاره شد، به دست می‌آید؛ زیرا تعبیر «عِنْدَ ذَلِكَ يَوْمٌ قَائِمُنَا» صراحت در زمان منتهی به ظهور دارد. بر اساس این برداشت، مصداق «الْخَيْرُ كُلُّهُ» قیام و ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ است که با آمدنش ریشه اختلافات از بین رفته و خداوند متعال همگی را بر امری واحد مجتمع می‌کند. با توجه به ترجیح متن کتاب کافی بر نقل نعمانی، برداشت دوم قوت یافته از مجموع قرائن استفاده می‌شود، زمان تحقق حوادث، نزدیک ظهور است.

نقد برخی تحلیل‌ها

الف. مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی فضای سیاسی فرهنگی عربستان پیش از ظهور با استفاده از روایتی از کتاب الکافی» به چاپ رسیده^۱ که همین حدیث را محور قرار داده است. تحلیلی که نگارنده از روایت ارائه می‌دهد این است که در آستانه ظهور، سخت‌گیری شدید حکام عربستان، موجب پنهان گشتن معارف اصیل اسلامی در اثر پنهان شدن عالمان شیعه در این منطقه شده و در کنار این عامل، انتشار دروغ و شایعات، موجب اختلاف و نزاع در جوامع شیعی می‌گردد. از نظر نگارنده منشأ

۱. موسسه آینده روشن، مجله علمی ترویجی پژوهش‌های مهدوی، ش ۳۰

تمام این حوادث، جریان فکری حاکم بر عربستان است که با بشارت به تحقق جمیع خیر یعنی ظهور حضرت، سامان می‌یابد.

در این مقاله، کشور عربستان به عنوان منطقه وقوع چالش‌ها، مسلم فرض شده و نقش حاکمان آن در ایجاد حوادث، پررنگ شده است. یکی از آفات حدیث‌پژوهی این است که با پیش‌داوری سراغ روایات برویم. شرایطی که امروزه بر کشور عربستان حاکم است و خائنان به دین و اسلام بر حریم شریفین تحکم می‌کنند، نباید باعث شود فضای کلی روایت با شرایط زمانه ما مورد سنجش قرار گیرد. در روایت، حرفی از حکام عربستان نیست؛ اما نگارنده مقاله، تلاش کرده است از واژه «بطشه» به نقش حاکمان در به وجود آوردن چالش برای علم و عالمان شیعه برسد؛ این در حالی است که شارحان غالباً به نقش سفیانی و لشکرکشی او در وقوع «بطشه» تصریح کرده‌اند و صحبتی از حاکمیت سفیانی بر عربستان نیست.

ب. تحلیل دیگری از روایت در فضای مجازی و خبرگزاری رسمی حوزه وجود دارد^۱ که مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مطالب بیان شده در این صفحه مجازی توضیح یکی از علمای نجف درباره انتقال حوزه علمیه از نجف به قم از منظر روایات شیعه است. روایت محوری در این تحلیل را علامه مجلسی رحمته الله از حسن بن محمد بن حسن قمی با اسناد وی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

أَنَّهُ ذُكِرَ كُوفَةٌ وَقَالَ: سَتَحُلُّو كُوفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَأْزُر [يَأْرِرُ] عَنْهَا الْعِلْمَ كَمَا تَأْزُر [تَأْرِرُ] الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبِلْدَةِ يَقَالُ لَهَا قُمْ وَتَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْحِجَالِ وَذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا؛^۲

کوفه زمانی از مؤمنان خالی می‌شود و علم نیز در آن پنهان می‌شود؛ همان گونه که مار در لانه خود فرو می‌رود و پس از آن علم در شهری به نام قم ظهور می‌کند و آن شهر، معدن علم و دانش

1. <https://www.hawzahnews.com/news/469072/>

2. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳، ح ۲۳.

می‌شود، تا جایی که هیچ کس در زمین از لحاظ دینی مستضعف نمی‌ماند؛ حتی دختران پرده‌نشین. و این اتفاق، هنگام نزدیک شدن ظهور قائم ما رخ می‌دهد.

مجموع روایاتی که در این تحلیل ارائه شده شش حدیث است. حدیث اول، همین وقایع بیان شده در مورد قم است. حدیث دوم و سوم، نقل کلینی رحمته الله و نقل نعمانی رحمته الله از روایت أبان است. حدیث چهارم و پنجم دو روایت دیگر نعمانی رحمته الله با کلید واژه «سبطه» و حدیث ششم نقل شیخ صدوق رحمته الله است که نظیر دو روایت دیگر نعمانی است. این استاد حوزه علمیه نجف به استناد اینکه کوفه تنها منطقه علمی بوده که مورد توجه اهل بیت علیهم السلام قرار داشته، مخفی شدن علم بین مسجد کوفه و مسجد سهله را مبنای تحلیل خود قرار داده است. وی روایتی را که علامه مجلسی رحمته الله از کتاب تاریخ قم از امام صادق علیه السلام نقل کرده، مکمل روایت أبان (روایت اصلی) دانسته است که از این روایت رمزگشایی می‌کند. وی بعد از مقایسه روایات با یکدیگر می‌گوید: «می‌توان میان این روایات بدین صورت جمع نمود که بگوییم: ظلم شدیدی در منطقه کوفه اتفاق می‌افتد و منجر به کاهش و تضعیف حضور علمی در این منطقه می‌شود و این تضعیف نیز طبق عادت با قتل و کشتار و بازداشت و زندانی کردن علما یا مهاجرت اجباری و آواره ساختن آن‌ها اتفاق می‌افتد؛ به گونه‌ای که امکان فعالیت علمی در منطقه از بین می‌رود». وی قائل است که انزوای علم در دوره نزدیک به ظهور اتفاق می‌افتد و از نشانه‌های ظهور است؛ اما محدوده زمانی برای آن مشخص نشده و به ذکر حادثه قبل از ظهور بسنده شده است. نقدی که بر این تحلیل وارد است، قطعی صحبت کردن و تطبیق روایت بر حوادث اتفاق افتاده در زمان حاضر است. وی از همزمانی اوج درخشش علمی و بی‌سابقه حوزه علمیه نجف در نیمه قرن گذشته با ظلم حزب بعث و رژیم صدام که منجر به کشته شدن و تبعید و آواره شدن علما و مراجع شد، نزدیک بودن این وقایع به حوادث بیان شده در روایات را نتیجه گرفته است. در این تحلیل واژه «سبطه» به فترت و مدت زمان کوتاه، معنا شده و از آن نتیجه گرفته شده که پنهان شدن علم در کوفه (نجف) طولانی نبوده و با نابودی صدام، وضعیت علمی آن بهبود یافته است.

آخرین حدیثی که در این تحلیل مورد ارزیابی قرار گرفته، نقل شیخ صدوق رحمته الله است. طبق نظر این محقق عبارت «بِعْنِي بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ»^۱ در این نقل به متن روایت اضافه شده است. دلیل ارائه شده این است که «المسجدین» در این روایت، مطابق تعریف عامه تفسیر شده و با سیاق عموم روایات علائم ظهور تناسبی ندارد؛ چون علمی که امام علیه السلام از آن سخن گفته، علم اهل بیت علیهم السلام است و با مکانی که محل سکونت دشمنان اهل بیت است تناسبی ندارد. لازمه پذیرش این تفسیر این است که بگوییم اهل حجاز در مکه و مدینه، مهد علوم اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند و مخفی شدن علم در آنجا اتفاق افتاده است.

عبارت دیگری که در نقل شیخ صدوق رحمته الله به عنوان عطف تفسیری «الفترة» آمده، عبارت «والغیبة لإمامکم» است. این محقق حوزه علمیه نجف، «فترة» را به مدت زمان کوتاه معنا کرده است و چون غیبت امام طولانی است، این عبارت را نیز از اضافات شارحان و نسخه نویسان می‌داند. از مقایسه نقل شیخ صدوق رحمته الله با سایر نقل‌ها، احتمال تفسیری بودن دو عبارت قوت می‌یابد و ممکن است از ناحیه دیگران غیر از امام این تفسیر صورت گرفته باشد؛ اما دلایل ارائه شده از ناحیه این محقق، مورد خدشه و دقت نظر است. از بیان و نقد این دو دیدگاه نتیجه می‌گیریم که در تحلیل یک روایت باید خالی الذهن و بدون پیش‌داوری سراغ روایت رفته، از دخالت دادن شرایط زمان خود و سلائق شخصی بپرهیزیم.

۱. يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُصِيبُهُمْ فِيهِ سَبْطَةٌ يَأْرُؤُ الْعِلْمُ فِيهَا بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ كَمَا تَأْرُؤُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ فَبَيْنَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَطْلَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمْ نَجْمَهُمْ قَالَ قُلْتُ وَ مَا السَّبْطَةُ قَالَ الْفُتْرَةُ وَ الْغَيْبَةُ لِأَمَامِكُمْ... (صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۴۱).

منابع

*قرآن کریم

۱. ابن فارس، أحمد، معجم مقاییس اللغة، مكتب الاعلام الاسلامی، اول، قم، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، چاپ سوم، بیروت، سال ۱۴۱۴ق.
۳. ازدی، عبدالله بن محمد، کتاب الماء، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، اول، تهران، ۱۳۸۷.
۴. استرآبادی، ملا محمدامین، الحاشیة علی اصول الکافی، دار الحدیث، اول، قم، ۱۴۳۰ق.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه، اول، ۱۴۱۲ق.
۶. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، قم، ۱۴۰۹ق.
۷. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، دار الفکر، اول، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۸. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، عالم الكتاب، ۱۰ جلد، اول، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۹. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، اسلامیه، دوم، تهران، ۱۳۹۵ق.
۱۰. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، مرتضوی، سوم، تهران، ۱۳۷۵.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، هجرت، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۲. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، کتابخانه امیرالمومنین علیه السلام، اول، اصفهان، ۱۴۰۶ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۱۴. مازندرانی، مولی صالح، شرح الکافی (اصول و الروضة)، المكتبة الإسلامیة، اول، تهران، ۱۳۸۲ق.
۱۵. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، اول، قم، ۱۴۳۱ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، دوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۷. _____، مرآة العقول، دار الکتب الإسلامیة، دوم، تهران، ۱۴۰۴ق.
۱۸. مفید، محمد بن محمد، الارشاد، کنگره شیخ مفید، اول، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، نشر صدوق، اول، تهران، ۱۳۹۷ق.
۲۰. <https://www.hawzahnews.com/news/>

مطابق بند ۷

سال یازدهم / شماره ۵۰ / زمستان ۱۳۹۹

تبیین مفهوم تشکیلات جامعه زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نسترن هدایت نسب^۱

چکیده

مسئله انتظار، مهم‌ترین استراتژی عصر غیبت و محوری‌ترین رکن حیات دینی و آینده‌پژوهی شیعیان است و مهم‌ترین لازمه مفهوم انتظار، زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وجود تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، در جایگاه روش درست زمینه‌سازی، نقطه مقابل نگرش مبتنی بر عدم ضرورت زمینه‌سازی و نیز نگرش فردمحور است. تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، یک نوع سازمان به معنای جامعه‌شناختی آن است که ساختار، نسبت اعضا، نوع فعالیت و اهداف آن را زمینه‌سازی ظهور به عنوان تکلیف دینی و نیز ضرورت شیعه‌گری تعیین می‌کند.

همه فعالیت‌ها در این تشکیلات، در راستای بسط ید امام معصوم، همراه با پذیرش ابعاد مختلف زمینه‌سازی و پذیرش تنوع ظرفیت افراد است که همزمان می‌تواند تأمین‌کننده همبستگی و هماهنگی درون‌سازمانی باشد. در تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، فعالیت‌هایی تعریف می‌شوند که در مقایسه با فعالیت ظهور، حالت بالقوه داشته باشند و مستقیماً بتوانند در تحقق ظهور تأثیر بگذارند. فواید و ویژگی‌های تشکیلات زمینه‌ساز در مجموع این است که به امور فردی، ماهیت جمعی می‌بخشد. در این مقاله تبیین مفهومی مؤلفه‌های تشکیلات جامعه زمینه‌ساز ظهور به روش توصیفی-تحلیلی صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی: تشکیلات، جامعه زمینه‌ساز، انتظار، مهدویت.

^۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه امیرالمؤمنین علیه السلام اهواز (nhedaiatnasab@yahoo.com).

شناخت مفاهیم کلیدی به کاررفته در این مقاله، نظیر مفهوم «تشکیلات»، «زمینه‌ساز» و «جامعه زمینه‌ساز» کمک می‌کند تا تصور روشن‌تری از مفهوم تشکیلاتی جامعه زمینه‌ساز ظهور داشته باشیم؛ لذا به تعریف و بازشناسی سه مفهوم زمینه‌سازی، جامعه زمینه‌ساز و تشکیلات خواهیم پرداخت و سپس ضرورت تشکیل جامعه زمینه‌ساز و ویژگی‌های آن را بیان خواهیم کرد.

جامعه زمینه‌ساز، به این سبب، کلیدی است که بر نقش جمعی ساز و کارها تأکید می‌شود و مفهوم تشکیلات از این رو کلیدی است که ساز و کارها در قالب تشکل و سازمان یا تشکیلات، قابل تعریف است.

اخیراً موضوع زمینه‌سازی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه در میان شیعیان پررنگ شده و یکی از ساز و کارهای تحقق جامعه زمینه‌ساز ظهور، تشکیلات مهدوی است. تشکیلات مهدوی اصطلاحاً به نهادها و سازمان‌ها و گروه‌هایی می‌گوییم که حالت جمعی دارند و هدف بنیادین آن‌ها که عامل اجتماع آن‌هاست، تلاش برای تحقق ظهور است.

با این توصیف، مسئله این است که زمینه‌سازی ظهور مهدوی، چگونه قابل تحقق است؟ می‌توان دو نگرش در این مورد را تفکیک کرد: نگرش نخست که اصولاً زمینه‌سازی را باور ندارد و بر این اعتقاد است که ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه یک پدیده مشروط به عوامل مادی نیست و اراده انسانی در این امر دخالت ندارد. نگرش دوم در نقطه مقابل آن، تأکید می‌کند که اراده الهی و نقش امدادهای غیبی و معجزات در تحقق ظهور، انکارشدنی نیست؛ ولی وجود شرایط مناسب و رفع موانع در جامعه بشری، جزو عوامل تأثیرگذار است. چنانکه غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه به سبب نبود شرایط و وجود موانع بوده است، تحقق شرایط و رفع موانع نیز سبب می‌شود که غیبت رفع شود زمینه ظهور فراهم گردد.

در نگرش دوم، دوگونه موضع‌گیری مشاهده می‌شود: طبق موضع اول، زمینه فردی برای تحقق ظهور کفایت می‌کند و اگر افراد بکوشند هر یک به تنهایی خود را اصلاح کنند، مصلح نهایی موعود ظهور خواهد کرد؛ ولی موضع دوم، بر زمینه جمعی تکیه دارد و زمینه فردی را کافی نمی‌شمارد. نصرت امام عصر عجل الله فرجه در قیام جهانی آن حضرت، نیازمند ساز و کارهای تشکیلاتی گسترده است و شیعیان موظفند به عنوان منتظران واقعی و در راستای آمادگی ظهور، فعالیت تشکیلاتی داشته باشند.

مقاله حاضر در تلاش است به تبیین مفهومی تشکیلات جامعه زمینه‌ساز ظهور دست یازد. در واقع تنظیم و ترسیم هرگونه ساز و کار، منوط به داشتن پشتوانه مفهومی در باب تشکیلات است. نسبت زمینه‌سازی، تشکیلات و جامعه زمینه‌ساز، ما را به شناخت مفهوم تشکیلات زمینه‌ساز رهنمون خواهد شد.

پیشینه تحقیق در این مقاله، نیازمند بازجست دو مفهوم محوری است: مفهوم جامعه زمینه‌ساز ظهور و مفهوم تشکیلات. در باب مفهوم جامعه زمینه‌ساز ظهور، منابع بیشتری وجود دارد؛ ولی در باب تشکیلات، تحقیقات بسیار کمی انجام گرفته است و منابع کمتری در دسترس می‌باشد؛ درحالی که جنبه نوآوری این پژوهش آن است که زمینه‌سازی را منوط به داشتن تشکیلات دانسته و هدفش تبیین مفاهیمی است که در تحقق جامعه زمینه‌ساز ظهور حضرت، ضروری و تأثیر مثبت دارد. بر این اساس طبق بررسی صورت گرفته تا کنون به صورت مستقیم تحقیق علمی و مشخصی درباره مفاهیم و بازتعریف تشکیلاتی منوط به زمینه‌سازی ظهور حضرت عجل الله فرجه انجام نشده و در واقع مباحث این مقاله، اولین نکات کاربردی را در موضوع مذکور ارائه می‌دهد.

در این مقاله سعی شده است مباحث در سه قسمت مطرح گردند:

در قسمت اول، در باب مفهوم تشکیلات از منظر لغت‌شناسان به چهار تعریف و همچنین از منظر اصطلاحی، ده تعریف تبیین شده است. در قسمت دوم به معنای زمینه‌ساز در لغت و اصطلاح و همچنین جامعه زمینه‌ساز بازتعریف شده است. البته برای روشن شدن بحث، به ویژگی، فواید و ضرورت جامعه زمینه‌ساز اشاره گردیده و با توجه به حضور در جامعه قبل از ظهور و پذیرش دین مبین

اسلام، ضرورت این جامعه زمینه‌ساز در دو قسمت شرح داده شده است؛ یکی به عنوان مقدمه ظهور و دیگری به عنوان تکلیف دینی. در پایان نیز به بحث ضرورت داشتن اجتماع و تشکیلاتی برای نزدیک شدن امر ظهور اشاره شده است.

تعریف تشکیلات

تعریف لغوی

در تعاریف لغوی به شش مورد می‌توان اشاره کرد:

۱. واژه «تشکیلات» از واژگان نوپدید است که وارد ادبیات سیاسی و اجتماعی کشور شده است. قبل از این واژه «تشکل» مرسوم بود. این کلمه جمع مؤنث واژه «تشکیل» است که ماده آن «شکل» است. در کتاب لسان العرب، واژه «شکل» را به معنای شباهت و همانندی دانسته است.^۱
۲. در کتاب المفردات، واژه شکل را به معنای نوعی خاص از شباهت و همانندی دانسته و بین سه واژه «شکل»، «ند» و «شبه» تفاوت قائل شده است؛ «ند» به معنای شباهت در جنسیت، «شبه» به معنای شباهت در کیفیت و «شکل» به معنای شباهت در صورت است.^۲
۳. واژه تشکل از باب تفعیل است. معنای غالب آن را مطاوعه دانسته و به «شکل گرفتن» معنا کرده‌اند.^۳

۴. واژه تشکیل را که در باب تفعیل است و معنای غالب آن را تعدیه دانسته‌اند، باید به معنای شکل دادن دانست. کتاب المنجد، تشکیله را به معنای مجموعه دانسته است.^۴
۵. تشکیل. سازمان‌های مختلف، ادارات و مؤسسات.^۵

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۳۵۷.

۲. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۴۶۲.

۳. بستانی، المنجد، ص ۲۳۱.

۴. همان.

۵. فرهنگ معین، ص ۱۱۵.

۶. سازمان.^۱

با توجه به موارد مذکور، احتمال درست این است که تشکیلات، جمع تشکیله باشد، نه تشکیل. در هر صورت معنای واژه تشکل و تشکیلات در لغت، داشتن صورت و هیئت خاصی است.

تعریف اصطلاحی

بدیهی است که با معنای لغوی نمی‌توان مباحث نظری را در باب تبیین مفاهیم تشکیلاتی مطرح کرد و نیاز به معنای اصطلاحی آن وجود دارد. بر اساس مطالعات انجام شده، واژه تشکیلات جزو واژگان کلیدی است که در سال‌های اخیر، رهبر معظم انقلاب بارها به لزوم آن تصریح و تأکید کرده‌اند. ایشان در توصیه به تشکل‌های فرهنگی، کار دسته جمعی را از خصوصیات بارز شهید بهشتی دانسته‌اند. از نظر ایشان، منظور از تشکیلات، وجود مجموعه و گروه است و منظور از کار تشکیلاتی، یعنی کار گروهی و دسته جمعی که نتیجه همفکری و همکاری چند نفر باشد، نه کار انفرادی.

منظور از تشکیلات، یک گروه و مجموعه انسانی است و معمولاً در عرف، همین معنا از تشکیلات برداشت می‌شود. نزدیک‌ترین واژه به تشکیلات، «سازمان» است. واژه سازمان، اصطلاحی است که در علوم مدیریت و جامعه‌شناسی کاربرد دارد. هم‌پوشانی دو واژه سازمان و تشکیلات و لزوم تبیین تعریفی جامع از واژه تشکیلات، نیازمند واکاوی تعاریف سازمان در مدیریت و جامعه‌شناسی است. بر این اساس، تعاریف بیان شده از واژه سازمان را بررسی خواهیم کرد.

۱. بروس کوئن مفهوم «نهاد» را از مفهوم «سازمان» تفکیک کرده است. نهادها نظام‌هایی از هنجارها و ارزش‌هایی هستند که به جامعه در شناخت و وصول به اهداف معینی کمک می‌کنند. پنج نهاد اصلی عبارتند از: نهاد خانواده، نهاد آموزش و پرورش، نهاد دینی، نهاد اقتصادی و نهاد حکومتی. اما سازمان‌های رسمی، متشکل از گروه‌هایی از افراد - نه نظام‌های هنجاری و ارزشی - است که تلاش‌های خود را برای دستیابی به هدف تعریف شده و کاملاً مشخص هماهنگ می‌کنند.

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ص ۱۲۰.

سازمان‌های رسمی نسبتاً وسیع هستند و دارای قوانین و مقررات معین و سلسله مراتب مشخصی از اقتدار و مسئولیتند.^۱

بنا بر تعریف کوئن، سازمان باید چند مؤلفه اصلی داشته باشد:

- شکل گروهی؛ به فعالیت‌های انفرادی و تک رو، سازمان گفته نمی‌شود.
 - هدف تعریف شده؛ وجود هدف به این دلیل ضروری است که عامل اشتراک و پیوند اعضای سازمان است و همه آن‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند.
 - تلاش هماهنگ؛ فعالیت‌های غیرهماهنگ، خودمحرانه و در تضاد با هدف تعریف شده و سایر افراد، باعث برهم خوردن نظم سازمان خواهد شد و نه تنها هدف را محقق نخواهد ساخت، بلکه سازمان را از تعریف خود خارج خواهد کرد.
- چنانکه بروس کوئن می‌گوید، برای اینکه سازمان، این سه مؤلفه اصلی را حفظ کند و به بقا و حیات خود ادامه دهد، اولاً نیازمند وجود قوانین و مقررات معین است تا اهداف و وظایف افراد را مشخص کند؛ ثانیاً نیازمند وجود سلسله مراتب مسئولیت و اقتدار است تا جایگاه هر کس در مجموعه مشخص باشد و کارهای موازی، غیرهماهنگ و دارای تداخل صورت نگیرد.

۲. محمدحسن نبوی در تعریف سازمان نوشته است: سازمان، مجموعه مرکبی است از واحدهای

جزئی که هر یک به سود بقیه، عهده‌دار انجام کار معین می‌باشند.^۲
در این تعریف بر دو مؤلفه اصلی سازمان تأکید شده است:

- مجموعه مرکب از واحدهای جزئی
- تقسیم وظایف

۸. بستانی، المنجد، ص ۲۳۱.

۲. نبوی، مدیریت اسلامی، ص ۷۷.

• در این تعریف، در مقایسه با تعریف بروس کوئن، مؤلفه هدف حذف شده است و تأکید بر وظایف و تکالیف افراد در قبال دیگران است. چند اشکال در این تعریف وجود دارد: اشکال اول اینکه از افراد و اعضای سازمان به «واحدهای جزئی» تعبیر کرده است. باید توجه داشت که یک مجموعه انسانی یک مجموعه اشیا یا ابزار یا کالا نیستند که به صورت مکانیکی کاری را که به آن‌ها محول شده است انجام دهند. انسان‌ها دارای دو بعد روح و جسم و متشکل از باورها، ذهنیت‌ها و واکنش‌ها هستند و اسم بردن از آن‌ها به عنوان واحد جزئی صحیح نیست.

اشکال دوم اینکه تقسیم وظایف افراد بر چه اساسی باید صورت گیرد؟ هریک از اعضای سازمان باید

وظیفه‌ای مشخص و هماهنگ با دیگران داشته باشد؛ اما اگر هدف تعیین شده و قوانین وجود نداشته باشد، افراد چگونه به وظایف خود آگاه شوند؟ مؤلفه «هدف» که از عناصر محوری مفهوم سازمان است در این تعریف حذف شده است؛ لذا باعث ابهام در تقسیم وظایف گردیده است.

۳. ساسان ایران نژاد پاریزی، سازمان را به «ساخت هدف‌دار نقش‌ها»^۱ تعریف کرده است. این تعبیر بدین معناست که افراد، نقش‌های مشخصی را ایفا می‌کنند و باید این نقش‌ها به صورت هدف‌دار طرح‌ریزی شوند، تا ضمن تناسب فعالیت‌ها، افراد همکاری کارآمد و مؤثری داشته باشند.^۲

در این تعریف بر مؤلفه «نقش» تأکید شده است. چنانکه جامعه‌شناسان گفته‌اند انسان‌ها در جامعه از یک سو دارای نقش هستند؛ یعنی باید کارهایی بابت نقش خود انجام دهند. انسان وقتی در یک سازمان قرار می‌گیرد نقش خاصی پیدا می‌کند و این نقش خاص بابت هدف سازمان به وی داده می‌شود؛ برای مثال اگر در یک سازمان هنری، هدف این باشد که تولیدات خود را به دو صورت مجازی و حقیقی نشر دهند، لازم است دو فرد تعیین شوند که یکی نشر تولیدات هنری در فضای مجازی را بر عهده گیرد و یکی در فضای حقیقی.

۱. شفیعی، رویکرد دینی به سازماندهی، فصلنامه حوزه و دانشگاه علوم انسانی-اجتماعی، ص ۱۲۶.

۲. آقا پیروز و دیگران، مدیریت در اسلام، ص ۸۸.

۴. برخی بر این باورند که «سازمان، پدیده‌ای اجتماعی است که به طور آگاهانه، هماهنگ شده و حدود و ثغور نسبتاً مشخصی در راستای تحقق اهداف بر اساس یک سلسله مبانی دائمی فعالیت می‌کند».^۱

در این تعریف بر چند مؤلفه سازمان تأکید شده است:

- آگاهی
- حدود و ثغور مشخص
- هدف یا اهداف
- مبانی دائمی
- هماهنگی

نکته محوری در این تعریف، تأکید بر عنصر آگاهی است. شکل‌گیری سازمان به نحوی که متضمن معنای انسجام و هماهنگی باشد، موقوف به فعالیت آگاهانه است.

آگاهی اعضای سازمان در سه سطح، قابل ردیابی است: سطح آگاهی به هدف یا اهداف، سطح آگاهی به وظایف و کارویژه‌های شخصی و گروهی، و سطح آگاهی به ماهیت سازمان و عضویت در آن. فعالیت ناآگاهانه، در ضدیت با انجام وظایف و کارویژه‌ها و نیز انسجام درونی است.

انتقادی که به این تعریف وارد است این است که سازمان را یک پدیده اجتماعی دانسته است و مشخص نیست تفاوت این پدیده اجتماعی با گروه و نهاد چیست و نیز تفاوت فعالیت سازمانی با سایر فعالیت‌های اجتماعی که آن‌ها نیز پدیده‌اند در چیست؟ کلمه پدیده اجتماعی بسیار کلی و مبهم است و بهتر است سازمان را در وهله اول یک مجموعه افراد بدانیم، نه پدیده.

۵. «سازمان، یک نهاد اجتماعی هدفدار و سیستمی است که به سبب داشتن یک ساختار آگاهانه، فعالیت‌های خاصی انجام می‌دهد و مرزهای شناخته‌شده‌ای دارد».^۲

۱. همان.

۲. همان.

در این تعریف سازمان چند عنصر اصلی دارد:

- نهاد اجتماعی: مقصود از نهاد اجتماعی یک نظام سازمان یافته اجتماعی است با کارکردهای معین.^۱
- هدفمندی.
- سیستم یا ساختار آگاهانه: معنای سیستم فعال این است که کارها و فعالیت‌های خاص می‌کند و دو فرایند تفکیک و ادغام در آن مشخص است.^۲
- مرزهای مشخص: مرزهای سازمان، تعیین کننده عوامل و ارکان درونی و بیرونی آن می‌باشند.^۳

در این تعریف بر عنصر سیستم و آگاهانه بودن تأکید شده است. ویژگی یک نظام یا سیستم اجتماعی یا ساختار این است که اجزای آن، مشخص است و هر یک دارای نسبت مشخص با دیگران و نقشه مشخص می‌باشد که از قبل تعیین شده است؛ لذا هر کسی نمی‌تواند به سلیقه و خواست خود نقش و فعالیتش را تغییر دهد یا برای دیگران تعیین وظیفه کند. همه این امور بر اساس ساختار آگاهانه از پیش تعیین شده، معین خواهد شد. در مجموع، اگر از نقاط ابهام و ضعف تعاریف یاد شده بگذریم، می‌توان سازمان را به این صورت تعریف کرد:

سازمان عبارت است از مجموعه افراد که به صورت آگاهانه، در راستای تحقق اهداف معین و بر اساس ساختار و سیستم معین فعالیت می‌کنند. چنانکه معلوم است در این تعریف سازمان دارای چهار مؤلفه محوری است:

- مؤلفه مجموعی و جمعی
- مؤلفه آگاهانه بودن

۱. آقا پیروز و دیگران، مدیریت در اسلام، ص ۸۸.

۲. همان، ص ۸۹.

۳. همان.

• مؤلفه هدفمندی

• مؤلفه وجود ساختار و نظام‌مندی

در تشکیلات، همیشه حالت گروهی و مجموعه بودن و نیز فعالیت گروهی و دسته‌جمعی وجود دارد؛ اما باید توجه داشت که هر فعالیت گروهی صحیح نیست و نتیجه نمی‌دهد. فعالیت گروهی در صورتی مطلوب و نتیجه‌بخش است که اولاً آگاهانه باشد، نه از روی احساسات، توهم و تحت تأثیر القانات بیرونی؛ ثانیاً هدفمند باشد تا هم افراد را به کار تشویق کند و هم سبب بقای سازمان شود. سازمان‌های بدون هدف، همچون مجموعه‌ای مکانیکی از اشیا و کالاها خواهند شد یا همچون افرادی هستند که در یک اتوبوس نشسته‌اند و با یکدیگر تعامل هدفمند ندارند؛ و ثالثاً نظام‌مند باشد، تا جلوی تعارض، هرج و مرج و از هم پاشیدگی را بگیرد و وظایف افراد و حدود فعالیت آن‌ها را مشخص کند. با این توصیفات تعریف سازمان و تشکیلات به‌طور تقریبی یکسان است و آنچه درباره سازمان و مؤلفه‌های آن گفته شده است، می‌توان عیناً درباره تشکیلات به کار برد؛ پس تعریف تشکیلات بر اساس تعاریفی که از سازمان به دست آوردیم عبارتند از مجموعه افرادی که در ساختار آگاهانه و مشخصی از همکاری کارآمد برای تحقق اهداف معین همراه با فعالیت خاصی هستند.

با توجه به مفاهیم و تعاریف سازمان، تعریف کلی از تشکیلات مد نظر جامعه قبل از ظهور حضرت، ذکر شد. در این تعریف مبنای اصلی، سرمایه‌های انسانی هستند که در ابتدا این سرمایه‌های انسانی با مقبولیت پیش‌فرض‌های اولیه فکری به ساخت نگرش ذهنی خویش موفق می‌شوند که این نگرش ذهنی بر اساس مبانی اسلامی تعریف گردیده و به مجموعه معرفی می‌شود و در مرحله تشخیص با همکاری و ارتباطات مؤثر برای رسیدن به اهداف معین، به فعالیت و سازماندهی می‌انجامد؛ بر این اساس، تشکیلات عبارت است از جمع‌بندی کلیه تعاریف سازمان با حذف مؤلفه‌های گفته‌شده.

زمینه‌سازی ظهور

تعریف لغوی

زمینه‌سازی در لغت، به معنای به وجود آوردن و فراهم کردن مقدمات و شرایط انجام دادن امری است.^۱

تعریف اصطلاحی

در باب تعریف اصطلاحی زمینه‌سازی ظهور، تعاریف متعدّدند. ابتدا به برخی از این تعاریف اشاره و سپس تعریف مطلوب را بیان خواهیم کرد:

۱. مراد از زمینه‌سازی در این نوشتار، ایجاد و گسترش هرگونه عقیده و رفتار در جامعه است که به نحوی موانع ظهور را کم‌رنگ یا برطرف کند یا برای نزدیک‌تر شدن ظهور مقتضی و سبب شود. با چنین تعریفی، گستره وسیعی از عقاید و رفتارها، زمینه‌سازی محسوب می‌شود.^۲

۲. زمینه‌سازی در لغت به معنای فراهم کردن بسترها و مقدمات یک امر است. بر این اساس، زمینه‌سازی ظهور نیز به معنای فراهم کردن مقدمات ظهور و بسترهای لازم برای ظهور است؛ یعنی فراهم کردن آنچه که به واسطه آن، حاکمیت معصوم تحقق می‌پذیرد و امام، بسط ید می‌یابد و امرش نافذ می‌شود.^۳

۳. زمینه‌سازی در زبان فارسی به معنای مقدمه‌چینی، فراهم‌سازی و تهیه مقدمات برای منظوری آماده است.^۴

۱. انوری، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۳۸۷۷.

۲. آصف‌آگاه، بررسی شاخص‌های جامعه زمینه‌ساز ظهور با تأکید بر روایات نصرت، ص ۶.

۳. آیتی، مفهوم‌شناسی اصطلاح جامعه زمینه‌ساز، مشرق موعود، شماره ۲۰، ص ۵۱.

۴. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۴۳، ص ۲۱۳ (ماده وطأ).

۴. مراد از زمینه‌سازی برای ظهور این است که در تک‌تک افراد و در مجموع جامعه، زمینه‌ها و مقدمات و شرایط لازم برای تحقق ظهور ایجاد شود.^۱

۵. زمینه‌سازی برای ظهور هرگز بدین معنا نیست که افراد با خواست خود و بدون توجه به مشیت الهی امر ظهور را به جلو بیندازند و در آن تعجیل کنند؛ بلکه به معنای آماده کردن جامعه است تا در هنگام ظهور، دچار سرخوردگی نشوند؛ بنابراین زمینه‌سازی به معنای شناخت وظایف و انجام تکالیف و آماده شدن برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه است. پس لازم است به وظایفی که در زمان غیبت بر دوش ما گذاشته و از ما خواسته شده است، عمل کنیم تا در ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه شتاب لازم - البته با خواست و مشیت الهی - پدید آید. در حقیقت می‌توان گفت زمینه‌سازی برای ظهور و آمادگی برای آن، تحول مثبتی است که در جامعه ایجاد می‌شود و می‌تواند مصداقی از مصادیق تغییر در نفوس امت به شمار آید.^۲

۶. هرگونه فعالیت و حرکتی را که به ظهور کمک کند، زمینه‌سازی گویند.^۳

۷. معنای زمینه‌سازی فقط ادای تکلیف و وظیفه شرعی نیست؛ بلکه مقصود از آن، آماده‌سازی مجموعه گزاره‌ها، اندیشه‌ها، طرح‌ها، دستورالعمل‌ها، رویکردها و دیگر عوامل مؤثر در تعجیل ظهور است.^۴

۸. زمینه‌سازی، آماده کردن خود و جامعه و فراهم ساختن لوازم، عوامل و شرایط یک خیزش عمومی و جهانی و حرکت به سمت تشکیل جامعه فاضله اسلامی به رهبری مصلح کل و منجی موعود،

۱. ملکی راد، زمینه‌سازی و آمادگی برای ظهور، ص ۳.

۱. همان، ص ۶.

۲. ثقفی، الگوی مطلوب جامعه منتظر و زمینه‌ساز از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۱۰.

۳. صمدی، بایسته‌های ظهور، ص ۱۲۰.

حضرت مهدی عجل الله فرجه می‌باشد که مستلزم کار سیاسی قوی و فراگیر است و انقلاب اسلامی ایران، می‌تواند طلیعه مبارکی برای این امر باشد.^۱

۹. زمینه‌سازی ظهور یعنی فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور؛ به گونه‌ای که شرایط برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، هموار باشد، تا امام بتواند حرکت خود را آغاز کند و حکومت جهانی‌اش را تحقق بخشد.^۲

۱۰. حقیقت انتظار، همان آمادگی و زمینه‌سازی است و برای زمینه‌سازی، به چیزی بیش از روایات انتظار (أفضل الاعمال انتظار الفرج، أفضل جهاد امتی انتظار الفرج) نیازی نیست. علاوه بر این‌ها در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (یخرج الناس من المشرق فیوطئون للمهدی یعنی سلطانه) از واژه «یوطئون» از مصدر «وطأ»، به معنای زمینه‌سازی استفاده شده است. زمینه‌سازی در لغت فارسی به معنای مقدمه‌چینی، آماده ساختن، تهیه مقدمات برای منظوری است؛ اما در لغت عرب با توجه به ویژگی لغوی «وطأ»، نه هر زمینه‌سازی، بلکه زمینه‌های چیزی را کاملاً فراهم کردن و راه را از هر جهت هموار کردن و بر آن تسلط داشتن است. ظهور در اینجا در برابر غیبت، به معنای آشکار شدن امام است.^۳

از بین تعاریف ذکر شده، تعریف چهارم و هشتم از زمینه‌سازی با موضوع مقاله، سازگاری بیشتری دارد؛ بنابراین در این پژوهش، تعاریف چهارم و هشتم را ملاک قرار خواهیم داد. بر این اساس در مفهوم زمینه‌سازی، دو مؤلفه اهتمام به وظایف و تکالیف و ایجاد همه اسباب و بسترهای ظهور نهفته است. اهتمام به وظیفه و بسترسازی، باعث تحول و آماده‌سازی جامعه خواهد شد و به خروج از دوران غیبت و وصول به دوران ظهور خواهد انجامید.

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۲۷.

۲. پورسیدآقایی، زمینه‌سازی ظهور، مشرق موعود، شماره ۱۰، ص ۲۰.

۳. پورسیدآقایی، زمینه‌سازی ظهور، مشرق موعود، شماره ۱۰، ص ۲۰.

۳. جامعه زمینه‌ساز

«جامعه زمینه‌ساز به جامعه‌ای گویند که بسترهای حاکمیت و بسط ید معصوم را فراهم کرده باشد.»^۱

بسط ید معصوم و تحقق حاکمیت جهانی، مستلزم وجود جامعه‌ای است که زمینه‌سازی ظهور به عنوان محور اهداف و فعالیت‌ها در آن، نهادینه شده باشد.

۱. ضرورت جامعه زمینه‌ساز

زمینه‌سازی در مفهوم کلی آن، به معنای هرگونه مقدمه‌چینی و بسترسازی و آمادگی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه است؛ از این معنا دو برداشت وجود دارد:

برداشت اول، این است که زمینه‌سازی، صرف مهیا بودن و آمادگی برای ظهور است بدون اعتقاد به تأثیرگذاری این آمادگی در ظهور و مقصود، آمادگی از نظر معرفتی، اخلاقی و رفتاری و مهیا بودن برای پذیرش امر معصوم است.^۲ در این برداشت، فقط بر مؤلفه‌های فردی تأکید می‌شود و فرض بر این است که عوامل اجتماعی در امر ظهور دخالتی ندارد و حتی ممکن است جریان عوامل اجتماعی مثل گسترش ظلم و ستم به گونه‌ای باشد که ظاهراً مخالف امر ظهور تلقی شود. آمادگی و زمینه‌سازی فردی، تنها منحصر به دو بعد تقویت معرفت و اصلاح رفتار فرد است و باید از سوی خود فرد انجام شود. هدف در این آمادگی، فقط پذیرش امر ولایت معصوم است؛ چون طبق این برداشت، داشتن معرفت و اخلاق حسنه باعث قبول ولایت معصومان علیهم السلام می‌شود و همین دو عامل در تحقق ظهور، کافی است. برداشت دوم این است که زمینه‌سازی به معنای ایجاد مقدمات ظهور است، با اعتقاد به اینکه آمادگی در تحقق ظهور تأثیر دارد.^۳ در این برداشت، وجود عنصر معرفت و اخلاق در فرد، لازم است؛

۱. آیتی، مفهوم‌شناسی اصطلاح جامعه زمینه‌ساز، ص ۵۱.

۲. نعمتی، تحلیل و بررسی مسأله لزوم یا عدم لزوم زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه، ص ۱۵.

۳. همان.

ولی کافی نیست. همچنین هدف زمینه‌سازی، پذیرش امر ولایت معصوم است؛ ولی امور دیگر نیز وجود دارد که ذکر نشده است. گفته می‌شود مقدمات ظهور، هم به زمینه‌های فردی ربط دارد و هم به زمینه‌های اجتماعی. اصلاح فرد بدون اصلاح جامعه کفایت نمی‌کند. به علاوه، زمینه‌سازی، هم باید به پذیرش ولایت معصوم بینجامد و هم به تحقق دولت کریمه، حاکمیت جهانی و تعالی همه‌جانبه انسان‌ها با نقش‌آفرینی در تحولات.

این دو برداشت را به این صورت می‌توان بیان کرد که دو نگرش به زمینه‌سازی فردی و اجتماعی وجود دارد؛ در نگرش اول، زمینه‌سازی ضرورت دارد و از طریق ایجاد مقدمات در فرد و جامعه، تحقق می‌یابد و در نگرش دوم، زمینه‌سازی ضرورت ندارد؛ چون به صورت ناگهانی، به امر و امداد غیبی خداوند و بدون نیاز به علل اجتماعی شکل می‌گیرد.

پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل و بررسی مسئله لزوم یا عدم لزوم زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه» این دو نوع نگرش را تفکیک کرده است و از نگرش ضرورت داشتن زمینه‌سازی دفاع می‌کند؛ به این دلایل:

اولا، زمینه‌سازی از جنس فعل است، نه انفعال؛

ثانیا، امری انتخابی و اختیاری است، نه معجزه‌گونه؛

ثالثا، آگاهانه است؛

رابعا، در راستای بالا بردن سطح تحمل‌پذیری مردم در امر ولایت و رشد جامعه در این محور است؛

خامسا، با هدف ایجاد شرایط ظهور معنا می‌یابد؛

سادسا، سوای نتیجه ظهور، زمینه‌سازی یک تکلیف است؛

لذا با توجه به ادله عقلی و نقلی زمینه‌سازی، ضرورت اسلام و قرآن است.^۱

^۱. همان، ص ۱۸۶ و ۱۸۷.

پایان‌نامه‌ای دیگر با عنوان «بررسی جهانی شدن و زمینه‌های مثبت و منفی آن در شکل‌گیری انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج)» سه نگرش را تفکیک کرده است: نظریه انفجاری بودن که ظهور را معلول اراده الهی می‌داند، نظریه تکامل طبیعی و تدریجی بودن که عوامل طبیعی و جبری مثل تکامل عقل بشر و آمادگی جوامع مختلف برای پذیرش حکومت عدل را علت زمینه‌ساز ظهور می‌شمارد و نظریه اختیاری بودن که ظهور را معلول اراده انسان‌ها می‌داند.^۱

به نظر می‌رسد نظریه تکاملی بودن و اختیاری بودن هر دو در این معنا مشترکند که ظهور را وابسته به مقدمات و آمادگی انسان‌ها می‌دانند و تفاوت آن‌ها در نحوه تبیین مقدمات و علل است.

براساس مقاله «مفهوم‌شناسی اصطلاح جامعه زمینه‌ساز» تشکیل جامعه زمینه‌ساز از دو منظر ضرورت دارد:

چون ظهور اتفاق خواهد افتاد، پس تشکیل جامعه زمینه‌ساز ظهور ضرورت دارد و اساساً دین، تکالیفی

را بر عهده انسان‌ها نهاده و ما را به انجام مسئولیت‌های دینی موظف کرده و انجام چنین مسئولیت و تشکیل چنین جامعه‌ای از لحاظ مصداقی همان جامعه زمینه‌ساز است.^۲

اگرچه میان تحقق جامعه زمینه‌ساز و ظهور هیچ ارتباطی وجود نداشته باشد، از لحاظ مسئولیت دینی، تشکیل آن ضرورت دارد.^۳

در ارجاع به ضرورت جامعه زمینه‌ساز می‌توان این دو رویکرد را بیان کرد:

- ضرورت تشکیل جامعه زمینه‌ساز به مثابه تکلیف دینی

۱. درویشی، بررسی جهانی شدن و زمینه‌های مثبت و منفی آن در شکل‌گیری انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج)، ص ۳۳ و

۳۴.

۲. همان، ص ۵۴.

۳. همان.

در دین تکالیف متعددی وجود دارد که مکلفان را به انجام آن‌ها ملزم کرده‌اند. علاوه بر تکالیف شخصی، به تکالیف اجتماعی اشاره شده است و همچنین تکالیفی که هر شخص در قبال امام خود بر عهده دارد. انجام تکالیف، به منزله آمادگی برای ظهور حضرت است و از نوع وظایف فردی می‌باشد. فردی که خود را در قبال معرفت به امام، مسئول می‌داند و در پی کسب آمادگی برای حضور اوست، این احساس تکلیف در او انگیزه می‌شود که در جامعه غافل از معرفت امام و نیز غافل از وظیفه اجتماعی «امر به معروف و نهی از منکر» مردم را با معروف الهی آشنا سازد.^۱

• ضرورت تشکیل جامعه زمینه‌ساز به عنوان مقدمه ظهور

برای تحقق ظهور، نیازمند تربیت انسان‌های مؤمن هستیم و برای تشکیل جامعه زمینه‌ساز ظهور، نیازمند وجود جامعه‌ای به هم پیوسته از مؤمنان، با اهداف و برنامه‌های مشخص و همراه با روابط منسجم هستیم، نه مؤمنانی که گوشه عزلت اختیار کنند. فرق «مؤمن» با «مؤمن مرتبط» در این است که شخص مؤمن، خود به تنهایی برای زمینه‌سازی ظهور، تلاش فردی آگاهانه یا غیرآگاهانه دارد و اسباب تأثیرات مستقیم را فراهم نمی‌کند؛ اما مؤمن مرتبط علاوه بر رشد آگاهانه خود موجب تأثیرگذاری مستقیم و همراه کردن عده‌ای با خود نیز می‌شود.^۲

اگر تحقق یک مؤمن زمینه‌ساز اثبات شود، ضرورت تشکیل جامعه زمینه‌ساز اثبات می‌گردد؛ بنابراین اگر تربیت افراد مؤمن، مقدمه ظهور و یک ضرورت است، آنچه مقدمه شکل‌گیری این مقدمات است نیز به حکم عقل، ضرورت دارد.^۳

لزوماً جامعه زمینه‌ساز، مختص شیعه نیست؛ اما جامعه‌ای می‌تواند زمینه‌ساز باشد که تحمل، ظرفیت و لیاقت امام معصوم را داشته باشد و ویژگی جامعه زمینه‌ساز مختص مسلمانان این است که فردی، جمعی، آگاهانه و ارادی، پا در عرصه فراهم آوردن مقدمات ظهور می‌گذارند که تأثیر آن به

۱. آیتی، مفهوم شناسی اصطلاح جامعه زمینه‌ساز، ص ۵۶-۵۹.

۲. همان، ص ۵۵.

۳. همان، ص ۵۶.

مراتب بیشتر است؛ ولی جامعه زمینه‌ساز غیرمسلمان، به صورت غیر ارادی، ناخواسته و غالباً فردی، که مسیر آن هم با کندی مواجه است پا در عرصه زمینه‌سازی ظهور می‌گذارد.^۱

در واقع در این پژوهش منظور از جامعه مطلوب دینی جامعه‌ای است که بر اساس آموزه‌های دینی شکل گرفته و ولایت از ارکان اصلی آن است. انسان‌های عضو این جامعه مکلف به انجام مسئولیت‌های دینی بر طبق امور شرعی هستند. اما در جامعه زمینه‌ساز علاوه بر داشتن ویژگی جامعه دینی و انجام تکالیف شرعی، باید بسترهای لازم را برای حاکمیت و بسط ید امام معصوم فراهم کنند و با این نگاه، جامعه زمینه‌ساز هدف، امید، پویایی، نقش و جایگاه مشخص دارد و صرف رفع تکلیف نیست.^۲

پس بین جامعه دینی و جامعه زمینه‌ساز به لحاظ مصداقی هیچ تفاوتی نیست؛ اما جعل این اصطلاح افزون بر اینکه ریشه‌روایی دارد،^۳ بار معنایی خاصی دارد که عبارت است از توجه ویژه به اندیشه مهدویت و نیز توجه به این معنا که تمام تلاش‌های مؤمنان باید با رویکردی مهدوی و با انگیزه ایجاد بسترهای ظهور باشد.^۴

در هر صورت، امروزه ضرورت زمینه‌سازی، اجماع عام دارد و عموم متفکران شیعی معاصر به این نگرش باور دارند. مبنای این نگرش، قاعده علیت است و همچنین باور به سنت‌های آفرینش و قوانین حاکم بر عالم ماده که بر اساس آن، تحقق همه افعال و پدیده‌ها بدون فراهم کردن بستر و علت آن ممکن نیست و چون ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه جزو پدیده‌های انسانی و اجتماعی است، بی‌نیاز از مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی نیست و نخواهد بود.

۱. همان، ص ۵۹-۶۱.

۲. همان، ص ۵۲-۵۳.

۳. ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸.

۴. آیتی، مفهوم‌شناسی اصطلاح جامعه زمینه‌ساز، ص ۵۲.

علت‌ها و عوامل را مختلف گفته‌اند. در یک پژوهش به دو دسته زمینه‌های فرهنگی و زمینه‌های اجتماعی اشاره شده است.^۱ در پژوهشی دیگر تحلیلی کامل‌تر و جامع‌تر ارائه می‌نماید و عوامل زمینه‌ساز را به سه دسته انسانی، فرا انسانی و ساختاری تقسیم می‌کند. عامل انسانی عبارت است از اراده فرد و اصلاح جامعه، عامل فرا انسانی عبارت است از امدادهای غیبی که شامل ملائکه، اجنه و ترس (نصر بالرب) می‌شود و نیز عامل ساختاری که چهار دسته اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد.^۲

در پژوهشی با عنوان «مهدی یاوران» دو نتیجه اساسی برای تبیین ویژگی‌های یاوران امام مهدی عجل الله فرجه ذکر شده که یکی از نتایج مربوط به زمینه‌سازی برای ظهور است. توضیح اینکه فرا رسیدن روز سراسر مبارک ظهور، بسته به دو عامل اساسی است که منطقیاً با فقدان هر یک از آن‌ها، قیام حضرت بی نتیجه خواهد بود. این دو عامل عبارتند از:

وجود زمینه مردمی: اگر در مردم احساس نیاز به امام شکل نگیرد، وقتی او بیاید، قدرش را نخواهند دانست و به راحتی او را تنها خواهند گذاشت؛ بلکه شاید علیه او شمشیر نیز بکشند، همان‌گونه که اغلب مردم با پیشوایان معصوم پیشین این چنین کردند.

فراهم آوردن یاران: همراهان کارآمد و توانمند که با فقدانشان، کار حکومت، هدایت و رشد به سامان نخواهد رسید. دانستن ویژگی‌های یاران حضرت و تلاش در راه کسب آن‌ها، در واقع تلاش برای زمینه‌سازی ظهور و فرا رسیدن آن روز مبارک است.^۳

۱. نعمتی، تحلیل و بررسی مسأله لزوم یا عدم لزوم زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر عجل الله فرجه، ص ۱۷۲.

۲. درویشی، بررسی جهانی شدن و زمینه‌های مثبت و منفی آن در شکل‌گیری انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه، ص ۳۶.

۳. آیتی، مهدی یاوران، ص ۷۳.

یاری کنندگان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه دو گروه هستند که در قیام آن حضرت مشارکت می کنند: گروه نخست، زمینه سازان که بستر ظهور و قیام را فراهم می سازند و گروه دوم، انصار امام زمان عجل الله تعالی فرجه می باشند.^۱

در این مقاله بر اساس نگرش ضرورت داشتن زمینه سازی، پیش خواهیم رفت و بر خلاف نظریه ضرورت نداشتن زمینه سازی، این امر را منحصر در فرد نخواهیم دانست؛ بلکه جامعه به عنوان بستر اصلی تحولات و تحقق ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه را در نظر خواهیم گرفت.

بر اساس آنچه گفته شد، تشکیلات زمینه ساز ظهور با اجتماع به مفهوم کلی آن تفاوت دارد. در اجتماع، افراد و نهادها حضور دارند و روابط اجتماعی برقرار است؛ ولی به صورت تشکیلاتی و منسجم و هدفمند نیست. جوامع دینی، لزوماً تشکیلاتی نیستند؛ چون ممکن است نسبت افراد با یکدیگر، تعریف شده و در راستای اهداف و فعالیت های خاص نباشد. تشکیلات زمینه ساز ظهور، تمام فعالیت های خود را به گونه ای تنظیم می کند که در راستای امام محوری و بسط ید معصوم باشد. فعالیت های دینی متعدد، همین طور فعالیت های تشکیلاتی متعدد می توان انجام داد؛ ولی در تشکیلات زمینه ساز ظهور، فعالیت هایی تعریف می شوند که نسبت به فعلیت ظهور، حالت بالقوه داشته باشند و مستقیماً بتوانند در تحقق ظهور تأثیر بگذارند.

هماهنگی افراد و عدم فعالیت خارج از اهداف و وظایف مقرر شده، در تشکیلات زمینه ساز ظهور، نقش مهمی دارد. تشکیلات زمینه ساز، مدل کوچک تری از تشکیلات عظیم دولت کریمه امام عصر عجل الله تعالی فرجه است و حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه را الگوی خود قرار داده است که در رأس آن، شخص ولی معصوم، در وهله بعد، کارگزاران و در وهله سوم، ساختار کلی حکمرانی قرار دارد. در مدل تشکیلاتی دولت کریمه، همه اعضا و اجزا، همبستگی دارند و فعالیت ها تعریف شده است؛ لذا

۱. آیت الله محمد مهدی آصفی و تقی متقی، انتظار پویا (۲)، ص ۹۹.

تشکیلات زمینه‌ساز که در تلاش است به تشکیلات دولت کریمه جهانی بپیوندد، باید به گونه‌ای باشد که هماهنگی هدف‌گرا و همبستگی ایمانی و عملی میان اعضای آن وجود داشته باشد.

نکته مهم دیگر در تبیین مفهومی تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، وجود تنوع است. زمینه‌سازی شامل ابعاد مختلفی می‌شود؛ لذا باید از استعدادها و ظرفیت‌های مختلف در راستای فعالیت‌های شایسته‌محور و متناسب با حد ظرفیت و سطح توانمندی افراد بهره‌برد. یکی از الزامات تحقق هماهنگی در تشکیلات، وجود تنوع ظرفیت‌ها و شایستگی‌ها است که نسبت به یکدیگر نقش تکمیلی و اصلاح‌گرانه دارند و همگی در راستای اهداف واحد می‌کوشند و بدین ترتیب جلوه تحقق وحدت در کثرت هستند.

نکته دیگر اینکه تشکیلات زمینه‌ساز ظهور - چنانکه عنوان آن نشان می‌دهد - مفتخر به نام مهدویت است و مهدویت، شناسه و شناسنامه اصلی آن را رقم می‌زند. این تشکیلات زمینه‌ساز، با سایر تشکیلات دینی از این رو تفاوت دارد که هدف محوری آن، تحقق ظهور است. تشکیلات مسجد یا هیأت مذهبی یا گروه‌های جهادی، ماهیت دینی دارند و فعالیت آنان می‌تواند به عنوان ساز و کار تحقق ظهور، تأثیر داشته باشد؛ ولی ساختار، اهداف و ماهیت فعالیت اعضا در راستای تحقق ظهور نیست. تشکیلات زمینه‌ساز، به عنوان نمونه ماهیت جهانی دارد و در شعاع بین الملل و فراتر از جغرافیا، قوم و نژاد و مذهب فعالیت می‌کند؛ لکن همه تشکیلات دینی دارای چنین خصلتی نیستند.

با این تبیین مفهومی که صورت گرفت، می‌توان گفت: تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، یک نوع سازمان به معنای جامعه شناختی آن است که ساختار، نسبت اعضا، نوع فعالیت و اهداف آن را زمینه‌سازی ظهور به عنوان تکلیف دینی و نیز ضرورت شیعه‌گری تعیین می‌کند. برای اینکه تمایز این گونه تبیین مفهومی از تشکیلات زمینه‌ساز ظهور با نگرش‌های دیگر (مثل نگرش فردمحور) روشن شود، نیاز است که فواید و ویژگی‌هایی برای آن تعریف شود. بدون وجود فواید و ویژگی‌ها، تمایز و تفاوت تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، از مدل‌های دیگر روشن نخواهد گردید. بنابراین در دو قسمت پایانی مقاله، به این دو امر تمایزبخش اشاره خواهد شد.

۲. فواید جامعه زمینه‌ساز

از فواید رسیدن به جامعه زمینه‌ساز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. روشن و امیدبخش بودن آینده بشر؛

۲. مسئول بودن جامعه؛

۳. تلاش جامعه در راستای مسئولیت دینی خویش. این تلاش در مسیری است که به ظهور منجر

گردد و در نهایت موجب شتاب گرفتن روند آمادگی و آماده‌سازی خواهد شد.

پس از تعریف لغت و اصطلاح زمینه‌ساز و به دنبال آن پی بردن به مفاهیم جامعه زمینه‌ساز می‌توان مدلی مفهومی و کاربردی براساس ساختار آگاهانه و مشخصی همراه با روابطی کارآمد و منسجم از انسان‌هایی ترسیم کرد که هدف کلی مشخصی دارند. هر جامعه‌ای که می‌خواهد مقدمات امری مهم را در اجتماع انسانی شکل دهد، ملزم به بیان ویژگی‌ها و اهداف راهبردی است. با این توصیف، فواید جامعه زمینه‌ساز این است که امیدبخشی، مسئولیت و تلاش را به یک امر جمعی تبدیل می‌کند. امید، مسئولیت و تلاش می‌توانند فردی باشند؛ ولی آنچه در تحقق ظهور نقش دارد، باور به خصلت جمعی بودن آن‌ها و نیز عمل بر اساس این باور است.

۳. ویژگی‌های جامعه زمینه‌ساز

۱. برپایی قیام و انقلاب‌های ظلم‌ستیز و عدالت‌خواه؛^۱

۲. ایجاد بسترهای لازم برای آماده‌سازی فضای جهانی؛^۲

۳. اصلاح و خودسازی فردی و اجتماعی در بحث انتظار؛^۳

۱. همان، ص ۱۷.

۲. همان، ص ۸۷.

۳. مکارم شیرازی، ص ۱۰۵ و زروندی و همکاران، تحلیلی دینی بر فرهنگ انتظار، ص ۸۷ و نعمانی الغیبه، ص ۱۸۴ و ۲۰۰ و

۲۵۱ و ۲۵۵ و ۳۰۶؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۴۱ و ۶۴۵.

۴. گسترش نظارت عمومی و فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر برای هدایت انسان‌ها در همه

ابعاد.^۱

۵. ایجاد بسترهای لازم برای تحقق حاکمیت امام؛^۲

۶. جهت‌دهی و توسعه باورهای فرهنگی جامعه؛^۳

۷. خواستار تحول جامعه بشری؛^۴

۸. کاربرد مبانی علم اخلاق با رویکرد اخلاق زمینه‌ساز در جامعه؛^۵

۹. تفهیم لزوم و ضرورت تأسیس و حفظ حکومت اسلامی و دینی در جامعه؛^۶

۱۰. مطرح کردن و تشریح مباحث ولایت فقیه؛^۷

۱۱. ایجاد و تحکیم وحدت بین جوامع مختلف با هدف یکسان؛^۸

۱۲. جهت‌گیری تمام فعالیت‌ها به سمت آماده‌سازی زمینه‌های ظهور؛^۹

۱۳. تقویت فرهنگ سبک زندگی زمینه‌ساز؛^{۱۰}

۱۴. جهان‌شمولی بودن نظام تربیتی و اخلاقی زمینه‌ساز؛^{۱۱}

۱۵. تأثیر فرهنگ و جامعه بر اساس ارتباط دیالکتیکی؛^{۱۲}

۱. همان.

۲. آیتی، مفهوم‌شناسی اصطلاح جامعه زمینه‌ساز، ص ۵۳.

۳. همان.

۴. هرسیچ، راه‌های زمینه‌ساز جامعه برای انتظار مهدی عجله الله تعالی فرجه، ص ۱۶.

۵. گودرزی، مؤلفه‌های راهبردی اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز، ص ۸۹.

۶. همان، ص ۱۹.

۷. همان.

۸. همان، ص ۱۱.

۹. ملکی راد، زمینه‌سازی و آمادگی برای ظهور، ص ۷.

۱۰. همان، ص ۹۱.

۱۱. همان، ص ۱۰۰.

۱۲. بیچرانلو، توسعه عدالت زبانی، راهبرد رسانه برای ایجاد جامعه زمینه‌ساز، ص ۳۰.

۱۶. گسترش عدالت زبانی در جامعه از سوی رسانه‌ها با رویکرد قرآنی؛^۱

۱۷. حاکم بودن رویکرد دینی بر نظام آموزشی؛^۲

۱۸. ایجاد اتاق فکر فرهنگی و مدیریت کلان در عرصه فرهنگ؛^۳

۱۹. ایجاد روح امید و پیشرفت در جامعه؛^۴

۲۰. تنظیم مناسبات دینی با نیازهای اجتماعی با رویکرد مهندسی فرهنگی؛^۵

۲۱. ترمیم فرهنگ موجود براساس فرهنگ مطلوب (مهدویت)؛^۶

چنانکه مشخص شده است، همه ویژگی‌های تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، در تبیین مفهومی آن دخالت دارند. این ویژگی‌ها به صورت انفرادی، سبب تمایز نیست؛ بلکه من حیث المجموع باید در تشکیلات لحاظ شود تا قوام مفهومی آن و نیز دست‌یابی به اهداف میسر شود.

۱. همان، ص ۴۴ و ۴۵.

۲. زروندی و دیگران، تحلیلی دینی بر فرهنگ انتظار در جامعه زمینه‌ساز ظهور، مجله مشرق موعود، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۴، ص ۹۷.

۳. حسین هرسیچ، «راه کارهای زمینه‌ساز جامعه برای انتظار مهدی (عج)»، نشریه مهندسی فرهنگی، سال ششم، شماره ۵۹ و ۶۰، آذر و دی ۱۳۹۰، ص ۱۳-۱۶.

۴. همان، ص ۱۵.

۵. همان.

۶. همان.

نتیجه‌گیری

مسئله اصلی در این مقاله، تبیین مفهوم تشکیلات جامعه زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه است. واژه تشکیلات جزو واژگان کلیدی است که در دوره معاصر وارد ادبیات سیاسی و اجتماعی کشور شده است. منظور از تشکیلات، یک گروه و مجموعه انسانی است و معمولاً در عرف همین معنا از تشکیلات برداشت می‌شود. نزدیک‌ترین واژه به تشکیلات، واژه «سازمان» است. تعریف سازمان و تشکیلات به طور تقریبی یکسان است و آنچه درباره سازمان و مؤلفه‌های آن گفته شده، عیناً درباره تشکیلات می‌توان به کار برد. تعریف تشکیلات بر اساس تعاریف به دست آمده از سازمان، عبارت است از مجموعه افرادی که در ساختار آگاهانه و مشخصی از همکاری کارآمد برای تحقق اهداف معین همراه با فعالیت خاصی هستند.

در تعریف زمینه‌سازی باید گفت: زمینه‌سازی آماده کردن خود و جامعه و فراهم ساختن لوازم، عوامل و شرایط یک خیزش عمومی و جهانی و حرکت به سمت تشکیل جامعه فاضله اسلامی به رهبری مصلح کل و منجی موعود، حضرت مهدی عجل الله فرجه می‌باشد که مستلزم کار سیاسی قوی و فراگیر است و انقلاب اسلامی ایران، می‌تواند طلعه مبارکی برای این امر باشد. در مفهوم زمینه‌سازی، دو مؤلفه اهتمام به وظایف و تکالیف و ایجاد همه اسباب و بسترهای ظهور نهفته است. اهتمام به وظیفه و بسترسازی، باعث تحول و آماده‌سازی جامعه خواهد شد و به خروج از دوران غیبت و وصول به دوران ظهور خواهد انجامید.

جامعه زمینه‌ساز به جامعه‌ای گویند که بسترهای حاکمیت و بسط ید معصوم را فراهم کرده باشد. بسط ید معصوم و تحقق حاکمیت جهانی، مستلزم وجود جامعه‌ای است که زمینه‌سازی ظهور به عنوان محور اهداف و فعالیت‌ها در آن نهادینه شده باشد.

در باب ضرورت جامعه زمینه‌ساز، دو برداشت هست. این دو برداشت را به این صورت می‌توان بیان کرد که دو نگرش به زمینه‌سازی فردی و اجتماعی وجود دارد؛ در نگرش اول، زمینه‌سازی ضرورت

دارد و از طریق ایجاد مقدمات در فرد و جامعه تحقق می‌یابد. در نگرش دوم، زمینه‌سازی ضرورت ندارد؛ چون به صورت ناگهانی، به امر و امداد غیبی خداوند و بدون نیاز به علل اجتماعی شکل می‌گیرد.

نگرش ضرورت داشتن زمینه‌سازی، امروزه اجماع عام دارد و عموم متفکرین شیعی معاصر به این نگرش باور دارند. مبنا در این نگرش، قاعده‌ی علیت است و همچنین باور به سنت‌های آفرینش و قوانین حاکم بر عالم ماده که بر اساس آن تحقق همه افعال و پدیده‌ها بدون فراهم کردن بستر و علت آن ممکن نیست و چون ظهور امام عصر عجله‌الله تعالی فرجه‌ه جزو پدیده‌های انسانی و اجتماعی است بی‌نیاز از مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی نیست و نخواهد بود.

تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، تمام فعالیت‌های خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که در راستای امام‌محوری و در راستای بسط ید معصوم باشد. فعالیت‌های دینی متعدد، همین طور فعالیت‌های تشکیلاتی متعدد می‌توان انجام داد؛ ولی در تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، فعالیت‌هایی تعریف می‌شوند که نسبت به فعلیت ظهور، حالت بالقوه داشته باشند و مستقیماً بتوانند در تحقق ظهور تأثیر بگذارند.

در مدل تشکیلاتی دولت کریمه، همه اعضا و اجزا، همبستگی دارند و فعالیت‌ها تعریف شده است؛ لذا تشکیلات زمینه‌ساز که در تلاش است تا به تشکیلات دولت کریمه جهانی بپیوندد، باید هماهنگی هدف‌گرا و همبستگی ایمانی و عملی بین اعضای آن وجود داشته باشد.

یکی از الزامات تحقق هماهنگی در تشکیلات، وجود تنوع ظرفیت‌ها و شایستگی‌ها است که برای یکدیگر نقش تکمیلی و اصلاح‌گرانه دارند و همگی در راستای اهداف واحد می‌کوشند و بدین ترتیب جلوه تحقق وحدت در کثرت هستند.

تشکیلات زمینه‌ساز، با سایر تشکیلات دینی از این جهت تفاوت دارد که هدف محوری آن، تحقق ظهور است. تشکیلات مسجد یا هیأت مذهبی یا گروه‌های جهادی، ماهیت دینی دارند و فعالیت آنان می‌تواند به عنوان ساز و کار تحقق ظهور تأثیر داشته باشد؛ ولی ساختار، اهداف و ماهیت فعالیت اعضا در راستای تحقق ظهور نیست. تشکیلات زمینه‌ساز، به عنوان نمونه ماهیت جهانی دارد، و در

شعاع بین الملل و فراتر از جغرافیا، قوم و نژاد و مذهب فعالیت می‌کند؛ لکن همه تشکیلات دینی دارای چنین خصلتی نیستند.

تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، یک نوع سازمان به معنی جامعه شناختی آن است که ساختار، نسبت اعضا، نوع فعالیت و اهداف آن را زمینه‌سازی ظهور به عنوان تکلیف دینی و نیز ضرورت شیعه‌گری تعیین می‌کند. وجود فواید و ویژگی‌های تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، سبب تمایز مفهومی آن نسبت به سایر مدل‌ها است. فواید و ویژگی‌های تشکیلات که امور فردی را به امور جمعی تبدیل می‌کنند، آن‌گاه که در حوزه عمل تحقق می‌یابد، به طور مستقیم در تحقق ظهور نقش دارد و جامعه عصر غیبت را به جامعه عصر ظهور پیوند می‌زند. تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، در حقیقت رابط و واسطه میان عصر غیبت و ظهور است و عامل اساسی در برون‌رفت شیعیان از وضع غیبت و ایجاد فرج جهانی می‌باشد.

منابع

۱. آقاپیروز، علی و دیگران، *مدیریت در اسلام*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۴.
 ۲. اصفهانی، راغب، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن یا تفسیر لغوی و ادبی قرآن*، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴.
 ۳. بستانی، فواد افرام، *المنجد*، تحقیق احمد سیاح، اسلامی، تهران، ۱۳۷۲.
 ۴. پور سیدآقایی، مسعود و دیگران، *درسنامه تاریخ عصر غیبت*، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۷.
 ۵. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، ۴۳ جلد، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
 ۶. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمة*، ترجمه منصور پهلوان، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۸.
 ۷. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة*، مترجم مجتبی عزیزی، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۷.
 ۸. کوئن، بروس، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، سمت، تهران، ۱۳۸۸.
 ۹. مکارم شیرازی، ناصر، *حکومت جهانی مهدی*، نسل جوان، قم، ۱۳۸۰.
 ۱۰. ملکی راد، محمود، *خانواده و زمینه‌سازی ظهور*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۵.
 ۱۱. موسوی خمینی، روح الله، *صحیفه نور*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
 ۱۲. نبوی، محمدحسن، *مدیریت اسلامی*، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۳.
- ### کتاب عربی
۱۳. ابن حیون، تعمان بن محمد، *شرح الاخبار*، النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۹ق.
 ۱۴. ابن ماجه، محمد بن یزید، *السنن*، دار إحياء الكتب العربية، بی تا، بی جا.
 ۱۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دارصادر، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ق.

۱۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم (ابن ابی زینب)، الغیبه، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.

مقالات و مجلات

۱۷. آصف‌آگاه، محمدرضی، بررسی شاخص‌های جامعه زمینه‌ساز ظهور با تأکید بر روایات نصرت، فصل‌نامه انتظار موعود، شماره ۳۹، زمستان ۱۳۹۱.

۱۸. آصفی، محمدمهدی و متقی، تقی، انتظار پویا (۲)، مجله انتظار، شماره ۷، ۱۳۸۲.

۱۹. آیتی، نصرت‌الله، مفهوم‌شناسی اصطلاح جامعه زمینه‌ساز، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۰.

۲۰. آیتی، نصرت‌الله، مهدی‌یاوران، فصل‌نامه انتظار موعود، شماره ۳، بهار ۱۳۸۱.

۲۱. بیچرانلو، عبدالله، توسعه عدالت زبانی؛ راهبرد رسانه برای ایجاد جامعه زمینه‌ساز، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۰.

۲۲. پورسیدآقایی، زمینه‌سازی ظهور، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۸.

۲۳. جوان آراسته، حسین، امت و ملت نگاهی دوباره، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۶، ۱۳۷۹.

۲۴. شفیعی، عباس، رویکرد دینی به سازماندهی، فصل‌نامه حوزه و دانشگاه علوم انسانی-اجتماعی، علمی تخصصی، شماره ۳۷، ۱۳۸۲.

۲۵. صمدی، قنبرعلی، بایسته‌های ظهور، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۵، ۱۳۸۷.

۲۶. گودرزی، غلامرضا، مؤلفه‌های راهبردی اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۹۳.

۲۷. هرسیچ، حسین، راه‌کارهای زمینه‌ساز جامعه برای انتظار مهدی، نشریه مهندسی فرهنگی، سال ششم، شماره ۵۹ و ۶۰، آذر و دی ۱۳۹۰.

پایان نامه

۲۸. ثقفی، محمدرضا، الگوی مطلوب جامعه منتظر و زمینه‌ساز از دیدگاه مقام معظم رهبری، قم، مرکز تخصصی مهدویت، کد ۳۳۷.
۲۹. درویشی، امید، بررسی جهانی شدن و زمینه‌های مثبت و منفی آن در شکل‌گیری انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، قم، مرکز تخصصی مهدویت، کد ۳۲۰.
۳۰. نعمتی، خلیل، تحلیل و بررسی مسئله لزوم یا عدم لزوم زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه، قم، مرکز تخصصی مهدویت، کد ۳.

تکنیک شناسی رسانه‌ای سینمای هالیوود در راستای ایجاد حس نیاز و اضطراب به منجی

مسعود زائری^۱

چکیده

رسانه‌های صوتی تصویری دنیای غرب، به‌ویژه هالیوود از حدود سی سال پیش تمایل وافری برای پرداختن به موضوعات آخرالزمانی و منجی‌گرایانه پیدا کرده‌اند. در این بین، یکی از موضوعاتی که با پرداختن به آن، موفقیت قابل توجهی به دست آورده‌اند، ایجاد حس نیاز و اضطراب به منجی در بین مخاطبان خود می‌باشد. این رسانه‌ها در راستای ایجاد این موضوع، انواع روش‌ها و تکنیک‌ها را به‌کار می‌گیرند؛ تکنیک‌هایی که با زیرکی در لابه‌لای آثار سینمایی جای‌گذاری شده، تا بیشترین تأثیر را در مخاطب ایجاد کنند. تکنیک‌هایی از قبیل دو قطبی سازی خیر و شر، جذاب سازی منجی، باورپذیر نشان دادن منجی، قهرمان‌سازی و ... از جمله مواردی هستند که به منظور ایجاد حس نیاز به منجی، مورد استفاده قرار می‌گیرند. در نوشتار حاضر، ضمن بررسی شماری از آثار شاخص سینمای هالیوود با موضوعات آخرالزمانی، به معرفی و تبیین مختصر تعدادی از این تکنیک‌ها پرداخته خواهد شد.

کلیدواژگان: منجی، احساس نیاز، اضطراب، سینمای هالیوود، تکنیک‌های سینمایی.

^۱. دانش پژوه سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، Masodzaeri68@gmail.com

اعتقاد به منجی، از موضوعاتی است که در میان ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی مورد اتفاق می‌باشد. بحران‌ها و گرفتاری‌های طاقت‌فرسایی که باعث به خطر افتادن موجودیت بشر بوده است و انسان‌ها به خودی خود توان مقابله با آن را نداشته‌اند، مهم‌ترین علتی است که باعث شکل‌گیری اندیشه منجی در ادیان شده است.^۱ مسلمانان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه، مسیحیان حضرت عیسی، زردتشتیان سوشیانت، و یهودیان، شخصی با عنوان ماشیح را منجی خود می‌دانند و به انتظارش نشسته‌اند. عدالت‌محوری، ظلم‌ستیزی، و نجات‌بخشی از کارکردهای مشترک منجی در تمام ادیان است.

کارکردهای اشاره شده، از اموری است که هر انسانی به لحاظ فطری به سمت آن‌ها گرایش دارد. به بیان دیگر، تلازم میان ظهور منجی، با شاخصه‌هایی مانند گسترش عدالت، ظلم‌ستیزی و... موجب شده است، انسان‌ها با هر آیین و مذهبی همواره به ظهور منجی خود علاقه‌مند باشند. بدیهی است میزان این اشتیاق و علاقه در هر انسانی نسبت به دیگری متفاوت است، تا جایی که ممکن است انتظار منجی برای فردی صرفاً یک مفهوم ذهنی باشد، و تأثیرات آن هیچ‌گاه به حوزه عمل و رفتار او کشیده نشود؛ اما از طرف دیگر می‌تواند برای انسانی زیربنای تمام زندگی او - چه در عرصه‌های اعتقادی - باشد.

بدیهی است میزان علاقه و اشتیاق به ظهور منجی، معلول علت‌های مختلف و گوناگونی است. در این بین، یکی از عواملی که در ایجاد این علاقه و اشتیاق، نقش بسزایی ایفا می‌کند، رسانه‌ها و القاءات آن‌ها می‌باشد. رسانه‌ها از تأثیرگذارترین ابزارهای دنیای امروز هستند؛ آن‌ها علاوه بر کارکردی که دارند و طی آن، مستقیم بر روی افراد تأثیر می‌گذارند، می‌توانند بر فرهنگ، هنجارها، ملاک‌ها و شاخصه‌هایی که مخاطب اصول رفتاری خود را بر طبق آن‌ها پایه‌ریزی می‌کند، نیز اثرگذار باشند.^۲

۱. شاکری، منجی در ادیان، ص ۱۶.

۲. میرزایی، مدل‌های ارتباطات جمعی، ص ۲۳.

این رسانه‌ها با ورود به مقوله‌های مرتبط با موضوع منجی، می‌توانند از جنبه‌های سلبی و ایجابی، تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر حوزه اندیشه و عمل مخاطب بگذارند؛ تا جایی که از یک سو می‌توانند شوق و علاقه به ظهور منجی را برای مخاطب خود به حداقل برسانند، و از سوی دیگر می‌توانند چنان علاقه‌ای ایجاد کنند که نسبت به ظهور او حسّ بی‌قراری و اضطراب پیدا کنند.

در میان انواع رسانه‌ها، رسانه‌های صوتی تصویری در قالب‌های فیلم و سریال، مهم‌ترین و مؤثرترین آن‌ها در ایجاد حسّ علاقه و اشتیاق به ظهور منجی می‌باشند. رسانه‌های دنیای غرب، به‌ویژه از سال ۱۹۹۰م به شکل ملموس و غیر قابل انکاری به تهیه آثاری با محتوای مسئله منجی و رویدادهای آخرالزمانی روی آوردند؛ به گونه‌ای که طبق آمار، در دهه ۹۰ میلادی، حدود ۶۰ درصد فیلم‌های پرفروش هالیوود رگه‌های آخرالزمانی و منجی‌گرایانه داشته‌اند.^۱ آمار جالب توجه دیگر اینکه مابین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ به تنهایی حدود ۴۲۴ فیلم آخرالزمانی در هالیوود به تولید رسیده است.^۲

دنیای رسانه‌ای هالیوود با توجه به سیاست‌گذاری‌های سردمدارانش، با تمرکز بر روی موضوع منجی، سعی کرده است تا در میان مخاطبان خود، حسّ نیاز و اضطراب به منجی را تقویت کند. در مقاله حاضر سعی شده است با بررسی تعداد محدودی از آثار سینمای هالیوود، به کشف، معرفی، و تبیین تکنیک‌های ایجاد حسّ اضطراب به منجی در آن‌ها پرداخته شود.

تذکر این نکته ضروری است که در تحقیقات علمی لازم است بین شخصیت قهرمان، و منجی آخرالزمانی تفکیک قائل شویم. اساساً تفاوت‌های مشخصی میان منجی آخرالزمانی و شخصیت قهرمان وجود دارد. عدم شناخت این شاخصه‌ها باعث اشتباه در تشخیص مصادیق خواهد شد؛ به عبارت دقیق‌تر، رابطه بین این دو مفهوم، عموم و خصوص مطلق است؛ به صورتی که هر منجی آخرالزمانی، قطعاً یک قهرمان نیز هست؛ ولی هر قهرمانی لزوماً منجی آخرالزمانی نخواهد بود. منجی

۱. مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، جریان‌شناسی روند تصویرسازی از وقایع آخرالزمان در غرب و راهبرد رسانه ملی در مواجهه با آن، ص ۱۱.

۲. رسولی، شبرنگ، تیموری، بازنامه‌ی آخرالزمان در فیلم مردان ایکس؛ اپوکالیپس، ص ۱۲۲.

آخرازمانی در فیلم‌هایی تعریف می‌شود که در آن کل جهان به وسیله اتفاقی نابود شده و یا در معرض نابودی قرار گرفته است.^۱

مشخص است که مراد از منجی در مقاله پیش رو، منجی آخرازمانی است و نه قهرمان؛ لذا در بررسی فیلم‌ها، به منظور کشف تکنیک‌های ایجاد حس اضطراب نیز باید فیلم‌های منجی محور را ملاک قرار دهیم؛ اما به دلیل یکسان بودن ملاک و مناط، در بعض موارد فیلم‌های قهرمان محور نیز بررسی شده‌اند. با مشخص شدن مطالب فوق، سؤال این است که این رسانه‌ها اولاً به چه دلیلی، و ثانیاً با کمک کدام تکنیک‌ها به تقویت حس نیاز و اضطراب به منجی در مخاطب اقدام می‌کنند.

علت یابی ایجاد احساس نیاز به منجی

صنعت سینما یکی از تولیدات تکنولوژیک دنیای غرب است که نمی‌توان آن را جدای از تفکر و تمدن غرب معنا کرد.^۲ تسلط نهادها و اشخاص یهودی تبار و یا وابسته به منافع یهود، حقیقت غیر قابل انکاری است که نمی‌توان از تأثیر آن بر جریان رسانه‌ای غرب چشم‌پوشی کرد؛ برای نمونه، مهم‌ترین کارگردانان و تولیدکنندگان هالیوود، افرادی مانند جک وارنر،^۳ استیون اسپیلبرگ،^۴ وودی آلن،^۵ رابرت مرداک،^۶ برایان سینگر^۷ و... همگی یهودی بوده‌اند.^۸ نیل گابلر در کتاب خود می‌نویسد: «لشکری از

۱. فیلم‌هایی مانند children of men و یا Babylon a.d از این قسم محصولات هستند؛ اما فیلم‌هایی مانند batman یا spider man از محصولات هستند که شاخصه نابودی کل جهان را ندارد؛ به همین دلیل شخصیت اصلی در این فیلم‌ها منجی آخرازمانی نیستند؛ بلکه نوعی قهرمان هستند.

۲. خندقی، آخرازمان و آینده‌گرایی سینمایی، ۷۰.

۳. Jack Warner.

۴. Steven Spielberg.

۵. Woody Allen.

۶. Rupert Murdoch.

۷. Bryan Singer.

۸. <http://www.answers.com/topic/list-of-jewish-american-entertainers> (last accessed: 2021-1-19).

نویسندگان یهودی و اغلب شرقی، به هالیوود هجوم آوردند. قدرتمندترین مؤسّسات استعدادیابی را یهودیان اداره می‌کردند. بیشتر امور این صنعت را وکلای یهودی سر و سامان می‌دادند، مهم‌تر از همه اینکه فیلم‌ها را یهودیان می‌ساختند»^۱.

دنیای رسانه‌ای هالیوود با روش‌های مختلف از جمله فیلم‌سازی، با تمام توان خود درصدد نشر و گسترش افکار و ایدئولوژی‌های قوم یهود، در سرتاسر عالم می‌باشد.^۲ بر همین اساس، بدیهی است ریشه بسیاری از موضوعات مطرح شده در آثار تولیدی هالیوود را باید در عقاید این قوم جست‌وجو کرد.

گزارش‌های تاریخی موجود در تورات و تلمود و همچنین تاریخ معاصر یهودیان عمدتاً گذشته‌ای سیاه و سخت را برای این قوم به تصویر کشیده است؛ گذشته‌ای که در بیشتر برهه‌های زمانی، سرشار از حقارت‌ها و رنج‌ها بوده است. وجود چنین گذشته‌ای باعث شده است آن‌ها روزگار خویش را همواره به امید آینده‌ای روشن و درخشان سپری کنند.^۳ آن‌ها نسل در نسل، نوید آمدن منجی را در بین خود زنده نگاه داشته‌اند؛ به گونه‌ای که انتظار برای آمدن منجی به یکی از اصلی‌ترین ایدئولوژی‌های این قوم تبدیل شده است.

در منابع شیعی نیز روایاتی وجود دارد که بیانگر اشتیاق و انتظار این قوم برای آمدن منجی می‌باشد. مرحوم صدوق در کتاب شریف کمال الدین روایاتی با مضامینی مانند گزارش دادن حضرت یوسف علیه السلام از آینده سخت این قوم و بشارت آمدن منجی،^۴ دل‌تنگی آن‌ها برای آمدن منجی و آرامش یافتن از ذکر اوصاف او^۵ و ... نقل می‌کند. مجموع این گزاره‌ها موید این حقیقت است که اندیشه منجی‌گرایانه و

۱. شوشتري زاده، امپراطوري هاليوود، مروري بر زندگي خالقان يهودي سينما، ص ۱۹.

۲. علوي طباطبائي، هاليوود و فرجام جهان، ص ۴.

۳. طاهري آكردي، يهوديت، ص ۲۰۹.

۴. ابن بابويه، كمال الدين، ج ۱، ص ۱۴۷.

۵. همان، ص ۱۴۴.

اشتیاق به ظهور او، از مؤلفه‌های اساسی آیین یهود می‌باشد.

بر این اساس می‌توان علت اصلی یا حداقل یکی از مهم‌ترین عوامل تمرکز هالیوود بر ایجاد حس نیاز و اضطراب به منجی را بر مبنای همین ایدئولوژی تبیین کرد. موید مدّعی فوق این است که در بسیاری از فیلم‌ها، منجی -یا قهرمان- معرفی شده، غالباً شخصی یهودی تبار یا دارای گرایش‌های یهودی و در خدمت قوم یهود می‌باشد. نمونه بارز این مطلب را می‌توان در تلاش منجی فیلم ماتریکس برای رهایی و نجات سرزمین زایان یا صهیون مشاهده کرد.^۱

اکنون و پس از آنکه به شکل مختصر، اهداف و انگیزه‌های سینمای هالیوود، در راستای ایجاد و تقویت حس نیاز و اضطراب به منجی تبیین شد، می‌توان به کشف و تحلیل تکنیک‌های استفاده شده در این راستا پرداخت.

تکنیک‌های ایجاد حس نیاز به منجی

روش این نوشتار در معرفی تکنیک‌های ایجاد حس نیاز به منجی، تحلیل تعدادی از آثار سینمای هالیوود و یافتن این تکنیک‌ها در خلال آن‌ها است. مشاهده و تحلیل این فیلم‌ها، ما را به کشف سه تکنیک اصلی رهنمون می‌سازد که در ذیل، به معرفی و مصداق‌شناسی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

تکنیک دوقطبی سازی خیر و شر

مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ترفندی که از طرف ایده‌پردازان سینمای هالیوود برای ایجاد احساس نیاز و عطش شدید به منجی طراحی شده، ایجاد دو قطبی خیر و شر است. فرهنگ آمریکایی می‌کوشد شخصیت‌های خود را به خیر و شر مطلق تبدیل کند.^۲ شاخصه کلیدی این دو قطبی‌ها، قدرت فوق العاده جانب شرّ می‌باشد؛ قدرتی که هیچ نیروی بازدارنده‌ای در مقابل آن، متصوّر نیست. وجود چنین

۱. فرج نژاد، اسطوره‌های صهیونیستی در سینما، ص ۹۷.

۲. یزدیان، رویکردهایی به سواد رسانه، ص ۲۲۹.

قدرتی در فیلم‌ها باعث می‌شود همه انسان‌ها تسلیم او شوند و شکست را قبول کنند. پس از ترسیم چنین فضایی، بهترین موقعیت برای ظهور منجی نجات‌بخش به وجود خواهد آمد.

فیلم‌هایی در القای حس نیاز به منجی موفق‌تر عمل خواهند کرد که قدرتمندی جانب شر، و یأس مردم از مقابله با آن را بهتر به تصویر درآورند. مخاطب سینمای هالیوود با دیدن این فیلم‌ها نهایتاً در درون خود احساس می‌کند در دنیای کنونی برای رهایی از شروری که وجود دارد، انسان‌های عادی قدرتی نخواهند داشت؛ بلکه تنها وجود یک منجی با شاخصه‌های مشخص، می‌تواند راه‌گشا باشد. این فیلم‌ها در استفاده از تکنیک فوق، خود را محصور در نوع خاصی از شرور نکرده‌اند؛ بلکه در فیلم‌های مختلف، انواع متفاوت شرور - اعم از ضد قهرمان‌ها، حوادث طبیعی، روبات‌ها، هوش مصنوعی، جنگ‌های اتمی، سحر و جادو، و ... - را به تصویر کشیده‌اند که در ادامه دو نمونه از آن‌ها ذکر خواهد شد.

نوع اول: شرارت‌های انسانی یا ضد قهرمان‌ها

در این نوع آثار، جنبه منفی و شرّ فیلم، موجودات انسانی یا غیرانسانی^۱ هستند که به انگیزه‌های مختلفی مانند منفعت‌طلبی و زیاده‌خواهی، دست به اقدامات ویرانگر و نابودکننده می‌زنند؛ به گونه‌ای که حتی بشریت را تا مرز نابودی پیش می‌برند. ضد قهرمان‌ها در این فیلم‌ها گاهی در فضای آخرالزمانی و پسا آخرالزمانی، و در مواردی هم در بستر جامعه کنونی تعریف شده‌اند. مهم‌ترین کارکرد این ضد قهرمان‌ها، قدرت‌نمایی حد بیشتری و ایجاد حس یأس و ناامیدی از غلبه بر آن‌ها است. آثاری که در ذیل بیان می‌شود، نمونه‌های بارز این دسته از فیلم‌ها هستند.

۱. مردان ایکس - آخرالزمان (X-Men: Apocalypse): این فیلم محصول سال ۲۰۱۶ میلادی، از سری فیلم‌های مردان ایکس، جزء آثار کلیدی و پرفروش سینمای هالیوود می‌باشد که بر اساس آمار

^۱ . مانند ربات‌ها، موجودات فضایی، انسان‌های جهش‌یافته و ...

توانسته است به فروش نزدیک ۵۴۴ میلیون دلار برسد.^۱ کارگردانی فیلم را برایان سینگر یهودی بر عهده دارد که او نیز از مهم‌ترین و موفق‌ترین کارگردانان سینمای هالیوود است.

برایان سینگر در این فیلم کوشیده است با به تصویر کشیدن ضد قهرمانی به نام APOCALYPSE، قدرت دیوانه‌واری به او عطا کند؛ به گونه‌ای که به راحتی قادر خواهد بود مردم جهان را نابود کند؛ قدرتی که یک نمونه از آن، تصاحب تمام سلاح‌های هسته‌ای جهان می‌باشد.^۲ بدیهی است شخصی که کنترل تمام سلاح‌های هسته‌ای کره زمین در دست او باشد، صاحب قدرتی خواهد بود که کمتر فرد یا افرادی به فکر مقابله با او خواهند افتاد، و همه انسان‌ها تسلیم او خواهند شد. در این بین، فقط ظهور یک منجی می‌تواند نجات‌بخش حیات انسانی باشد.

۲. بابل پس از میلاد (Babylon a.d): این فیلم محصول سال ۲۰۰۸ فرانسه است. فیلم مذکور در نظرسنجی‌های معتبر^۳ نتوانسته است امتیاز بالایی کسب کند؛ اما به دلیل پرداخت مستقیم به مسئله منجی، می‌تواند حائز اهمیت باشد. در این فیلم که بستر آن در یک فضای پسا آخرالزمانی ترسیم شده است، شخصی به نام تروپ مأمور می‌شود تا دختری - که در طول فیلم مشخص می‌شود مادر منجی بشریت است - را از صومعه‌ای در قزاقستان به نیویورک منتقل کند. تکنیک دو قطبی سازی خیر و شر در این فیلم به خوبی به اجرا درآمده است. سیاهی و پلیدی آن‌چنان در فضای فیلم گسترده است که در تمام مسیر قزاقستان تا نیویورک، نیروهای جانب شر حضور فعال دارند. به دلیل قدرتمندی و کثرت نیروهای دشمن، بارها در طول فیلم احساس می‌شود، مأموریت انتقال با شکست روبه‌رو خواهد شد. در تک‌تک این صحنه‌ها و رویدادها، مخاطب می‌داند که امیدى جز تروپ وجود ندارد و باید منتظر عکس‌العملی از جانب تروپ^۴ باشد تا به نوعی موجب حفظ جان آن دختر شود.

^۱. <https://www.boxofficemojo.com/release/r11417315841> (last accessed: 2021-1-19).

^۲. <https://www.cbr.com/villains-tried-end-world-ranked> (last accessed: 2021-1-19).

^۳. https://www.imdb.com/title/tt0364970/?ref_=fn_al_tt_1 (last accessed: 2021-1-19).

^۴. در این فیلم، تروپ، منجی نهایی معرفی نشده است؛ ولی مهم‌ترین نقش در حفظ جان مادر منجی را دارد و به همین دلیل می‌توانیم خود او را نیز به نوعی منجی بدانیم.

نوع دوم : شروری از جنس حوادث طبیعی

در این نوع فیلم‌ها، شروری به تصویر کشیده می‌شود که منشأ آن‌ها طبیعت است؛ حوادثی از قبیل سیل، زلزله، ویروس‌ها، گودزیلا، طوفان، و... . تمایز این قسم از شرور، در مقایسه با شرور دسته قبل (ضد قهرمان‌ها)، در نوع قدرتمندی آن‌ها است. در حقیقت در شرور قسم قبل، کارگردان باید با انواع ترفندها و سناریوها، به قدرتمندسازی ضد قهرمان‌ها می‌پرداخت؛ اما در شروری که از جنس حوادث طبیعی هستند، قدرتمندی در ذات آن‌ها نهفته است و نیاز به اقدام دیگری، غیر از به تصویر کشیدن آن‌ها نیست. فیلم **جنگ جهانی زد (word war z)** از نمونه‌های بارز این دسته از فیلم‌ها می‌باشد.

فیلم مذکور، محصول سال ۲۰۱۳ و یکی از موفق‌ترین فیلم‌های آخرالزمانی می‌باشد. داستان فیلم بدین شرح است که نوعی ویروس در مقیاس جهانی در حال انتشار است که انسان‌ها را از حالت طبیعی خارج، و آن‌ها را به موجودات خون‌آشام (زامبی) تبدیل می‌کند. سرعت انتشار ویروس به حدی زیاد است که در مدت کوتاهی تمام نقاط کره زمین را درگیر می‌کند.^۱

نقطه قوت فیلم در استفاده از تکنیک دوقطبی سازی، نمایش قدرت تخریب فوق‌العاده و سرعت انتشار ویروس است. شخصی که با فرد آلوده در تماس باشد، تنها ۱۲ ثانیه با از دست دادن انسانیت خود فاصله دارد، و پس از آن تمام تلاش و همت او آلوده کردن دیگران خواهد شد. آلوده شدن حتی یک نفر مساوی با آلوده شدن هزاران انسان دیگر است. انسان‌های آلوده‌ای که بدون هیچ منطقی دست به هر کاری برای آلوده کردن دیگران می‌زنند؛ به گونه‌ای که در قسمتی از فیلم نشان داده می‌شود، در کسری از دقیقه، به طرز دیوانه‌واری خود را ستون یکدیگر قرار می‌دهند تا بتوانند از دیوار بلندی که در اطراف سرزمین‌های اشغالی (اسرائیل) کشیده شده است بالا روند و به داخل نفوذ کنند.

فضای رعب و وحشت در فیلم به گونه‌ای ترسیم شده است که هیچ امیدی برای سالم ماندن از این

¹ <https://m.imdb.com/title/0816711/plotsynopsis> (last accessed: 2021-1-10).

ویروس متصور نمی‌باشد، و حتی خود منجی معرفی شده در فیلم^۱ نیز از مقابله با این ویروس در مانده می‌شود. در چنین فضایی، بستر مناسب برای ظهور منجی فراهم می‌شود، و او در اثر یک اتفاق، راه حل مشکل را پیدا می‌کند. این فیلم از جنبه‌های مختلفی قابل بحث است؛ اما به دلیل اینکه تلاش این نوشتار صرفاً در راستای بررسی تکنیک‌های ایجاد حس نیاز به منجی می‌باشد، می‌توان گفت این اثر به یقین یکی از موفق‌ترین فیلم‌ها در القای حس نیاز و اضطراب به منجی است.

۲. تکنیک زیباسازی و جذاب‌نمایی

خداوند، انسان را به گونه‌ای آفریده است که سرشت و ذات او، دوست‌دار زیبایی و بیزار از زشتی می‌باشد. شهید مطهری در این مورد چنین می‌فرماید: «در انسان، گرایشی به جمال و زیبایی - چه به معنی زیبایی دوستی و چه به معنی زیبایی آفرینی که نامش هنر است - به معنای مطلق وجود دارد. این هم خود یک گرایش است در انسان و هیچ کس نیست که از این حس فارغ و خالی باشد».^۲ برای زیبایی و زشتی تعریف‌های بسیاری صورت گرفته است،^۳ و حتی عده‌ای مانند شهید مطهری قائلند این دو مفهوم، قابل تعریف نیست؛ لکن هر انسانی در درون خود می‌تواند زیبایی و زشتی را درک کند.

صاحبان رسانه با استفاده از این ویژگی انسانی سعی می‌کنند امر مطلوب خود را با ترفندهای مختلف برای مخاطب، زیبا جلوه دهند و او را شیفته و مجذوب کنند. تمرکز اصلی آن‌ها در اجرای این تکنیک، هدف قرار دادن قوای احساسی و عاطفی انسان‌ها می‌باشد. بدیهی است انسانی که شیفته و مجذوب پدیده‌ای شد، تمام تلاش خود را برای رسیدن به آن صرف خواهد کرد.

کارگردانان سینمای هالیوود در راستای ایجاد حس نیاز به منجی، به صورت متعدد از این تکنیک بهره برده‌اند. آنان بدین منظور، کاراکتر منجی را با ترفندهای مختلف به صورتی زیبا و جذاب در معرض نمایش قرار می‌دهند. مخاطب نیز با دیدن زیبایی‌های منجی، مجذوب و شیفته وی خواهد شد؛ به

۱. جری لین که مأمور سازمان ملل است.

۲. مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۳، ص ۴۹۷.

۳. برای نمونه ر.ک: لذات فلسفه، ص ۲۱۸ و ۲۱۹.

گونه‌ای که بدون وجود او، همواره احساس کمبود و خلأ خواهد کرد.

شاهد بر صحت و درستی ادعای فوق‌گسترش نمادها، عروسک‌ها و مجسمه‌های ابرقهرمان‌های هالیوودی در میان مردم است. گرایش جامعه به شخصیت‌هایی مانند مرد عنکبوتی، بت‌من و... باعث شده علاقه و اشتیاق به آن‌ها محصور در فضاها و تخیلی فیلم‌ها باقی نماند و به زندگی واقعی نیز کشیده شود. به گزارش سایت هالیوود ریپورتر فقط در سال ۲۰۱۳ مجموع فروش عروسک‌ها و ملزومات مرتبط با کاراکتر مرد عنکبوتی به رقمی بالغ بر ۱/۳ میلیارد دلار رسیده است.^۱ این اتفاق به کشورهای اروپایی و آمریکایی محدود نمی‌شود؛ بلکه در کل جهان و حتی ایران اسلامی نیز شاهد گرایش جوانان و نوجوانان به نمادها و المان‌های این ابرقهرمان‌ها هستیم.

شایان ذکر است برای استفاده از این تکنیک در قرآن کریم و روایات اسلامی نیز شواهد مختلفی می‌توان ارائه کرد؛ برای مثال در سوره الرحمن، خداوند بهشت و نعمت‌های آن را به گونه‌ای زیبا توصیف می‌کند که هر شنونده‌ای با خواندن این آیات، زیبایی محیرالعقولش را درک، و در خود میل رسیدن آن را پیدا می‌کند. همچنین در روایاتی که در توصیف دوران ظهور آمده، شاهد آن هستیم که به جذابیت‌های بی‌نظیر آن دوران اشاره شده است، و مخاطب با خواندن این اوصاف، به دوران ظهور میل و رغبت پیدا خواهد کرد؛ برای نمونه، امام صادق علیه السلام در حدیثی بیان می‌فرماید:

قائم ما وقتی قیام کند، زمین به نور پروردگار روشن خواهد شد و بندگان از نور خورشید بی‌نیاز خواهند گشت، ظلمت از بین می‌رود، عمرها به اندازه‌ای طولانی می‌شود که خداوند، هزار پسر به او مرحمت می‌کند، خزائن زمین بیرون آمده و در مقابل چشم مردم قرار می‌گیرد، مردم به دنبال کسی

^۱. [https://www.hollywoodreporter.com/amp/news/superhero-earns-13-billion-a-748281\(last accessed:2021-1-19\)](https://www.hollywoodreporter.com/amp/news/superhero-earns-13-billion-a-748281(last accessed:2021-1-19)).

می‌روند که از آن‌ها زکات و صدقات بپذیرد و نمی‌یابند، مردم به فضل پروردگار بی‌نیاز می‌شوند.^۱

در هر صورت حسّ زیبادوستی انسانی، به علاوه خصوصیات و شاخصه‌های خاص موضوع منجی باعث شده تا به وسیله ترکیب این دو باهم، تأثیرگذاری بر مخاطب افزایش یابد و سینماگران در القای حسّ نیاز به منجی، به مطلوب خود نائل آیند. در ادامه با ذکر مصادیقی از چند فیلم به بیان تعدادی از ترفندهای زیبانمایی و جذب سازی پرداخته خواهد شد.

زیبایی‌ها و جذابیت‌های ظاهری

همان‌گونه که بیان شد میل به زیبایی، از امیال فطری انسان است که خداوند آن را در درون انسان به ودیعه نهاده است. در این بین زیبایی‌های ظاهری که با حواس پنجگانه درک می‌شوند، ابتدایی‌ترین عاملی است که توجه انسان‌ها را به خود جلب می‌کند. سیره دائمی پیامبر ﷺ در آراستگی ظاهری و معطر بودن^۲ و همچنین تأکیدات ائمه اطهار^۳ به شیعیان، مبنی بر زیبایی و آراستگی ظاهری^۳ همگی دلالت دارد که زیبایی‌های ظاهری از مهم‌ترین عوامل در جلب نظر دیگران می‌باشد.

عوامل سازنده فیلم‌های هالیوود با توجه به این خصوصیت، سعی کرده‌اند که منجی را آراسته به عناصر جذابیت‌های ظاهری به تصویر درآورند. انسان‌هایی که فارغ از جنسیتشان، عمدتاً دارای چهره‌هایی زیبا، اندامی موزون، و لباس‌هایی خوش رنگ هستند. مخاطب این فیلم‌ها به محض دیدن این منجی - فارغ از خصوصیات اخلاقی و رفتاری او - شیفته و مجذوب او خواهد شد. منجی‌ها و ابرقهرمان‌ها در فیلم‌هایی مانند کاپیتان آمریکا، مرد عنکبوتی، بتمن، و جنگ جهانی زد، دارای بیشترین

۱. مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۲. *إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ وَ يُعَمَّرُ الرَّجُلُ فِي مُلْكِهِ حَتَّى يُولَدَ لَهُ أَلْفُ ذَكَرٍ لَا يُولَدُ فِيهِمْ أَنْثَى وَ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهَيْهَا وَ يُطَلَّبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَ يَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ اسْتَعْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.*

۲. ر. ک: الکافی، ج ۶، ص ۵۱۵، ح ۲؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۸.

۳. برای نمونه، ر. ک: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: لِيَتَزَيَّنَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ كَمَا يَتَزَيَّنُ لِلْغَرِيبِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يَرَاهُ فِي أَحْسَنِ الْهَيْئَةِ؛

هر یک از شما خود را برای برادر مسلمانش آن‌گونه بپاراید که برای بیگانه‌ای که دوست دارد وی را در بهترین شکل ببیند،

می‌آراید (الکافی، ج ۶، ص ۴۳۹، ح ۱۰).

عناصر زیبایی‌های ظاهری و بصری می‌باشند، و مخاطب را وادار به مجذوب شدن خواهند کرد.

فداکاری‌ها و ازخودگذشتگی‌ها

از دیگر مواردی که موجب جذاب‌سازی منجی برای مخاطب می‌شود، به تصویر کشیدن از خودگذشتگی‌ها و فداکاری‌های اوست. مخاطب با مشاهده اینکه منجی قرار است جان خود را در راه نجات او و دنیایش فدا کند، شیفته و مجذوب، و به تبع همواره منتظر و مشتاق آمدن چنین شخصی خواهد شد. در ذیل برای نمونه، به فیلمی اشاره می‌شود که در آن‌ها به زیبایی از این ترفند استفاده شده است.

فیلم **میان ستاره‌ای (interstellar)**: در این فیلم که روایت‌گر دوران پساآخرالزمانی است، مشاهده می‌کنیم بشر به دلیل بلایای طبیعی با مشکل تأمین آذوقه مواجه شده، و در عمل ادامه زندگی در کره زمین سخت و غیرممکن شده است. در این بین، عده‌ای از مأموران سازمان ناسا، نقشه‌ای طراحی کرده‌اند تا بتوانند سیاره قابل سکونت دیگری را شناسایی کنند. عمده‌ترین مشکلی که در این مأموریت وجود دارد، مسئله زمان است؛ به گونه‌ای که سپری شدن هر یک ساعت زمان از این مأموریت در فضا، برابر با چندین سال زمینی خواهد بود.

در این بین خلبانی به نام کوپر با علم به اینکه رفتن به این سفر موجب از دست دادن بسیاری از اولویت‌های زندگی‌اش از جمله خانواده خواهد بود، حاضر می‌شود برای نجات بشریت، رهبری و هدایت این سفر را به عهده گیرد. کارگردان فیلم با طراحی موقعیت‌های دراماتیک با زیرکی سعی کرده است از خودگذشتگی این خلبان را به شکل تأثیرگذاری به رخ مخاطب بکشانند.

صحنه‌هایی از قبیل وداع دردناک پدر و دختر نوجوانی که به دلیل فقدان مادر، تنها تکیه‌گاه زندگی وی، پدرش می‌باشد یا صحنه‌ای که پدر در سفینه فضایی در حالی که چند روزی را بیشتر پشت سر نگذاشته است، اما فیلم ارسالی از دخترش را در حالی می‌بیند که او به سن جوانی رسیده است^۱ و آه و

^۱. این اتفاق به دلیل عدم تطابق زمانی بین سیاره‌ها رخ می‌دهد.

حسرت از نهادش بلند می‌شود که نتوانسته در این دوران حسّاس کنار دخترش باشد، و یا صحنه دلخراش آخر فیلم که وقتی او از مأموریت بازمی‌گردد با بدن فرسوده و فرتوت پیرزنی در بیمارستان مواجه می‌شود که در حقیقت همان دختر اوست. همه این صحنه‌ها و فضا سازی‌ها آنچنان مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد که چاره‌ای جز علاقه‌مندی و تحسین این منجی نخواهد داشت و در دنیای خارج همواره انتظار چنین شخصی را خواهد کشید.

استفاده از این ترفند در اغلب فیلم‌هایی درباره منجی و ابرقهرمانی هالیوود مشاهده می‌شود. در سری فیلم‌های انتقام جویان و یا ارباب حلقه‌ها شاهد از خودگذشتگی دسته جمعی عده‌ای برای نجات دنیا هستیم. افرادی که زندگی معمولی و بی‌خطر خود را کنار گذاشته، جانشان را کف دست می‌گیرند و به مبارزه با شرور موجود قیام می‌کنند.

شجاعت و بی‌باکی

به تصویر کشیدن افراد شجاع و بی‌باکی که در موقعیت‌های خطرناک داوطلب حل مشکلات می‌شوند، یکی دیگر از ترفندهای جذّاب‌سازی منجی در سینمای هالیوود است. کارگردانان با طراحی سناریوهای پیچیده، سعی می‌کنند موقعیت‌های خطرناکی را خلق کنند که هیچ کس غیر از منجی حتی تصوّر ورود به آن را نیز نخواهد کرد.

نمونه مشخص استفاده از این ترفند را در فیلم ۲۰۱۲ مشاهده می‌کنیم؛ هنگامی که به علت خرابی چرخ‌دنده‌های درب کشتی (کشتی حمل بازماندگان از آب‌گرفتگی کره زمین) جان تمام مسافران در خطر می‌باشد. در این بین شخصیت اصلی فیلم و پسرش داوطلب می‌شوند تا به محل خرابی بروند و مشکل را حل کنند. شجاعت این پدر و پسر وقتی نمایان می‌شود که آن‌ها برای رسیدن به چرخ‌دنده‌ها باید خود را به قسمت انتهایی کشتی برسانند، یعنی جایی که آب تمام آن را فرا گرفته و امکان خفگی در آن بسیار زیاد است. بدیهی است کمتر کسی شجاعت رفتن به چنین مکانی را دارد؛ اما این پدر و پسر با شجاعت بسیار وارد این مهلکه خطرناک می‌شوند و با این عمل، شجاعت و جسارت خود را به مخاطب فیلم نشان می‌دهند.

عناصر و پارامترهای زیباسازی و جذاب‌نمایی منجی در سینمای هالیوود منحصر به سه مورد فوق نمی‌باشد و عوامل دیگری همچون شوخ‌طبعی، روحیات عاطفی، خانواده دوستی و نیز باعث جذابیت منجی برای مخاطب خواهد شد. در بسیاری از فیلم‌ها شاهد آن هستیم که منجی، دارای تعداد متعددی از این خصوصیات می‌باشد.^۱

نکته مهم و کلیدی در مورد عناصر فوق، استفاده بجا و درست از آن‌ها است؛ طراحی آن‌ها در ابعاد شخصیتی منجی، همگی در راستای جذاب‌سازی او برای مخاطب صورت گرفته و از استفاده بی‌مورد خودداری شده است؛ برای مثال در فیلم میان ستاره‌ای، شخصیت منجی فیلم، فردی به شدت خانواده دوست است. کارگردان از ابتدای فیلم سعی در برجسته کردن این صفت دارد تا در موقع مناسب از آن بهره‌برداری کند. مخاطب باید درک کند که این شخصیت با این حجم از علاقه به خانواده حاضر شده است برای نجات بشریت، علایق شخصی خود را فدا، و خانواده‌اش را رها کند. نقطه مقابل این سناریو، زمانی است که شدت علاقه او به خانواده مانع انجام مأموریت شود، در این صورت خصوصیت خانواده دوستی، نه تنها موجب جذابیت او نمی‌شود؛ بلکه باعث می‌گردد مخاطب فیلم چنین شخصیتی را مورد مذمت و نکوهش قرار دهد.

تکنیک باورپذیر ساختن منجی از طریق هم‌ذات‌پنداری

هم‌ذات‌پنداری با شخصیت‌های خاص، یکی از عوامل مهم در فرایند اثرگذاری است؛ زیرا مخاطب فیلم، به شخصیت‌هایی که هم‌ذات‌پنداری کرده است، توجه بیشتری خواهد داشت.^۲ هم‌ذات‌پنداری موجب باورپذیری برای مخاطب خواهد شد. مخاطب سینما اگر نتواند منجی معرفی شده در فیلم را باور کند، به سختی می‌تواند با او ارتباط برقرار نماید؛ زیرا او را از خود غریبه می‌پندارد؛ در نتیجه تمایلی برای ظهورش احساس نخواهد کرد. به این منظور شخصیت منجی در فیلم‌ها را به گونه‌ای به

۱. برای مثال: منجی فیلم میان ستاره‌ای، شخصیتی شجاع، عاطفی، خانواده‌دوست، فداکار و همچنین دارای ظاهری متناسب می‌باشد.

۲. یزدیان، نادعلی، بازشناسی رسانه‌های جمعی با رویکرد سواد رسانه‌ای، ص ۲۰۱.

تصویر کشیده‌اند که برای مخاطب، ملموس و باورپذیر باشد.

هم‌ذات‌پنداری مخاطب با شخصیت‌های فیلم زمانی اتفاق خواهد افتاد که با او دارای شباهت‌هایی باشد یا واجد خصلت‌هایی باشد که مخاطب از داشتن آن‌ها محروم است؛ ولی آرزو دارد به آن‌ها نائل شود.^۱ بر همین اساس کارگردان، شخصیت منجی را به گونه‌ای طراحی می‌کند که دارای خصوصیات مشترکی با بیشتر انسان‌ها باشد؛ خصوصیات آنی که به منظور هم‌ذات‌پنداری مخاطب با منجی به تصویر کشیده می‌شود، به تناسب موقعیت‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد؛ برای نمونه به دو مورد اشاره خواهد شد:

الف. به تصویر کشیدن ضعف‌های انسانی: ذات انسان بستری برای انواع و اقسام خصوصیات متضاد و گوناگون می‌باشد. ترس و شجاعت، ناامیدی و امیدواری، و... صفاتی هستند که هر انسانی به تناسب شخصیت خود آن‌ها را توأماً تجربه کرده است. به تصویر کشیدن نوعی منجی که دارای شجاعت صرف باشد، هرچند جذابیت‌های خاص خود را دارد، اما برای مخاطب چندان باورپذیر نیست و نمی‌تواند با او هم‌ذات‌پنداری کند؛ به همین دلیل در بسیاری از آثار سینمایی هالیوود مشاهده می‌کنیم منجی فیلم - حتی با وجود قدرت‌های ماورایی - در برخورد با نیروی اهریمنی،^۲ ابتدا دچار ترس و ناامیدی می‌شود. مخاطب نیز با قرار دادن خود در موقعیت موجود در فیلم، دقیقاً همین حس ترس و ناامیدی را تجربه خواهد کرد. همین اتفاق موجب باورپذیری منجی برای او می‌شود.

بر همین اساس می‌توان گفت یکی از علل غیر باورپذیر بودن بیشتر قهرمان‌های سینمای هالیوود، نداشتن مشخصه فوق‌است. قهرمان‌های این دنیای سینمایی معمولاً دارای صفاتی مانند شجاعت در عالی‌ترین حدّ خود می‌باشند؛ به گونه‌ای که ضعف و ترس به هیچ وجه در آن‌ها وجود ندارد. قهرمان‌هایی که در موقعیت‌های مختلف، فقط به دلیل داشتن شجاعت افراطی، به انجام کارهایی اقدام

۱. یزدیان، رویکردهایی به سواد رسانه‌ای، ص ۱۳۲.

۲. اعم از ضد قهرمان‌ها، حوادث طبیعی و ...

می‌کنند که هیچ منطقی در ورای آن‌ها نیست. همین عامل باعث شده است مخاطب هیچ‌گاه نتواند با این نوع از قهرمان‌ها هم‌ذات‌پنداری کند و به آن‌ها فقط در حد یک سرگرمی چند ساعته نگاه کند.

ب. به تصویر کشیدن انتخاب‌های اشتباه: هر انسانی در زندگی خود کم یا زیاد، تصمیم‌گیری‌های نادرستی را تجربه کرده و در دو راهی‌های زندگی، مسیرهای نادرستی را پیموده است. به تصویر کشیدن منجی که بعضاً دچار اشتباهاتی در حوزه تصمیم‌گیری، یا در حوزه رفتار می‌شود، در ظاهر امر، موجب ناراحتی مخاطب فیلم از این اشتباه می‌شود؛ اما در حقیقت، موجب خواهد شد، در ورای ذهن خود با منجی هم‌ذات‌پنداری کند.

در میان روایات و تراث شیعی نیز شاید بتوان برای استفاده از تکنیک هم‌ذات‌پنداری نمونه‌هایی پیدا کرد. در روایتی که مرحوم صدوق نقل می‌کند، امام صادق علیه السلام در مورد حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید: «يَسِيرُ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَيَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ بَسُطَهُمْ»؛ در میان مردم رفت و آمد و در بازارهاشان عبور و مرور می‌کنند و بر سر بساط مردم حاضر می‌شوند^۱. با توجه به فضای کلی حدیث، هدف امام صادق علیه السلام از بیان این عبارات، مطلب دیگری است؛ اما شاید به نوعی بتوان گفت: توصیف امام زمان علیه السلام با این خصوصیات، می‌تواند موجب باورپذیری آن حضرت برای مخاطب شود؛ زیرا مخاطب احساس می‌کند امام زمان علیه السلام نیز فردی است که مانند او زندگی زمینی و عادی دارد.

۱. ابن بابویه، کمال الدین، ج ۱، ص ۴۴.

نتیجه

امروزه در جوامع غربی، شاهد رشد روزافزون اقبال عمومی برای ظهور منجی با قرائت سکولار آن هستیم. بی شک تولیدات رسانه‌ای، به ویژه فیلم‌ها و سریال‌ها تأثیر بسزایی در روند افزایشی این موضوع داشته است؛ تولیداتی که در آن‌ها به منظور ایجاد حسّ نیاز و اضطراب به منجی از دقیق‌ترین ترفندها و تکنیک‌ها استفاده شده است. دامنه تأثیرگذاری این تولیدات در سطح جهانی است و به گستره جغرافیایی خاصی محدود نمی‌شود. در این میان متأسفانه شاهد غفلت دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی جهان اسلام در مقابله با این قبیل تولیدات هستیم. از طرف دیگر استفاده از ظرفیت‌های شگرف رسانه‌ای در راستای انتقال مفاهیمی از قبیل ایجاد حسّ اضطراب برای ظهور منجی اسلامی، همواره مورد غفلت واقع شده است. بدین منظور شایسته و بایسته است که فعالان رسانه‌ای جهان اسلام ضمن شناخت و واکاوی دقیق تکنیک‌های ایجاد حسّ نیاز و اضطراب به منجی، آن‌ها را در راستای ترویج حسّ اضطراب به امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌ه بومی‌سازی کنند و در تولیدات خود به کار گیرند.

منابع

*قرآن کریم.

۱. آرت سیلور بلات، جین فری، باربارا فینان، *رویکردهایی به سواد رسانه‌ای*، مترجم: امیر یزدیان، صدا و سیما جمهوری اسلامی، قم، ۱۳۹۳.
۲. پاتر، جیمز، *بازشناسی رسانه‌های جمعی با رویکرد سواد رسانه‌ای*، مترجم: امیر یزدیان، مناداعلی، پیام آزادی، قم، ۱۳۹۱.
۳. خندق، امین، *آخر الزمان و آینده گرایی سینمایی*، ولاء منتظر، چاپ اول، قم، ۱۳۹۱.
۴. دورانت، ویل، *لذات فلسفه*، مترجم: عباس زریاب خوئی، علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۹۲.
۵. رسولی، مهدی، شبرنگ، هدی و تیموری، میشا، *بازنمایی آخر الزمان در فیلم مردان ایکس، اپوکالیپس*، مجله عصر آینه، ش ۲۵، بهار ۱۳۹۷.
۶. شاکری زواردهمی، روح الله، *منجی در ادیان*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۷.
۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمة*، اسلامیة، ۲ جلد، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵.
۸. طاهری آکردی، *یهودیت*، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ اول، قم، ۱۳۹۰.
۹. علوی طباطبایی، ابوالحسن، *هالیوود و فرجام جهان*، هلال، تهران، ۱۳۸۶.
۱۰. فرج نژاد، محمدحسین، *اسطوره‌های صهیونیستی در سینما*، هلال، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دار الکتب الإسلامية، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۱۲. گابلر، نیل، *امپراطوری هالیوود: مروری بر زندگی خالقان یهودی*، مترجم: الهام شوشتری زاده، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.
۱۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۴. مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، *جریان‌شناسی روند تصویرسازی از وقایع*

- آخرالزمان در غرب و راهبرد رسانه ملی در مواجهه با آن، مرکز پژوهش‌های اسلامی، قم، ۱۳۸۹.
۱۵. مک کویل، دنیس و ویندال، سون، *مدل‌های ارتباطات جمعی*، ترجمه گودرز میرزایی، تهران، طرح آینده، ۱۳۸۸.
۱۶. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار شهید مطهری*، صدرا، تهران، ۱۳۶۷.
۱۷. مفید، محمد بن محمد، *الإرشاد*، کنگره شیخ مفید، ۲ جلد، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. <http://www.answers.com/topic/list-of-jewish-american-entertainers>.
۱۹. <https://www.boxofficemojo.com/release/rl1417315841>.
۲۰. <https://www.cbr.com/villains-tried-end-world-ranked>.
۲۱. https://www.imdb.com/title/tt0364970/?ref_=fn_al_tt_1.
۲۲. <https://www.hollywoodreporter.com/amp/news/superhero-earns-13-billion-748281-a>.
۲۳. <https://m.imdb.com/title/0816711/plotsummary>.

رابطه آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی و کاربرست روش پانل در مهدویت

حسینعلی جباری^۱

چکیده

آینده‌پژوهی هنر شکل دادن به آینده بوده و به شناخت و مطالعه آینده‌های گوناگون از جمله ممکن، محتمل، مرجح و مطلوب می‌پردازد. از طرفی مهدویت‌پژوهی براساس آموزه‌های دینی، ساحتی برای حرکت به آینده‌ای پویا و مطلوب و حرکتی به سمت آینده قطعی بشری است. مسئله‌ای که در این نوشتار بدان پرداخته خواهد شد، تبیین رابطه آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی و تحلیل و کاربرست روش پانل در ساحت‌های مهدویت‌پژوهی است؛ از این رو این نوشتار با روش توصیفی و تحلیلی به تبیین رابطه آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی و کاربرست روش پانل در مهدویت‌پژوهی می‌پردازد. تشابهات و همگرایی موضوعات مهدویت در ساحت آینده‌پژوهی، تمایزات اجمالی این دو گرایش پژوهشی و همچنین قابلیت عملیاتی روش پانل در ساحت‌های مهدویت‌پژوهی و مواجه شدن به آینده مطلوب و مرجح مهم‌ترین دستاورد تحقیق پیش رو خواهد بود.

کلیدواژگان: مهدویت‌پژوهی، آینده‌پژوهی، پانل.

^۱. دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم و سطح ۴ مهدویت، گرایش سیاسی و اجتماعی مرکز تخصصی مهدویت قم

(Jabbari.h110@gmail.com).

از دیرباز، مسائل آینده و منجی و حوادث پیرامون آن مورد توجه بشر قرار داشته است. برخی برای رسیدن به آینده مطلوب از مسیرهایی از جمله تحلیل‌های عوامانه همچون علوم غریبه، سحر و رمزگرایی، یا تحلیل‌های عقل‌گرایانه مانند فلسفه تاریخ، و تحلیل‌های نقل‌گرایانه ادیانی و وحیانی مانند گزارش‌های کتب آسمانی و انبیا و تحلیل‌های تجربی مانند بررسی روندها و شواهد تجربی، بهره برده‌اند. آینده‌پژوهی به عنوان تبیین عقلانی تجربی از آینده‌های مختلف و مهدویت‌پژوهی به عنوان یک تبیین نقلی و وحیانی از منجی موعود، در کمتر از سده گذشته به صورت یک رشته علمی در میان اهالی علم ایجاد شده است.

هر یک از این دو رشته به گونه‌های مختلفی قابل پیمایش است؛ مثلاً آینده‌پژوهی به دو صورت قابل پیمایش است: اول پیمایش‌های اکتشافی که به مطالعه گذشته و حال با توجه به روندهای حاکم در زمینه‌های گوناگون پرداخته و آینده‌های گوناگون را کشف و توصیف می‌کند و زمینه را برای برنامه‌ریزی برای هر آینده فراهم می‌آورد؛ دوم پیمایش‌های تجویزی یا هنجاری که به مطالعه آنچه باید در آینده باشد یا تصویر شود و یا طراحی شود، پرداخته است تا در راستای آن برنامه‌ریزی صورت گیرد. در مهدویت‌پژوهی پیمایش‌ها، بر اساس مبانی معرفتی آن، یعنی نصوص دینی صورت می‌پذیرد که شامل آیات، روایات با گونه‌های مختلف آن و معرفت شهودی است.

علاوه بر مطالب فوق در مطالعات آینده باید سه وجه فهم را از یکدیگر تفکیک کرد. اول وجه سینتاکتیک (syntactic) است. این وجه بر روش‌شناسی تأکید دارد؛ یعنی مطالعه روش‌ها، رهیافت‌ها، مدل‌ها یا دیگر شیوه‌های سبک معرفت. وجه دوم سمانتیکس (semantics) است. این وجه بر مسائل، معنا و محتوای موضوعات آینده‌پژوهی توجه دارد.

سومین وجه پراگماتیس (peragmatics) است. این وجه بر نحوه تأثیر مطالعات آینده‌پژوهانه بر کنش‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌ها و مدیریت و رهبری‌ها تأکید دارد.^۱

در بررسی پیشینه بحث تاکنون کتاب و مقاله‌ای با موضوع تحلیل و بررسی روش‌شناسی عملیاتی دیده‌بانی در مهدویت، یافت نشد. آنچه درباره مهدویت و آینده‌پژوهی به صورت کلی نگاشته شده است، مقاله «آینده‌پژوهی مهدوی» اثر رحیم کارگر است که به کلیاتی پیرامون آینده‌پژوهی و مهدویت پرداخته است. نیز مقاله «مهدویت و آینده‌پژوهی» نوشته روح الله شاکری و رضوانه شاهرخی که به بررسی کارکردی و تشابهات آن‌ها پرداخته است. همچنین مقاله «بایسته‌های علمی در آینده‌پژوهی مهدوی» که به بررسی بایسته‌های نظری، روشی و تبلیغی پرداخته است؛ از این رو وجه تمایز این مقاله با سایر تحقیقات، پیمایش و کاربست تحلیلی و عملیاتی روش دیده‌بانی در مهدویت‌پژوهی است.

مفهوم شناسی

آینده‌پژوهی

برای آینده‌پژوهی، تعاریف گوناگونی نقل شده است. طبق نظر برخی^۲ آینده‌پژوهی،^۳ فرآیند تلاش سیستماتیک برای نگاه به آینده بلندمدت علم، محیط زیست، اقتصاد و اجتماع و با هدف شناسایی تکنولوژی‌های عام نوظهور و تقویت حوزه‌های تحقیقات استراتژیکی است که احتمالاً بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارند. برخی دیگر^۴ قائلند آینده‌پژوهی، فرآیندی سیستماتیک، مشارکتی و گردآورنده ادراکات آینده است که چشم‌اندازی میان مدت تا بلند مدت را با هدف اتخاذ تصمیم‌های

1. <http://www.iranstrategyacademy.com/%D>.

2. Martin, 2000.

3. Futures Studies.

4. gaveagan, 2001.

روزآمد و بسیج اقدامات مشترک بنا می‌سازد. لوک^۱ معتقد است آینده‌پژوهی ابزاری سیستماتیک برای ارزیابی آن دسته از توسعه‌های علمی و تکنولوژیکی است که می‌توانند تأثیرات بسیار شدیدی بر رقابت صنعتی، خلق ثروت و کیفیت زندگی داشته باشد. با توجه تعاریف، آینده‌پژوهی شاخه‌ای از علم^۲ و فناوری^۳ است که با کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب آینده سر و کار دارد. آینده‌پژوهی، مجموعه‌ای از تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها، عوامل تغییر، ثبات به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن می‌پردازد. آینده‌پژوهی می‌گوید که چگونه از دل تغییرات امروز واقعیت فردا تولد می‌یابد.^۴

آینده‌پژوهی در دهه‌های اخیر به رغم فراز و فرودها به تدریج توانسته به صورت رشته علمی و دانشگاهی شود که البته هنوز در ماهیت این رشته، اختلاف نظرهایی وجود دارد. به این صورت که رشته واحد است یا چند بعدی یا چند رشته‌ای یا میان‌رشته‌ای است. هر یک از محققان آینده‌پژوهی دارای سوابقی از جمله علوم سیاسی، مدیریت، جامعه‌شناسی و... هستند که با بررسی آن‌ها می‌توان به لایه‌های متعدد و برخی از زوایای آینده‌پژوهی دست یافت؛ چرا که زوایای زندگانی بشر دارای ابعاد مختلفی است که برای فهم آینده آن نیز باید زوایای مختلف آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

^۱ . luke georghion, 1996.

^۲ . آینده‌پژوهی علم است؛ چون مبانی معرفتی و نظری و متدولوژی دقیق دارد و در دانشگاه‌های پیشرفته دنیا به عنوان یک رشته علمی آموزش داده می‌شود.

^۳ . آینده‌پژوهی فناوری است؛ چون بر پایه یک مجموعه از تکنیک‌های علمی استوار است و می‌تواند در حل و فصل مسایل پیچیده جامعه، و همچنین در ساختن آینده به کار آید. آینده‌پژوهی در زمره فناوری‌های نرم قرار می‌گیرد.

^۴ . آشنایی با مبانی آینده‌پژوهی، ص ۷.

۲. مهدویت پژوهی

مهدویت پژوهی، رشته‌ای علمی است که قدمت تاریخی دارد و در قالب سامانه علمی، جدید به نظر می‌رسد. مهدویت پژوهی در گذشته در لابه‌لای مطالعات مختلف کلامی، تفسیری، حدیثی و ... بررسی می‌شد؛ اما بعدها به دلیل مطالعات عمیق، به صورت یک رشته منظم در مراکز علمی ایجاد گردید.^۱ با توجه به این مسئله، مهدویت پژوهی، مجموعه مسائل منظم، متنوع با موضوعات و روش مشخص و دارای اهداف معین است که با رویکردی درونی و جزءنگرانه و با نگاه درجه یک، به تبیین و تحلیل و دفاع از مسائل مهدویت و امام زمان عجله الله تعالی فرجه له می‌پردازد؛^۲ از این رو مهدویت پژوهی ساحت‌های چندبعدی دارد و قابلیت تعمیم بر سایر گرایش‌ها و رشته‌های علوم اسلامی را خواهد داشت.

رابطه آینده پژوهی و مهدویت پژوهی

۱. تشابهات و تعاملات آینده پژوهی و مهدویت پژوهی

اولین شباهت بین آینده پژوهی و مهدویت پژوهی، جدید بودن حوزه‌های مطالعاتی آن‌ها است. مهدویت، اندیشه‌ای بنیادین است و پیشینه‌ای به امتداد تاریخ دارد؛ ولی از حیث مطالعات مستقل و تخصصی، پس از انقلاب اسلامی در ایران ایجاد شده است. همچنانکه مطالعه آینده قدمتی طولانی دارد؛ اما آینده پژوهی با شیوه‌های تخصصی، دانشی جدید و با قدمتی به طول هشتاد سال داشته و آغاز آن از مؤسسه رند در امریکا و اروپا است. دومین شباهت مهدویت پژوهی و آینده پژوهی این است که هر دو بر مطالعه آینده تمرکز داشته و به دنبال آینده مطلوب در راستای بهبودی وضعیت بشر تلاش می‌کنند. سومین شباهت مهدویت پژوهی و آینده پژوهی، چندبعدی بودن آن‌هاست؛ به این صورت که هر دو به مطالعات میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای نیاز دارند؛ مثلاً کشف و بررسی زمینه‌های ظهور منجی،

۱. مهدویت و آینده پژوهی، ص ۴۴.

۲. مهدویت پژوهی، ص ۳۱.

همواره مستلزم رصد، پوییش، و پالایش محیطی است؛ لذا لازمه هر گونه تلاش در فهم آن، آشنایی با علوم مختلفی همچون جامعه‌شناسی و علوم سیاسی و... است. چهارمین شباهت بین این دو دانش، رویکرد خوش‌بینانه و مطلوب به آینده است؛ چرا که هر دو حوزه به دنبال رسیدن به آرمان‌شهر و جامعه مطلوب و مد نظر هستند؛ با این تفاوت که مهدویت رسیدن به جامعه آرمانی در فرایند زمان را تحقق‌پذیر، قطعی و نزدیک و امیدوارانه بحث می‌کند؛ ولی آینده‌پژوهی بدون گزاره‌های دینی این خصلت را نخواهد داشت. اگر در قالب گزاره‌های دینی باشد، این مسئله بر هر دو مشترک خواهد بود. پنجمین شباهت مهدویت‌پژوهی و آینده‌پژوهی، تداخل موضوعی آن‌ها است. اگر مهدویت را میان‌رشته‌ای بدانیم، دارای اضلاعی است که باید تمام ابعاد آن را از حیث ارتباط رشته‌ای گذشته (مانند تاریخ مهدویت، کلام مهدویت، حدیث مهدویت، تفسیر مهدویت و...) و آینده (جامعه منتظر، مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی و...) را مورد مطالعه قرار داد؛ مثلاً یکی از اضلاع رصد تحولات به منظور شناخت نشانه‌های ظهور می‌باشد که در روایات، به توقع و ترقب یاد شده است.

آینده‌پژوهی به عنوان یک دانش چندبعدی می‌تواند یکی از اضلاع مهدویت‌پژوهی را پوشش دهد. از طرفی آینده‌پژوهی برای نیاز جدی به تصویر آینده قطعی دارد که در مهدویت وجود دارد؛ چرا که یکی از اهداف آینده‌پژوهی، تصویرپردازی آینده مطلوب در راستای تدوین هنجارها است که می‌تواند از آینده مطلوب مهدوی به عنوان یک کلان‌الگو بهره‌برد. این امر را می‌توان در دستگاه‌های دانشمندان آینده‌پژوهی مشاهده کرد. ششمین شباهت میان مهدویت‌پژوهی و آینده‌پژوهی، تعامل هر دو حوزه در مسائل دین است.

باید دانست مهدویت در ساختار تمدن اسلامی ایجاد شده است؛ اما آینده‌پژوهی در ساختار تمدن غربی با قرائات گوناگون شکل گرفته است. برای به‌کارگیری آن‌ها باید ابتدا مبانی و مبادی آینده‌پژوهی غربی را اسلامی سازی کرد و سپس ابعاد دینی آینده‌پژوهی را مد نظر قرار داد، تا از این طریق بتوان آینده‌پژوهی را از بستر غربی سکولار به بستر اسلامی و دینی تبدیل کرد. بر این اساس دین در آینده‌پژوهی نقش اصیل پیدا خواهد کرد، همچنانکه در مهدویت نقش اصیلی را دارا است. هفتمین شباهت میان آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی، عملیاتی بودن هر دو دانش در جامعه علمی امروزی است.

پیشینه طولانی و ممتد اندیشه مهدویت، مباحث آن را دست‌نیافتنی کرده است. با این حال از طریق آینده‌پژوهی می‌توان بسیاری از مباحث آن را دست‌یافتنی نمود.^۱

۲. تمایزات آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی

مهدویت‌پژوهی و آینده‌پژوهی در عین حال که دارای تشابهات و تعاملاتی هستند، تمایزاتی نیز دارند که به اهم این تمایزات اشاره خواهد شد. اولین تفاوت آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی در روش است. مهدویت‌پژوهی دانشی ادیانی و وحیانی است که در قالب‌های مختلف روایی، تفسیری، عقلی، کلامی و ... نمود پیدا کرده است و کمتر به تجربه می‌پردازد؛ اما آینده‌پژوهی دانش انسانی تجربی است که با توجه به تحولات علوم انسانی از نیمه قرن بیستم ایجاد شد. روش آینده‌پژوهی مبتنی بر شواهد و قرائن تجربی بوده و رویکردی اکتشافی دارد.

دومین تفاوت مهدویت‌پژوهی و آینده‌پژوهی غایات مختلف آن‌ها است؛ به گونه‌ای که غایت مهدویت‌پژوهی، تبیین درست یک آموزه ایمانی است؛ اما آینده‌پژوهی، به دنبال کشف آینده و ارائه راهبردهای تجویزی خاص برای تحقق آینده مطلوب است. سومین تفاوت مهدویت‌پژوهی و آینده‌پژوهی در نوع نگاه معطوف به آینده است. به این صورت که موضوع محوری مهدویت، آینده قطعی و غایت جهان در گرایش‌های مختلف تاریخ، حدیث و ... است؛ اما موضوع آینده‌پژوهی، آینده محتمل و ممکن است و رویکرد آن، کشف انواع آینده است. چهارمین تفاوت مهدویت‌پژوهی و آینده‌پژوهی، چگونگی ورود و مطالعه به آینده است. مهدویت صرفاً به دیدگاه دین در مورد آینده توجه دارد؛ اما تلاش آینده‌پژوهی صرفاً بر کشف و تجویز آینده معطوف می‌باشد.^۲

۱. مهدویت‌پژوهی و آینده‌پژوهی، ص ۴۳ الی ۵۵.

۲. همان، ص ۵۶ الی ۵۷.

روش پانل در مهدویت

یکی دیگر از روش‌های آینده‌پژوهی استفاده از روش پانل است که در محدوده ذی‌نفعان و متخصصان صورت می‌پذیرد. کارایی این روش در ساحت‌های پژوهشی به ویژه مهدویت‌پژوهی تأثیر فراوانی در نتایج و فرایند استخراج مطالب دارد.

ترکیب پانل

از پانل برای مباحثه و بحث‌های عمیق آینده‌نگاری استفاده می‌کنند؛ بدین صورت که مجموعه‌ای از ۱۲ تا ۲۰ نفره از متخصصان در فرایند زمانی ۳ الی ۱۸ ماه، درباره آینده موضوعات مشخص، در قالب‌های گوناگون،^۱ تأمل و مشورت می‌کنند.^۲ در بهره‌گیری از پانل ذی‌نفعان از افراد غیرمتخصص نیز استفاده می‌شود.



۱. مراد از ذی‌نفعان یعنی افرادی که سهم و منفعتی در نتایج فرایند پانل داشته و یا نماینده یک سازمان خاص هستند. تجربیات کاری این افراد از دیگر معیارهای عضویت آن‌ها در پانل است.

۲. قالب‌های مشخص برای پانل مانند میزگرد، کنفرانس، مصاحبه‌ها و ارتباطات مجازی و کرسی‌ها و نشست‌ها صورت می‌پذیرد.

۳. بررسی و شناخت روش‌های مطالعه آینده، ص ۲۷.

استفاده از پانل در آینده نگاری، مزایای گوناگونی دارد که مواردی از قبیل دسترسی آسان به نظرات خبرگان و متخصصین درباره یک پروژه، خواهد بود؛ تعامل بین رشته‌های علمی و تخصص‌های مختلف صورت می‌پذیرد؛ بهره‌برداری از آن موجب تکمیل شدن دیگر روش‌های مورد استفاده در آینده‌پژوهی خواهد شد؛ مقبولیت و مشروعیت بخشیدن به پروژه آینده‌پژوهی با بهره‌برداری از متخصصان محقق می‌گردد.^۱

۲. گام‌های عملیاتی پانل

در روش پانل باید شش گام اساسی را طی کرد؛^۲ از این رو گام‌های عملیاتی برای تشکیل پانل از این قبیل است:

اول. موضوع یا مسئله مورد پژوهش در ساحت‌های مختلف علمی، تبیین و تعیین می‌شود؛

دوم. پس از تعیین موضوع یا مسئله، رئیس و سرپرست پانل مشخص می‌شود. وی باید بر مسئله اشراف داشته و مقبولیت لازم بر اعضای پانل را دارا باشد تا بتواند علاوه بر توضیح ابعاد موضوع و مسئله، بر فعالیت و ارجاع فعالیت به اعضا و جلسات نظارت کند؛

سوم. پس از تعیین سرپرست، متخصصان در هر گرایش علمی اعم از آینده‌پژوهی، گرایش و تخصص مورد نظر و گرایش و تخصص مرتبط با موضوع و مسئله در رشته‌های مختلف انتخاب می‌شوند؛

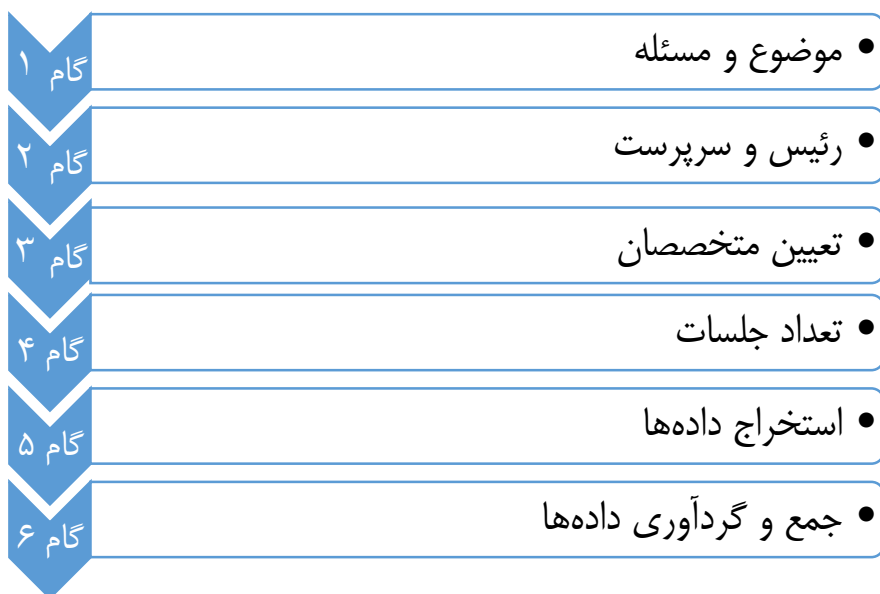
چهارم. در مرحله و گام چهارم، میزان پانل‌ها تعیین، و روش‌ها برای استخراج آینده‌نگاری موضوع و مسئله ارائه می‌شود؛

۱. همان، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۳۰ الی ۴۶.

پنجم. پس از برگزاری جلسات متعدد، نوبت به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها متناسب با آینده، تعیین اولویت‌ها آینده، تدوین سناریوها آینده و مشخص کردن توافقات و اختلافات درباره موضوع و مسئله در آینده است؛

ششم: آخرین گام در روش پانل، آماده‌سازی گزارش نهایی از مجموعه فعالیت‌ها و پانل‌های برگزارشده در دوره معین خواهد بود.



کاربرد روش پانل در مهدویت به این صورت خواهد بود که ابتدا پس از تعیین مسئله یا موضوع مورد نظر -مثلا آسیب‌های فرهنگی جامعه اسلامی شیعی در عصر غیبت کبرا- مجموعه‌ای از کارشناسان مهدویت، جامعه‌شناسی فرهنگی و شیعه‌شناسی پیرامون یکدیگر جمع می‌شوند. رئیس و سرپرست این گروه تعیین می‌گردد و هر یک از کارشناسان در گرایش‌های مختلف پانل، مسئله و موضوع موردنظر را از دیدگاه رشته خود بررسی و کنکاش می‌کنند. داده‌های موردنظر هر یک از متخصصان در پانل بررسی و ارزیابی می‌شود. سپس داده‌ها به صورت سناریو، آماده‌سازی می‌شود و متناسب با آینده‌های مختلف و با اولویت‌های گوناگون با تعیین توافقات و اختلافات اعضا در قالب گزارش نهایی در طول دوره‌های گوناگون آماده‌سازی می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به تفاوت در ساحت‌های روش‌شناختی آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی با یکدیگر، امکان تعامل و هم‌سویی میان آینده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی وجود دارد که می‌تواند نوع نگرش و منش محققان را به آینده مطلوب و قطعی متغیر سازد. آینده‌پژوهی آثار فراوانی در مدیریت گرایش‌های مهدویت‌پژوهی خواهد داشت؛ از این رو همه روش‌های آینده‌پژوهی قابلیت کاربرست در مهدویت‌پژوهی را خواهند داشت. از طرفی پانل، یک روش استراتژیک و نخبگانی، برای به‌کارگیری در ساحت‌های مهدویت‌پژوهی دارد؛ از این رو ابعاد گوناگون مهدویت را می‌تواند تحت شعاع خود قرار دهد؛ بنابراین به‌کارگیری روش پانل می‌تواند به عنوان یک کلان‌نگرش در موضوعات تخصصی و استراتژیک، مهدویت‌پژوهی را به سمت آینده مرجح و مطلوب خود هدایت کند.

منابع

*قرآن کریم

۱. الهی نژاد، حسین، *مهدویت پژوهی*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، قم ۱۳۹۵.
۲. جمعی از نویسندگان، *مهدویت و آینده پژوهی*، بوستان کتاب، چاپ اول، قم ۱۳۹۲.
۳. قدیری، روح الله، *بررسی و شناخت روش های مطالعه آینده*، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، تهران، بی تا.
۴. جمعی از نویسندگان، *آینده پژوهی؛ مفاهیم و روش ها*، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، چاپ اول، تهران ۱۳۸۸.
۵. جمعی از نویسندگان، *آشنایی با مبانی آینده پژوهی*، مرکز آموزش و پژوهش های توسعه آینده-نگری، بی جا، بی تا.
۶. <https://rch.ac.ir/article/Details/11167?>
۷. <http://www.iranstrategyacademy.com/%D>

پیوست ها

پیوست ۱: معرفی موضوع پژوهشی

پیوست ۲: معرفی پایان نامه

پیوست ۳: معرفی کتاب

معرفی موضوعات پژوهشی

۱. اثبات وجود فعلی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بر اساس روایات عام مهدوی
۲. نقد دیدگاه اهل سنت پیرامون روایات ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه
۳. بررسی جلوه‌های وحدت بخش مهدویت
۴. تبیین اوضاع جهان پیش از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه
۵. تبیین چرایی عدم تعیین وقت ظهور از دیدگاه روایات
۶. جایگاه محبت و عمل در عصر غیبت در دیدگاه اهل بیت

معرفی پایان نامه‌های مهدوی

۱ - آینده بشر از دیدگاه ادیان

نویسنده: احد آزادی خواه

چکیده

موضوع آینده بشر از موضوعاتی است که با پیدایش اولین دین مورد توجه بوده است و تمام ادیان برای آینده بشر یک جایگاه ویژه‌ای قائلند. همچنین بشر به صورت ذاتی و فطری پس از بازشناختن خویش به آینده خود نظر خاص دارد. این تحقیق در نظر دارد به آینده بشر از دیدگاه ادیان بپردازد که مجموع مباحث در پنج بخش گنجانده شده است.

ابتدا در بخش اول به کلیات موضوع پرداخته شده است، مباحثی مانند ضرورت تحقیق، کلید واژه ها، پیشینه تحقیق و... در این بخش در خصوص کلید واژه‌های تحقیق بحث می‌شود که عبارتند از: الف) دین: تعریف دین عبارت است از مکتبی که از مجموعه عقاید اخلاق و قوانین و مقررات اجرایی تشکیل شده باشد و هدف آن راهنمایی انسان برای سعادت بشر است.

ب) حق و باطل: حق آن چیزی است که شایستگی پیروی داشته و مطابق قانون باشد، و باطل چیزی است که شایستگی پیروی نداشته و انحراف از قانون باشد.

ج) عدالت: عدالت یعنی اعطاء کل ذی حق حقه، دادن حقوق دیگران.

در بخش دوم: نظریه ادیان پیش از اسلام در خصوص آینده بشر مطرح می‌شود، ادیانی مانند: زرتشت، یهود، مسیحیت، هندو و... که بدون استثنا در تمام ادیان یاد شده یکی از مسلمات موعود آخرالزمان است که پس از آنکه جهان و بشریت درگیر یکسری تضاد، فساد، جنگ و نا امنی می‌شود منجی آخرالزمان ظهور نموده و بشریت را به عدالت، علم، امنیت و آسایش دعوت می‌نماید.

در بخش سوم: بعد از بررسی ادیان پیش از اسلام نظریات دین اسلام به صورت تخصصی از منظر فریقین و آیات و روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد، از نظر اسلام موعود آخرالزمان یکی از فرزندان آخرین پیامبر الهی است که پس از یک غیبت طولانی ظهور میکند.

در بخش چهارم: به جمع بندی مطالب اقدام شده است.

واژگان کلیدی: دین، عدالت، حق و باطل، جهانی شدن، فطرت.

استاد راهنما: حجت الاسلام دکتر علی عباسی

استاد مشاور: حجت الاسلام عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی

دانشگاه: حوزه علمیه قم، سال: ۱۳۸۶.

۲- نجات در اسلام و مقایسه آن با مسیحیت

نویسنده: مجتبی امامی

چکیده

سرّ اقبال مردم به دین نیاز فطری آن‌ها به «نجات طلبی» و رستگاری می باشد، و ادیان الهی از جمله اسلام و مسیحیت اصیل، به درستی این نیاز را تشخیص داده و درصدد تأمین آن بوده اند.

نجات که يك معنای عدمی و سلبی است به معنای خلاصی و یا دور شدن از مصیبت‌ها، سختی‌ها، دردها، شرور و مهالك می باشد. و معنای دقیق آن با مفاهیم «سعادت»، «فوز» و «فلاح» که دارای معنای ایجابی می باشند، تا حدودی متفاوت است.

در حقیقت نجات اسلامی، خداوند نجات بخش انسان از مهالك است. نجات از مهلكه‌ی گناه، شرك و كفر در این دنیا خود مقدمه‌ای است برای نجات انسان از عذاب اخروی. بر اساس نصوص دینی و اقوال دانشمندان و حکمای اسلامی، «نجات اخروی» که خود مقدمه‌ای سعادت انسان در آخرت است، شامل اکثریت انسان‌ها می گردد. از نگاه اسلام هرچند خداوند نجات بخش است، اما انسان با اختیار و نقش فعال خود با فراهم نمودن شرایط، پذیرنده‌ی نجات الهی می باشد.

اساس مسیحیت رایج اعلام ایمان است به نجاتی که عیسی مسیح برای بشریت به ارمغان آورده است. در این اعتقاد که بر مبنای خاص انسان شناسی، مسیح شناسی و خداشناسی این سنت استوار گردیده است، انسان در اسارت گناه و مرگ بوده، و از ناحیه‌ی خود قابلیت نجات را ندارد. به واسطه‌ی حضور مستقیم خداوند (عیسی مسیح) و با فدیة یا قربانی شدن او، جریمه‌ی گناه انسان پرداخت گردیده و از اسارت گناه نجات می یابد.

در ساختار نجات مسیحی سه شخص الوهی با عنوان «خدای پدر»، «خدای پسر» و «روح القدس» نقش دارند. امر نجات با طرح و برنامه‌ی ازلی خدای پدر سامان می پذیرد، خدای پسر مجری آن است و تداوم آن با روح القدس است.

ایمان از مهم ترین عوامل نجات در هر دو سنت محسوب می گردد، متعلق آن در اسلام، عالم غیب، عالم آخرت و ایمان به رسولان خدا می باشد. عمل نیز از عوامل بسیار مؤثر در نجات اسلامی

می باشد. عواملی نیز از جمله کفر، شرک، گناه، ... در هلاکت انسان تأثیر گذار خواهند بود. هر دو دین اسلام و مسیحیت نسبت به هلاکت بار بودن گناه برای انسان تأکید دارند. آموزه گناه ذاتی از ویژگی‌های انسان شناسی مسیحی بوده و به عنوان مبنایی بنیادین در نجات شناسی مسیحیت می باشد.

نجات مسیحی با چالش‌های بسیاری مواجه است که از جمله آن عدم معقولیت بسیاری از مبانی و پیش فرض‌های آن است. معقولیت آموزه‌هایی همچون «تجسد»، «فدیه»، «تثلیث»، «مأوی گزیدن روح القدس در نفس انسان» قابل اثبات نخواهد بود. ناسازگاری‌های درونی، بیرونی، عدم انطباق با واقع از دیگر چالش‌های نجات مسیحی می باشد.

واژگان کلیدی: تجدد، فدیه، تثلیث، روح القدس، خدای پدر و پسر.

استاد راهنما: جناب دکتر احمد بهشتی

استاد مشاور: جناب دکتر بیوک علیزاده

دانشگاه: آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات، سال: ۱۳۸۳.

۳- نقش و جایگاه مردم در قیام و حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه

نویسنده: خدامراد سلیمیان ریزی

چکیده

دین مبین اسلام، ضمن این که بر حکومت به عنوان یک ضرورت اجتماعی تأکید کرده، بیشترین سفارش‌ها و تأکید خود را بر شکل‌گیری حاکمیت انسان‌های صالح بر مدار دین و دین‌داری، متمرکز کرده است. چرا که حاکم نیکوکار است که جامعه را به نیکی‌ها و رستگاری انسان‌ها هدایت خواهد کرد و در این شکل‌گیری، در کنار نقش رهبران و امکانات مادی و معنوی، یکی از ارکان اساسی را مردم و چگونگی نقش آنها در برپایی حکومت دانسته است.

از آموزه‌های اسلامی به روشنی به دست می‌آید حکومت موعود منجی که در اسلام از آن به عنوان مهدی موعود عجل الله فرجه یاد می‌شود، عالی‌ترین حکومت ممکن در روی زمین خواهد بود که در آن همه عناصر به خوبی در جایگاه خود قرار می‌گیرند. که از جمله آن‌ها جایگاه مردم در این تحول بزرگ است.

در این رساله، برای بررسی نقش و جایگاه مردم در فرایند قیام و حکومت حضرت مهدی عجل الله فرجه در اندیشه مهدویت — که برآمده از ایمان به خدای یگانه، و توحید خالص است، — ابتدا در بخش نخست با عنوان "مباحث کلی و مبانی" در سه فصل به مباحث مربوط اشاره شده است. ابتدا در فصل اول به بررسی مفاهیم پژوهش پرداخته شده است، در فصل دوم این بخش به بررسی روش نقد روایات مهدویت اشاره شده است. و در فصل سوم به مبانی نظری نقش مردم در انقلاب

جهانی آن حضرت پرداخته شده است، آنگاه در بخش دوم بر اساس روایات معتبر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام به طور عمده در سه عرصه: زمینه‌سازی برای ظهور موعود منجی، قیام و حکومت جهانی آن حضرت، در سه فصل مباحث تبیین شده است.

این نقش که در هر سه مرحله پر رنگ و چشم‌گیر است با استفاده از روایات این‌گونه تبیین شده است:

در فصل نخست از این بخش به بیان نقش مردم در زمینه‌سازی پیش از ظهور و در عصر انتظار اشاره شده است بدین گونه که انسان‌ها با فراهم کردن زمینه‌ها در خود و دیگران شرایط را به گونه‌ای آماده می‌کنند که اگر چنانچه موعود ظهور کرد، کسانی باشند که با تمام وجود او را در رسیدن به اهداف یاری داده، همراهی کنند. این زمینه‌سازی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، نظامی معنا پیدا می‌کند و در هر عرصه اقتضاهای خود را دارد.

در فصل دوم با عنوان "نقش مردم در قیام و پیروزی"، به تقسیم مردم در این مرحله به دو گروه اشاره شده است:

نخست: کسانی که آن حضرت را در این کارزار بزرگ همراهی و یاری کرده، از او حمایت می‌کنند.

گروه دوم: که بخش بزرگی از انسان‌ها هستند، چون او را همان موعود منجی یافتند، او را پذیرفته در شمار طرفداران آن حضرت قرار می‌گیرند. بنابراین مهم‌ترین نقش مردم در این مرحله برای خواص یاری و یآوری او و در عموم مردم، پذیرش، همراهی و یاری او برای قیام جهانی است.

و در فصل سوم با عنوان "نقش مردم در حکومت" گفته شده در مرحله حکومت عدل جهانی، مردم در گروه‌های گوناگون به ایفای نقش می‌پردازند: بخشی با عنوان کارگزاران، حضرت را در امور حکومتی و رفع نیازهای جامعه‌ی اری خواهند کرد و بخش دیگر توده مردم هستند که پس از نابودی ستمگران با پذیرش حکومت جهانی در حد توان و امکان در پیشرفت اهداف این حکومت مساعدت و همراهی می‌کنند. این بخش که عموم مردم هستند با پذیرش بدون چون و چرای ولایت او، وی را برای پیش‌برد حکومت عدل جهانی به طور کامل یاری می‌دهند.

واژگان کلیدی: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، مهدویت، زمینه‌سازی، زمینه‌سازان، ظهور، قیام، حکومت جهانی مهدوی، مشروعیت، مقبولیت.

استاد راهنما: حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروزی لک

استاد مشاور: حجت الاسلام مجتبی کلباسی

دانشگاه: حوزه علمیه قم - سطح ۴، سال: ۱۳۹۱

۴- از حکومت‌های عصر غیبت تا حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

نویسنده: رضوان ملکی

چکیده

این تحقیق با موضوع «از حکومت‌های عصر غیبت تا حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه» در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر می باشد:

۱- حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه دارای مشروعیت است؟

۲- آیا حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه دارای مشروعیت دارند؟

۳- آیا زنان و جوانان با توجه به جامعه‌ی امروزی نقشی در حکومت دارند؟

۴- انتخاب وزرا در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه چگونه صورت می گیرد؟

این تحقیق با روش کتابخانه‌ای در صدد رسیدن به هدف کلی «بررسی حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه» در سه فصل نگاشته شده است.

با توجه به پیچیدگی روابط انسانی، انسان‌ها ناچارند قوانینی برای بهتر زیستن و سالم زیستن خود اختیار نمایند و برای اجرای این قوانین احتیاج به دولت و حکومت پدیدار می گردد. انسان‌ها از همان روزهای نخست زندگی اجتماعی اقدام به تشکیل دولت کرده اند که ابتدا نظام قبیله‌ای و بعدها نظام حکومتی و امروزه برترین و پیچیده ترین نظام‌های حکومتی را در جهان مشاهده می نمائیم. با توجه به ضرورت وجود یک حکومت و اهمیتی که برپائی حکومت در رسیدن به یک زندگی سعادت‌مند برای انسان‌ها دارد؛ ادیان الهی هم پیامبر اسلامی (ص) حکومت اسلامی را در مدینه پایه گذاری کرد و بعد خلفا حکومت را در دست گرفتند.

حکومتی که برپا دارنده عدل و قسط در میان مردم باشد، با توجه به آیات و روایات اسلام حکومتی است که مشروعیت خود را از آفریدگار جهان می گیرد. اکثر ادیان الهی نوید آمدن موعودی را داده اند که بالاخره در جهان یک حکومت واحد بر مبنای عدالت برقرار می سازد. شیعه به صورت صریح تر و گویاتری از این موعود صحبت می نماید و ویژگی های حکومت او را برمی شمارد. در مورد چگونگی حکومت جهانی کتاب های بسیاری نوشته شده است و شیعه با توجه به این نکته این موعود را مهدی (ع)، امام دوازدهم خود می داند از این حکومت به نام حکومت مهدوی یاد می کند و کتاب هائی در این زمینه توسط علما و نویسندگان شیعه به رشته تحریر در آمده است از جمله: «چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی (عج)» نوشته آقای طبسی و «دادگستر جهان» تالیف آیت ... امینی در این کتاب ها و اکثر کتاب های دیگر که در این زمینه تالیف شده است به نقش زنان و جوانان در حکومت مهدوی اشاره شده است. در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) مقام ها و پست ها بر اساس شایستگی افراد به آن ها واگذار می شود به عبارتی حکومت مهدی (عج)، حکومتی شایسته سالار خواهد بود. با توجه به این ادبیات در فصل سوم تحقیق بدین نتایج دست می یابیم که:

۱- در هر حال و وضعیتی انسان به حکومت نیاز دارد.

۲- حکومت حضرت مهدی (عج) بر اساس همان ضرورت ها و همان اهداف و همان ویژگی هائی که هر حکومت خواه ناخواه باید داشته باشد، تشکیل می گردد اما وجه ممیزه آن از دیگر حکومت ها عملکرد واقعی آن است یعنی حکومتی در تمام ابعاد الهی می باشد.

۳- حکومت مهدوی با هدف «برپایی عدالت» و با شعار «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» کار را آغاز می کند و تمام قدرت های غیر توحیدی را در هم می شکند.

۴- جهانی شدن که چند سالی است گفتمان آن آغاز شده است در دولت مهدوی به منصفه ظهور می رسد.

۵- در حکومت جهانی مهدی(ع)، بشر به معنای واقعی کلمه به مقام انسانیت دست خواهد یافت. در انجام این تحقیق مشکلات و مدیریت هایی فرا رویم قرار گرفت از جمله: در دسترس نبودن کتب مرجع، کمبود وقت، و کمبود کتاب در شهرستان محل اقامت زندگی من درباره این موضوع.

با توجه به نتایج به دست آمده از این تحقیق پیشنهاد می شود که: مبلغان اسلامی، به تبلیغ و آشنائی اقشار مختلف به ویژه جوانان با این نوع حکومت بپردازند تا جوان شیعه دریابد که در این سیر جهانی شدن، مکتب او پیشقدم تر از سایر مکاتب بوده است تا فریب ایسم ها، مکاتب و فلسفه های گوناگون را نخورد و در راه تحقق این حکومت آمانی گام های خویش را محکم تر و آگاهانه تر بردارد.

واژگان کلیدی: حکومت جهانی، عصر غیبت، برپائی عدالت،

استاد راهنما: جناب آقای محمد رضا معینی

استاد مشاور: جناب حجت الاسلام آقای اصولی

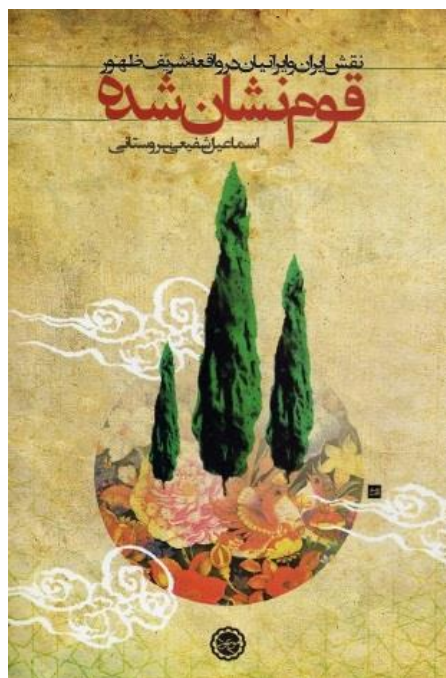
دانشگاه: حوزه علمیه خاوران(نجف آباد)، سال: ۱۳۸۵

معرفی کتاب‌های مهدوی

۱ - قوم نشان شده (نقش ایرانیان در واقعه شریف ظهور)

نویسنده: اسماعیل شفیعی سروستانی

چکیده



این اثر سر در پی آن دارد تا جایگاه و نقش ایران و ایرانیان را در گردونه هستی دریابد. نویسنده در تلاش بوده تا با کندوکاوی در تاریخ ایران و اسلام و با بهره‌گیری از کلام عقلی و نقلی و همچنین با کنار هم قرار دادن اتفاقات کنونی در کشورهای غرب آسیا و سیاست‌های راهبردی آن‌ها و علاوه بر آن، ردیابی نفوذ گسترده یهودیان صهیونیست در نقاط سوق الجیشی آن کشورها، راز وارد ساختن ایران به گردونه بزرگ دین جهانی پیامبر(ص)، راز انس و الفت ایرانیان با اهل بیت(ع)، دلایل ماندگاری ایران در میان

طوفان‌های ویرانگر گذشته، علت اصلی مهاجرت امام رضا(ع) به ایران و همراهی ایرانیان در تأسیس ملک عظیم خداوندی در سایه حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام را تحقیق نماید.

واژگان کلیدی: ایران، ایرانی، تشیع، یهود، ظهور، انتظار، روایت، قرآن، امام رضا(ع)، امام

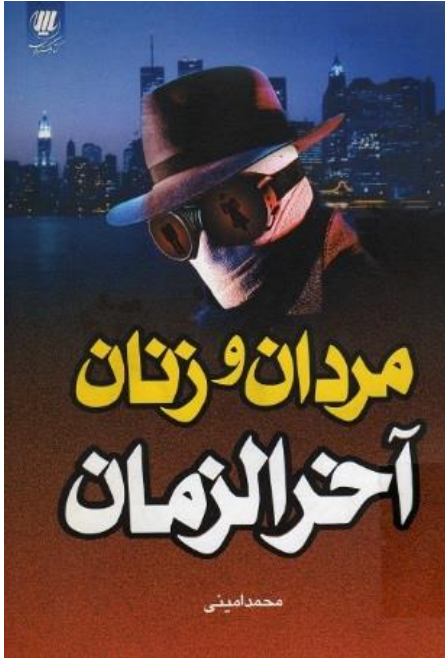
مهدی علیه السلام

ناشر: موعود نصر، شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۸-۲۷-۰

۲- مردان و زنان آخرالزمان

نویسنده: محمد امینی

چکیده



خوانندگان، با مطالعه این اثر به شماری از روایات معصومین(ع) درباره وقایع پایان تاریخ و ویژگی‌های انسان‌های آخرالزمان پی خواهند برد. تلاش مؤلف در این نوشتار، مبنی بر آن بوده تا با تغییر در ساختار جمله‌ها و واژگان کتاب «یوم‌الخلاص» نگاشته «کامل سلیمان»، علاقه‌مندان به آن را در فهم مطالب یاری دهد. در این اثر، روایاتی از اهل بیت(ع) درباره موضوعاتی چون اوضاع عمومی مردم، زنان، مردان و دانشمندان پایان دوران را منعکس نماید.

واژگان کلیدی: مردان، مردان، زنان، دانشمندان، آخرالزمان، روایت، اهل بیت(ع)

ناشر: انتشارات ملینا، شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۶۸-۵۵-۶

۳- عصر شکوهمند رجعت

نویسنده: محمد رضا اکبری

چکیده



این اثر، کندوکاوی در احادیث و روایات، به منظور پرده برداشتن از ابهامات مسأله رجعت است. نگارنده در این تحقیق، کوشیده تا با ارایه مفهوم شناسی رجعت و اثبات لزوم عقیده به آن و همچنین، تبیین اهداف و ویژگی ها و جایگاه اعتقادی آن، پاسخ به تحریف های موجود درباره رجعت و اشاره به رجعت هایی چون رجعت برخی از مومنین، امام حسین (ع)، امیرالمومنین (ع)، سایر ائمه (ع) و انبیای دیگر و در پایان، بررسی وضعیت جهان پس

از ظهور و پس از رجعت امام حسین (ع) به هدف خود جامع عمل بپوشاند.

واژگان کلیدی: رجعت، امام زمان (ع)، اثبات رجعت، تحریف رجعت، ویژگیهای رجعت،

رجعت ویژه، امام حسین (ع)، امیرالمومنین (ع)، ظهور

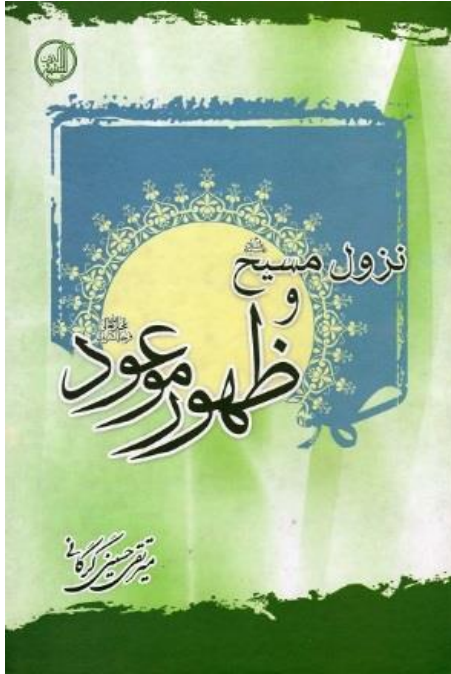
ناشر: مسجد مقدس جمکران، شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۵۱-۳

نزول مسیح و ظهور موعود

نویسنده: میر تقی حسینی گرگانی

چکیده

این نوشتار، موضوع نزول حضرت عیسی (ع) در آخرالزمان و همراهی ایشان با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم را مورد کاوش قرار داده است. در بخش نخست مباحثی مقدماتی چون: مسأله مهدویت و برداشت همه انسان‌ها از آن، مفهوم و مصداق انتظار و گستردگی عدالت مطرح و بررسی شده است. در بخش دوم تلاش شده تا شباهت‌های گوناگون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم و عیسی (ع) بیان شود. بخش پایانی که اصلی‌ترین مباحث کتاب را در خود جای داده، پیرامون ابعاد مختلف مسأله رابطه نزول حضرت عیسی (ع) با ظهور موعود منتظر (ع) می‌باشد.



واژگان کلیدی: مهدی (ع)، مسیح (ع)، شباهت، نزول، ظهور، موعود، منجی.
ناشر: انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار، شابک: ۰-۷۵-۷۷۰۹-۹۶۴-۹۷۸

English translation

ترجمہ انگلیسی

The Relationship between Future Research and Mahdism Research and the Application of the Panel Method in Mahdism

Hussein Ali Jabbari¹

Abstract

Futurism is the art of shaping the future and recognizing and studying various futures, including possible, probable, preferred and desirable futures. On the other hand, Mahdism research based on religious teachings is a field to move towards a dynamic and desirable future and a movement towards a definite human future. The issue that will be addressed in this article will be the explanation of the relationship between futures research and Mahdism research and the analysis and application of the panel method in the fields of Mahdism research will be investigated. Therefore, this article uses a descriptive and analytical method to explain the relationship between futures research and Mahdism and the application of the panel method in Mahdism. The similarities and convergence of Mahdism topics in the field of futurology, the brief differences between these two research trends and also the operational capability of the panel method in the field of Mahdism and facing the desired and preferred future will be the most important research achievement.

Keywords: Mahdism research, future research, panel.

¹ Graduate Student of Level 4 of Qom Seminary, and Level 4 of Mahdism, Social and Political Field at the Specialized Center of Mahdism of Qom. jabbari.h110@gmail.com

The Methodology of Hollywood Cinema Media in Creating a Sense of Need and Urgency for a Savior

Masoud Zaeri¹

Abstract

The audio-visual media of the Western world, especially Hollywood, have been eager to cover apocalyptic and savior-oriented issues for nearly 30 years. In the meantime, one of the issues that they have achieved considerable success in addressing is creating a sense of need and urgency to a savior among their audiences. These media outlets have employed a variety of methods and techniques to create this issue. Techniques that are cleverly embedded in cinematic labels to make the most impact on the audience; techniques such as the polarization of good and evil, the attractiveness of the savior, the believability of the savior, heroism, etc., are some of the things that are used to create a sense of need for a savior. In the present article, while reviewing a number of Hollywood cinema index works with apocalyptic themes, a number of these techniques will be briefly introduced and explained.

Keywords: savior, sense of need, urgency, Hollywood cinema, cinematic techniques.

¹. Student of Level 3 at the Specialized Center of Mahdism of Qom Seminary

Masodzaeri68@gmail.com

groundbreaking organization for the appearance, activities are defined which have the potential in relation to the actuality of appearance and are able to directly influence the realization of appearance. The benefits and characteristics of the underlying organization as a whole are that it gives individual affairs a collective nature.

In this article, the conceptual explanation of the components of the organization of the society underlying the appearance is done in a descriptive-analytical method.

Keywords: organization, the groundbreaking society, awaiting, Mahdism.

Explaining the Concept of Community Organization Paving the Way for the Appearance of Hazrat Mahdi (as)

Nastaran Hedayat Nasab¹

Abstract

The issue of waiting is the most important strategy of the age of Occultation and the most central pillar of the religious life and future studies of Shiites, and the most important requirement of the concept of waiting is to prepare the ground for the appearance of Hazrat Mahdi (pbuh). The existence of the organization for the preparation of the ground for the appearance, as the correct method of preparing the ground, is the opposite of the attitude based on the non-necessity of preparing the ground and also the person-centered attitude.

The planning organization is a kind of organization with a sociological meaning that its structure, proportion of members, type of activity and goals are determined by the preparation of the ground as a religious task and also the necessity of Shiism.

All activities in this organization are in order to expand the Infallible Imam's authority, along with accepting different dimensions of groundwork and accepting the diversity of people's capacity, which can simultaneously provide solidarity and coordination within the organization. In the

¹. Master of Quranic and Hadith Sciences, Amir Al-Muminin University, Ahvaz.

nhedaiatnasab@yahoo.com

البطشة بين (A Narrative Research on Aban's Narration (المسجدین) Observing the Events During Occultation Period

Ali Rabbani¹

Abstract

Some narrations are difficult to understand. The hadith of Aban ibn Tughlab is an example of these narrations, the two-sided expressions of which have become a reason for different interpretations. There are five incidents in which the time and place of their realization differ according to the narrators of the narration. If the time of occurrence of these events is in the first years of the Great Occultation, the events are interpreted in a way that differs from the time of occurrence of events in the years leading up to the appearance. Attempts have been made to investigate these incidents by using similar narrations. Due to the preference of the text of the book of Kafi over the narration of Nomani, the second interpretation reinforced by the set of evidences is used, the time of realization of the events is close to the appearance. Two analyzes of the narrative have been criticized for their prejudice and improper adaptation of the current situation in Saudi Arabia and Iraq.

Keywords: between the two mosques, hard incidents, concealment of knowledge, Shiite disagreements

¹ . Researcher at the Research Center of Mahdism and Messianism of Intizar-e-Pouya
Rabbanyali@chmail.ir

فصلنامه علمی تخصصی
مطالعات مهدوی

Scientific-Promotional Quarterly of Mahdism Studies

Eleventh Year, Vol. 50, winter1399 (2021)

Magazine Owner: Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya
(Dynamic Awaiting), Specialized Center of Mahdism of Qom Seminary

Responsible Manager:

Clergy of Islam and Muslimin Mahdi
Yousefiyan

Editor in Chief:

Sa'eed Tavasoli Khah

Internal Manager and Editorial Staff:

Hussain Ali Jabbari

Editor:

Mohammad Reza Mojiri

Translator:

Zeynab Farjamfard

Editorial Board (Alphabetically Ordered):

Tavasoli Khah, Sa'eed (Ph.D. in Teaching Islamic Studies, Researcher at the Specialized Center of Mahdism)

Heidari Charati, Hojjat. (Seminary Scholar, Professor at the Specialized Center of Mahdism)

Jabbari Hussein-ali, (Seminary Scholar, Professor at the Specialized Center of Mahdism)

Kamyab, Moslem. (Seminary Scholar, Professor at Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya)

Moslehi, Ali. (Seminary Scholar, Professor at the Specialized Center of Mahdism)

Ma'navi, Seyyed Mojtaba. (Seminary Scholar, Professor at Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya)

Mollaei, Hasan. (Seminary Scholar, Head of Group of Ethics at the Specialized Center of Mahdism)

Contributors of this Issue:

Saeyd ali kazemi Sheikh Shabani

Address: Mahdism and Messianism Research Center of Intezar
Pouya, Specialized Center of Mahdism, Amar Alley, Shohada St.
(Safaeyeh), Qom.

Tel: 025-37841410

Fax: 025-37737160

P.O.B: 37135119.

Website: <http://mamdimag.ir>

Email: mahdimag@gmail.com

Social network channel Address: @mahdaviatmag

ISSN: 2717-0241

Price: 750000 Rials

